انتشارات دانشگاه تهران

۵۲۱

راهنمای سنسکریت

تألیف

پروفسور ایندوشیکهر

استاد سنسکریت در دانشگاه راجپوتانا

واستاد سنسکریت و هندشناسی در دانشگاه تهران

تهران

۱۳۳۷

چاپخانهٔ دانشگاه

تقدیم به دوستداران ادبیات هند و ایران

بها ٦٠ ریال

بخامهٔ استاد پورداود

دیباچه

این نامه که در دستور زبان سانسکریت است، نخستین نامه‌ایست در این زمینه بزبان فارسی گرد آورندهٔ فاضل ارجمند آن آقای پروفسور ایندو سکهر Indu Shekhar اینک دو سال است که استاد این زبان کهنسال است در دانشگاه تهران

نگارندهٔ این دیباچه شاد است از اینکه این چند سطر را در سر این نامه بیادگار میگذارد، چه ایجاد کرسی چنین درسی در ایران از اوست

در دوازده سال پیش از این از دولت هند بدستیاری سفیر آن در تهران درخواستم که استادی از برای تدریس سانسکریت در آموزشگاه عالی ایرانشناسی به ایران بفرستد تا بگواهی این زبان، خویشاوندی نزدیک هندوان و ایرانیان بهمدیگر بهتر نموده شود نخستین استاد این زبان دیرین در پایان سال ۱۳۲۸ خورشیدی بتهران رسید و گروهی از دانشجویان آن آموزشگاه دریافتند که زبانهای اوستائی و پارسی باستان را، پیشینیان گرانمایه و برومندی است، بنام سانسکریت و آنچه ازما با از میان رفتن بخش بزرگ اوستا، از دست رفته، از نامهٔ آسمانی ودا Veda میتوان بدست آورد

از بخت بد بیش از سه سال نتوانستیم آن آموزشگاه را پایدار بداریم پس از آن از رئیس دانشگاه آن وقت جناب دکتر علی اکبر سیاسی درخواستم که

۱۷۷۱ انتشار یافته بود ، دریافت که ترجمهٔ او اساس درستی ندارد[۱] و باید از سانسکریت پی بزبان کهنسال دیگر آریایی یعنی اوستا ، اینکه جای سپاسگزاری است که از برای هندوان دفترهٔ هنگفتی بجای مانده که امروزه بکار ایرانیان آید و بسا بندهای ما را در ترجمهٔ اوستا و پارسی باستان بر کنار سازد

گذشته از نوشتهای فراوان دینی و داستانی و فلسفه و ستاره‌شناسی و پزشکی و جزآنها ، کتابهای کهنسالی هم در دستور زبان سانسکریت مانده از آنهاست استادهیایی **Astadhyayi** از پانینی **Panini** که زمان او را سدهٔ چهارم یا پنجم پیش از مسیح دانسته‌اند و دستوری که در توضیح گرامر پانینی است و موسوم است به مهابهاشیه **Mahabhasya** تألیف پاتنجلی **Patañjali** زمان او را یک یا دو سده پیش از میلاد مسیح دانسته‌اند و جز اینها

برخی از دانشمندان اوستا و سانسکریت‌دان چون بارتولومه **Bartholomae** که درسال ۱۹۲۵ میلادی درگذشت از برای نشان‌دادن خویشاوندی زبان در گروه آریایی (ایرانیان و هندوان) با همدیگر یک جمله اوستائی را برگزیده ، در زیر هر کلمه معادل سانسکریت آن را نوشته بر همان قاعدهٔ صرف و نحوی آن جمله اوستا را بآن کلمات سانسکریت اجرا کرده ، اینچنین یک جمله درست سانسکریت ساخته‌است گذشته از نزدیکی لغات زبان این دو گروه بهمدیگر ، بنا هم طرز سخن و تعبیرات در اوستا و ریگ‌ودا **Veda** یکسان است

چون وجه تشابه زبان اوستایی با سانسکریت بسیار است و این مختصر گنجایش برشمردن آنها را ندارد ، باید کوتاه بگیریم در پایان یادآور میشویم یک رشته لغاتی که درزبان فارسی‌داریم ، معادل آنهارا در اوستا و سنگنبشتهای پارسی

۱ـ بنا بگفتهٔ دوپرون در سالهای ۱۷۶۱ـ۱۷۵۸ در سورت (از شهرهای هند) او نزد یکی از دستوران پارسیان هند معانی متن اوستا را فرا گرفت ، اینچنین تفسیر و تعبیر پهلوی دستور جاماسب او بنیاد آموزش وی بود و او از روی همان دادهها ترجمه اوستای خودرا مرتب ساخت

کرسی زبان سانسکریت را درخود دانشکدهٔ ادبیات پایدار بدارد از آن تاریخ است که دانشگاه تهران ازچنین درس سودمندی برخوردار است

همهٔ دانشگاه های بزرگ اروپا و امریکا از چنین درسی بهره‌ور است ، دانشگاه تهران بآن برازنده‌تر است ، چه این زبان بازبانهای باستانی ایران چون اوستائی و پارسی باستان فقط تفاوت لهجه دارد این است که این زبانهای آریائی را خواهران همدیگر خوانده‌اند آری این زبانها را یك ریشه و بنیاد است وهریك بجای خود و زمان خود گویش نیاگان ما بود چنانکه میدانیم از زبان اوستائی چهار یك آن بجای مانده و از زبان پارسی باستان همان اندازه بجاست که در سنگنبشته‌های پادشاهان هخامنشی کنده‌گری شده‌است کم و کاست زبانهای ایران زمین را بخوبی زبان دیرین هند جبران میکند

باید یادآور شد که در سدهٔ نوزدهم میلادی برخی از دانشمندان ، از برای دریافتن مفهوم درست اوستا ، بسانسکریت روی آوردند و از چهار دیوار گزارش سنتی‌نامهٔ دینی ایرانیان که بنیاد استواری ندارد بدرآمدند اینچنین بسیاری از رازها و جمله‌های اوستا را که گذشت زمان ز آسیب روزگار دوراز فهم کرده بود ، دگرباره روشن کردند

از روزی که بورنوف **Burnouf** جارزشناش ورانسه های (فصل) اول یسنا را با یادداشتهای فراوان درسال ۱۸۳۳ و هات نهم یسنا را در سالهای ۱۸۴۶ ـ ۱۸٤٠ میلادی انتشار داد ، ازینرو شناسی پایهٔ علمی گرفت در همان زمان دانشمند آلمانی بوپ **Bopp** بسنجش زبانهای هند و اروپا ، بهمدیگر پرداخت و بپیوستگی زبانهای آریائی هند و ایران بهمدیگر ، هویدا شد

خود بورنوف را ترجمهٔ سانسکریت نریوسنگ **Neryosang** ، موبد پارسیان در پایان سدهٔ دوازدهم میلادی ، راهنما گردید بورنوف با سنجیدن ترجمهٔ سانسکریت نریوسنگ با ترجمهٔ فرانسه زنداوستای انکتیل **Anquetil** که درسال

پیشگفتار

نیازی به شرح سبب انتشار کتاب حاضر نیست زیرا با اینکه بستگی بسیار نزدیکی میان زبان سنسکریت و زبانهای ایرانی وجود دارد پس از این کتابی به فارسی دربارهٔ زبان سنسکریت بوسیلهٔ هیچیك از دانشمندان نوشته نشده است هنگام ورودم به ایران از این قصور در شگفت ماندم بویژه که کتابهای بسیاری در بارهٔ خودآموز زبان سنسکریت بهچندین زبان اروپایی در دست است در میان سخنرانیهای درسی خود در دورهٔ دکتری ادبیات فارسی بیشتر این قصور و کوتاهی را دریافتم و بر آن شدم که با تقدیم کتاب خودآموزی درسنسکریت این شکاف را پر کنم تا دانشجویان و دوستداران این زبان با خواندن آن بهرهیی بر گیرند ولی پس از آن آگاه شدم که این کار چنانکه چشم داشتم آسان نبود بلکه در دنبال این تصمیم سختیهای فراوانی پیش آمد که بی اندازه موجب پس افتادن انتشار این کتاب شد

نخستین مشکلی که بدان برخوردم آگاهی اندکم بود از زبان فارسی و این موضوع بستگی پیدا میکرد باینکه درسهای مرا دیگران بفارسی بر گردانند بعضی از همکارانم که برای یاری خواستن نزدشان‌رفتم کارهای سودمندتری‌داشتند که اوقات ایشان را گرفته بود و من ناچار شدم از «معلّم معلّم» که منظورم دانشجویان و شاگردان خودم است یاری بخواهم حتی پس از اینکه مقداری از درسها بوسیله جناب‌آقای دکترمعین استاد دانشگاه تهران بهفارسی بر گردانیده و آماده چاپ شد همهٔ آنها یکجا با نسخههای اصل بدست مستخدم بی‌احتیاطی گم شد و این پیش‌آمد مرا سخت غمگین و دلسرد کرد پس از چندی دوباره با گذراندن چهارماه وقت درسها را آماده کردم و بهچاپخانهسپردم از اینجا بسیاری

باستان نمی‌دانیم ، زیرا آنچنانکه گفتیم بخش بزرگ اوستا از دست‌رفته و نبشته‌های پارسی باستان‌هم باندازه‌ئی نیست که همهٔ بنهای باستانی بیش‌از پانصدواژه زبان کنونی ما در آنها یافت شود . از آن واژه‌هاست فرموشیدن = فراموشیدن = فراموش کردن (در سانسکریت پر + مرش pra + marsh) ، همچار (در سانسکریت Sañcara) ، یاهار (در سانسکریت آهار ahara غذا ، از همین نهاد است آهار درفارسی)

۷- از آنجایی که فارسی جدید کمتر دارای حالت مجهول (Passive-Voice) است برای کم کردن اشکال، مقدار لازمی از اینگونه حالتها را شرح دادم

۸- بخش مربوط به الفبا و خط «دوناگری» را برای آسان ساختن دانشجویان به شکل و طرز این حرفها اضافه کردم

۹- چون دانشجویان بیشتر آشنا با خط لاتین هستند، بیشتر واژه‌های سنسکریت را به این خط آوردم ولی دانشجو می‌تواند آسانی با فراگرفتن خط دوناگری آنها را به این خط برگرداند و بتواند متن‌های سنسکریت را - که مقدار آنها کم نیست - فراگیرد

در اینجا باید از همکاران و دوستان و شاگردان خود که در این کار از هر نظر مرا یاری کرده‌اند سپاسگزاری کنم

جناب آقای استاد پورداود که بر این کتاب پیشگفتاری نوشته و مرحمت فرموده‌اند

جناب آقای دکتر محمد معین و آقای دکتر نگهبان استادان دانشگاه تهران

دوست گرامیم آقای آریان پور و دوست گرامیم آقای ماتور عضو سفارت کبرای هند

نیز از شاگردان خود مانند

آقای بهی مینا و دوشیزه سودابه دهدشتی و بانو کریمی و دوشیزه بدری فربت و آقای هوشنگ جوانمرد و آقای محمدمسعود سادات ناصری، که در واژه‌نامه و نیز غلط گیری چاپخانه مرا یاری کرده‌اند، سپاسگزارم

و سرانجام از شاگرد باهوش و زیرک خود آقای احمد تفضّلی که بدون وجود همراهیهای مؤثر ایشان این کتاب مسلماً هنوز در مراحل ابتدایی چاپ باقی میماند و بدین صورت در نمی‌آمد، سپاسگزارم و تشکرات قلبی فراوان خود را بدو تقدیم می‌دارم

از مشکلها آغاز شد زیرا حروفچینان چاپخانه از نشانه‌های لاتین که برای واژه‌های سنسکریت بکار می‌رود آگاهی نداشتند و نمونهٔ اینگونه نشانه‌ها در چاپخانه نبود ولازم بود که ساخته شود ساخته‌شدن این نشانه‌ها بسیار بدرازا کشید چنانکه در هر هفته بیش از یك نمونهٔ چاپی آماده نمی‌شد وسرانجام انتشار کتاب بتأخیر افتاد وبا کوشش بسیاری که در بی‌غلط بودن کتاب بکار رفت غلطهایی در کتاب راه یافت ولی اکنون شادمانم که کتاب منتشر شد و اگر یاری باشد بخش دوم آنرا نیز به خوانندگان تقدیم می کنم

در این کتاب ممکن است اشتباهات فراوانی دیده شود که باید بدیده عفو نگریسته شود و تنها خود را در آن مقصر می‌دانم و باید بگویم که « هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست »

در اینجا لازم می‌دانم نکاتی را یاد آورشوم

۱ـ از آنجایی که زبان فارسی بطور شگفت‌آوری ساده شده است واژه‌های دستوری سنسکریت برابری در فارسی ندارد و در واقع باید گفت که ساختمان دستوری زبان سنسکریت زبدهٔ خود آن است و هر کوششی برای برگرداندن اصطلاحات دستوری زبان سنسکریت گرفتاریهایی در بردارد

۲ـ دربخشی که بطور کوتاه از زبانهای آریایی وتاریخ کوتاهی که ازادبیات سنسکریت داده‌ام کوشیده‌ام که از مطالبی که موجب اختلاف است بر کنار باشم و اگر درمواردی مورد سرزنش قرار گیرم ، قصوری کرده‌ام و آن نیز غیرعمدی‌است

۳ـ در ترتیب دادن دروس و قواعد ناچار شدم که حالت تثنیه را که دارای اشکالاتی بود حذف کنم

٤ ـ از ده نوع زمانها و وجوه تنها پنج نوع آنها را آوردم زیرا بقیهٔ آنها برای دانشجویان پیچیده ومشکل است

٥ ـ ریشه‌های حالتهای مبانی **(Preposition)** و کلمات غیر متصرف **(Indeclinable)** را در جزو دستهٔ قیود **(Adverb)** قرار دادم

٦ـ ریشه‌های حالتهای مبانی **(Middle-Voice)** را بنهایت یك شماره محدود کردم

فهرست مندرجات

از کارکنان و کارگران چاپخانهٔ دانشگاه که در کار چاپ نهایت کوشش را کرده‌اند، سپاسگزارم.

در پایان از اولیای دانشگاه که کتاب مرا جزو سلسله انتشارات دانشگاه قرار داده‌اند بویژه از جناب آقای دکتر سیاسی ریاست محترم دانشکدهٔ ادبیات که کوشش بسیار در انتشار این کتاب فرموده‌اند، سپاسگزاری می کنم.

امیدوارم که این نخستین کتاب فارسی دربارهٔ سنسکریت مورد استفادهٔ دانشجویان و دوستداران زبان سنسکریت قرار گیرد و راه را برای مطالعات بعدی در چنین موضوعی که میراث عمومی ماست هموار نماید و به روابط نزدیکتر میان هندو ایران کمک کند.

ایندوشیکهر

باشگاه دانشگاه طهران

اول اسفندماه ۱۳۳۷

موضوع	صفحه
درس هفتم صرف اسمهایی که بحروف بی صدا ختم میشوند ـ زمان حال ـ تمرین	٦١
درس هشتم ضمایر وصرف آنها ـ افعال ـ تمرین	٦۴
درس نهم واژه‌ها ـ صرف بعضی ضمایر ـ افعال ـ تمرین	٦٧
درس دهم اعداد ـ صرف اعداد ـ تمرین	٧٠
درس یازدهم افعال میانه زمان حال وماضی نقلی وصرف آنها ـ واژه‌ها ـ افعال ـ اسم فاعل ـ تمرین	٧۵
درس دوازدهم اسم فعل ـ گذشته معلوم ـ اسم مفعول ـ اسم مفعول معلوم واژه‌ها ـ تمرین	٧٨
درس سیزدهم اسم مصدر ـ مصدر ـ صرف مستقبل مجهول ـ افعال ـ واژه‌ها ـ تمرین	٨٢
درس چهاردهم افعال صرف حالت مجهول و علامتهای تصریف ـ واژه‌ها افعال ـ تمرین	٨٦
درس پانزدهم پیساوندها وحروف اضافه قیدی ـ کلمات مرکب ـ واژه‌ها افعال ـ تمرین	٨٩
بخش پنجم (چندنمونه ازمتن‌های مشهور سنسکریت)	
١ـ هیتوپدشا	٩۴
٢ـ هیتوپدشا	٩٦
٣ـ پنچاتانترا	٩٨
۴ـ مهابهاراتا (فرمان بهشما)	١٠٠
۵ـ رامایانا	١٠٢
٦ـ گفتارهای نیك	١٠۴
٧ـ اوپانیشاد	١٠٦
٨ـ ریگ‌ودا	١٠٨

نشانه‌های اختصاری

ABBREVIATIONS

a	adjective	(صفت)
adv	adverb	(قید)
f	feminine	(مونث)
ind	indeclinable	(غیرمنصرف)
int	interjection	صوت
m	masculine	(مذکر)
n	neuter	(خنثی)
num	number	(عدد)
part	particle	(حرف)
pr pl	present participle	(اسم مفعول معلوم)
pt pl	past participle	(اسم مفعول مجهول)
pt pf	past perfect	(ماضی نقلی)
pro	pronoun	(ضمیر)
prop	name	(اسم خاص)
prep	preposition	(حرف اضافه)
v	verb	(فعل)
ǀ	root of verb	(ریشه افعال)

موضوع	صفحه
بخش ششم: خط دوناگری	
الفبای دوناگری	۱۱۱
رقمها در خط دوناگری	۱۱۵
نمونه‌ای از کلمات به دوناگری	۱۱۶
جمله‌هایی به دوناگری	۱۱۷
نمونه‌ای از هیتوپدشا وریگ‌ودا به دوناگری	۱۱۹
بخش هفتم (واژه‌نامه)	
۱ ـ واژه‌نامهٔ سنسکریت ـ فارسی	۱۲۱
۲ ـ فهرست واژه‌های فارسی که معادل سنسکریت آن در واژه‌نامه آمده‌است	۱۶۷
بخش هشتم (پاسخ تمرین‌ها)	۱۸۵
غلطنامه	۱۹۶

آغاز زبان سنسکریت

زبان سنسکریت زبانی است کهنه و متعلق به اقوام هند و ایرانی. این اقوام که بنظر محققان مختلف احتمالا ابتداء در آسیای صغیر (دره دجله وفرات) یا نواحی دریاچه اورال در روسیه یا نواحی قطب شمال با اسپهای ورزیده میزیستند برای امرار معاش کوچ کردند و با تمدن و زبان خود در سرزمینهای گوناگون پراکنده شدند. اقوام مزبور رفته رفته زبان خود را تکمیل کردند و آنرا توسعه دادند، و برای تسهیل کار میتوان آنرا زبان هند و اروپائی نام نهاد.

این زبان در بین اقوام هند و اروپائی در آسیای میانه بصورت سنسکریت درآمد و درغرب گروه زبانهای هند و ژرمنی یا توتنی (Teutonic) را بوجود آورد که آنرا مادر زبانهای مغرب‌زمین دانسته‌اند.

اقوام هند و ایرانی

شعبه‌هائی از اقوام هند و ایرانی در آغاز دوره مهاجرت به ایران کوچ کردند و شعبه‌های دیگری از این قوم در سیستان یا در افغانستان کنونی، که در اوستا «ایریان‌وجه» (Airyan -vaeja) خوانده‌میشود، جدا شده و بسوی آسیای میانه سرازیر شدند. این دسته پس از عبور از گذرگاه شمال غربی کوههای هندوکش به سرزمین « سپتاسندهو » (Sapta - sindhu) - یعنی «هفت‌رودخانه» - واقع در پنجاب هند رسیدند. آنهائی که در هند ساکن شدند «آریان»[1] (Aryan) نام گرفتند و آنهائی که به ولایات ایران آمدند ایریان (Airyan)

بر رشته فقه اللغه تطبیقی که امروز زبان شناسی خوانده میشود برانگیخت زبان شناسان آلمانی متوجه شده بودند که بسیاری از واژه‌های زبان سلتی (Celtic یا کلتی Keltic) و توتونی (Teutonic) و یونانی ولاتین وفرانسه وآلمانی بسیار همانندند ولی تاآن موقع مبناء این مشابهت ها را نمیدانستند اما فرانزبوپ (Franz Bopp) زبان شناس آلمانی بکمك زبان سنسکریت اولین کتاب فقه‌اللغه تطبیقی را نوشت و راه تازه‌یی در تحقیقات مربوط به فولکلور ومردم شناسی گشود معلوم شد که سنسکریت کهنه‌ترین زبان هند و ایرانی ومادر عمده یی از زبان های هند و اروپایی است

زبان سنسکریت

سرودهای دلپذیر وعارفانه وداها واو انیشادها وآثار لطیف کالیداس نه تنهامحققان اروپایی را متوجه زبان سنسکریت کرد ، بلکه کلیدی برای حل بسیاری ازمسائل علمی فراهم‌ساخت وانسان‌دریافت که بقول‌قدما «نورازشرق‌میآید» وبرای حل‌بسیاری ازقضایا بایدبه مشرق زمین روی‌آورد سپس گروه زبان های هند و اروپایی شناخته شد ولی محققان چون‌سیستم‌پیچیده حرف‌های‌آوایی (Vowel System) زبان‌های هند واروپایی را درسنسکریت نیافتند معتقد شدند که قدیم ترین زبان هند واروپایی سنسکریت‌نبوده بلکه زبانی بوده است که حرف‌های آوایی بسیار متنوعی داشته این زبان فرضی که در هرحال مناسبت ازسنسکریت دور نباشد « زبان هند و اروپایی » خوانده شد

ازآن زمان‌تا کنون مطالعه زبان سنسکریت برای هرگونه تحقیق در زبان شناسی وتاریخ تمدن وفکر ودین وسنن بشری لازم شمرده شده و چنان پژوهش های دامنه‌داری در مورد زبان‌های هند و اروپایی‌صورت گرفته است که در مورد هیچیك‌از گروه‌های زبانی دیگر سابقه ندارد

همانندی‌های زبان سنسکریت و اوستایی

شباهت این‌دو زبان بقدری است که مطالعه هریك تحقیق در دیگری را ایجاب

یا (Aeryan) نامیده شدند. معنی هردو نام « آزاده » است و چنانکه میدانیم نام کشور ایران از این ریشه بدست آمده است.

بدیهی است که ساکنان ایران وهند تا آن که از مسکنی یگانه برخوردار بودند بتدریج درمحیطهای جدید خود دگرگون شده و دو تمدن متفاوت بوجود آوردند که بنیان تمدن باستانی آسیائی‌ها گردید. هردو قوم باقتضای تمدن ابتدائی خود طبیعت پرست بودند وبرای ستایش مظاهرطبیعت سرود میگفتند. منترا (mantra) های هندی بصورت کتابهای ودا (veda = دانائی) بجا مانده که بمعنی کتاب دانش است. گاتا (Gatha) های ایرانی نیز که بنیاد اوستا شمرده میشود و در دست است در توصیف خدایان ایرانی مانند میترا - اهورامزدا وغیره سروده شده است.

زبان وداهاواوستا ازلحاظ واژه وساختمان وآواشناسی (Phonetics = فونتیک) بسیار همانندند و خبر از پیوند نزدیکی میدهند. آیین و عقاید و رسوم هندیان و ایرانیان نیز باوجود تفاوتهای زیاد ازمشابهت های بسیار برخورداراست. متاسفانه اوستا برخلاف وداها تماما بما نرسیده وپاره‌ئی ازبخش‌های آن درجریان حوادث از میان رفته است. همچنین درمقابل زبان وداها که مدت چهارهزار سال دوام آورده زبان اوستا از قرنها پیش بصورت زبانی مرده درآمده است. باز همه از سنجش این دو زبان پیوستگی نزدیک ایرانیان وهندیان باستان بخوبی برمیآید.

وداها و اوستا

با آنکه زبان وداها (سنسکریت) و زبان اوستا (اوستائی) شباهت فراوان دارند، تا این اواخر که اروپائیان دست بمطالعه این زبانها زدند کسی متوجه مشابهت آنها نشده بود. درقرن هیجدهم خاور شناس معروف ویلیام جونز (William Jones که درباره زبان فارسی نیز تتبعات بسیار کرده است در سال ۱۷۷۶ اروپا را با آثار سنسکریت ازقبیل وداها واوپانیشادها (Upanishads) وبرخی‌ازآثار کالیداس (Kalidasa آشنا ساخت و دانشمندان اروپا مخصوصا آلمان و انگلیس را بمطالعات جدیدی نوبر

زبان‌های هند و آریان را میتوان به‌سه دسته زیر تقسیم کرد

الف ـ هند و آریان باستان
- ۱ ـ سنسکریت وداها
- ۲ ـ سنسکریت کلاسیک

ب ـ هند و آریان میانه
- ۱ ـ پالی
- ۲ ـ پراکریت (Prakrits)
- ۳ ـ آپ هرامسا (Apabhramsa)

ج ـ هند و آریان جدید
- ۱ ـ بنگالی Bengali
- ۲ ـ هندی Hindi
- ۳ ـ گجراتی Gujrati
- ۴ ـ مراتی (Marathi)
- ۵ ـ بهاری Bihari وغیره

زبان های هند و ایرانی نیز طبقاتی دارند زیرا اقوام ایرانی درمناطق وسیعی از دره جیحون باختر از یک طرف وازفلات ایران تاروسیه از طرف دیگر پراکنده شدند و بعلاوه پس ازسایر اقوام با اتحاد زبان‌های مستقل رغبت نمودند ، برروی هم زبان‌های هند وایرانی را میتوان چنین طبقه‌بندی کرد

الف ـ ایرانی باستان
- ۱ ـ اوستایی (گاتاها)
- ۲ ـ پارسی باستان (کتیبه‌های هخامنشی)

ب ـ ایرانی میانه
- ۱ ـ پارسی میانه (پهلوی)
- ۲ ـ سغدی وسکایی
- ۳ ـ سیو (؟)

ج ـ ایرانی جدید پارسی رایج وگویش های آن

در باره زبان های ایرانی باستان و زبان های میانه (سغدی وسکایی) اطلاعات منظمی دردست نیست ونمیتوان آنها را بسهولت باسنسکریت مقایسه کرد اما زبانهای

میکند بسیاری از شعرهای هر یک از دو زبان را میتوان با تغییرات گرامری و لغوی مختصری بزبان دیگر برگرداند شباهت گاتاها یعنی قدیم ترین قسمت اوستا با ادبیات سنسکریت خواننده را بحیرت میافکند با این وصف بخوبی معلوم است که زبان سنسکریت کهنه‌تر از زبان گاتاهاست

گرچه هردو زبان از واژه‌های مشترکی برخوردار میباشند ولی این واژه های مشترک تفاوت هایی نیز دارند با این همه الفاظ دینی وفرهنگی و کلمات دال براسباب زندگی روزانه تقریبا همانندند

سنسکریت	اوستایی
هرانیا (Hiranya)	زرانیا (Zaranya)
اسورا (Asura)	اهورا (Ahura)
هوتر (Hotri)	زاوتار (Zaotar)
سنا (Sena)	هاینا (Haena)
یجنا (Yajna)	یسنا (Yasna)
سوما (Soma)	هئوما (Haoma)
میترا (Mitra)	میثرا (Mithra)
یما (Yama)	یما (Yima)
وی واس وانت (Vivasvant)	وی‌واهانت (Vivahant)
اپام نپات (Apam Napat)	اپم نپات (Apem Napat)
دوا (Deva)	دئوا (Daeva)

برای تفکیک زبان سنسکریت از زبان‌های ایرانی آنرا « هندوایرانی » (Indo – Iranian) می‌خوانند زبان‌های هند وایرانی همه زبان های هند را (باستثنای زبان‌های دراویدی) از زبان وداها تا زبان های کنونی هند که بازمانده زبان سنسکریت میباشند وهم بسیاری از لغات سنسکریت را حفظ کرده‌اند دربر میگیرد

سرد (Sharad)	سرد
سه‌وتا (Shveta)	سفید
کشیرا (Kshira)	سرد
آپ (Apa)	آب
پیتری (Pitri)	پدر
ماتری (Matri)	مادر
بهراتری (Bhratri)	برادر
دوهیتری (Duhitri)	دختر
مرتیا (Martya)	مرد
شوشکا (Shuska)	خشک
نرما (Narma)	نرم
پورنا (Purna)	پر
یووان (Yuvan)	جوان
اکا (Eka)	یک
دوی (Dvi)	دو
چتور (Chatur)	چهار
پنچا (Pancka)	پنج
شت (Shat)	شش
سپتا (Sapta)	هفت
اشتا (Ashta)	هشت
نوا (Nava)	نه
دشا (Dasha)	ده

ایرانی‌جدید چون متضمن سن دوهزارساله زبان‌های هند واروپایی‌میباشد با سنسکریت شباهت‌هایی دارند

باوجود تحولات عظیمی که درزبان فارسی گویی‌روی داده است هنوزدرحدود ۳۵ درصد کلمات آنرا مساوی با کلمات سنسکریت ودایی و کلاسیک سنجند

مهمترین تحولاتی که درزبان فارسی پدیدآمده است عبارتست از

تبدیل «س» به «ه»

تبدیل «ه» به «ز»

تبدیل «ب» به «ب»

و تبدیل «ه» به «د» وغیره

سنسکریت	پارسی کنونی
اسوا (Ashva)	اسب
کهرا (Khara)	خر
موسکه (Mushika)	موش
کپوتا (Kapota)	کبوتر
هستا (Hasta)	دست
جانو (Janu)	زانو
پد (Pad)	پا
دنتا (Danta)	دندان
باهو (Bahu)	بازو
چایا (Chaya)	سایه
سپتاها (Saptaha)	هفته
ماسا (Masa)	ماه
دورا (Dûra)	دور
گاهارما (Gharma)	گرم

همجنس افعال و ریشه‌های سنسکریت وفارسی بهم شباهت دارند

کری (Kri)	کردن
کهدری (Khadri)	خوردن
دا (Da)	دادن
گره (Grih)	گرفتن
کرش (Krish)	کشیدن

و اروپایی و آریایی

سم

بالت و اسلاوی | ارمنی | آلبانی | آریانی یا هند و ایرانی

(لیتوبی-روسی-لهستانی-بلغاری)

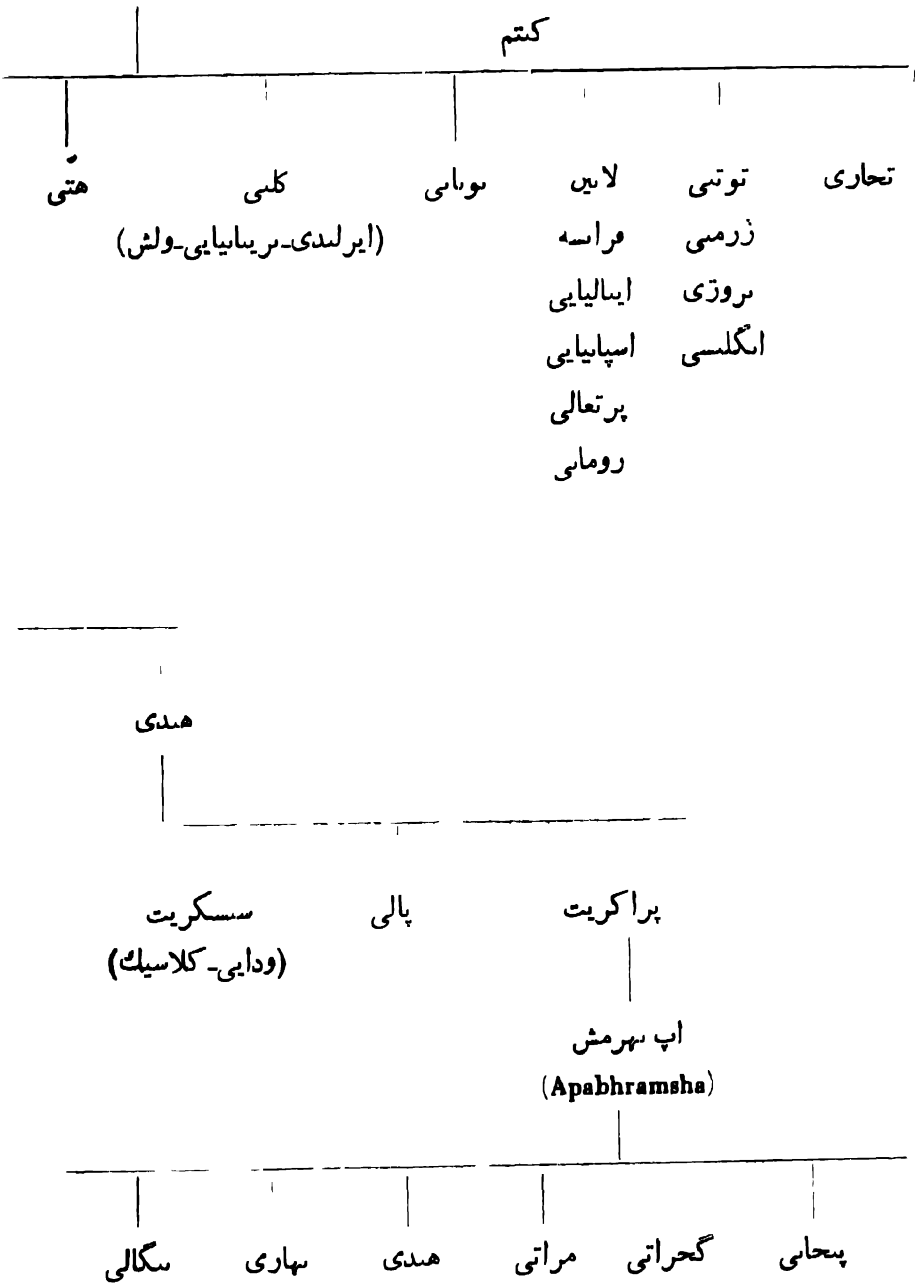
ایرانی

دوره باستانی (اوستائی و فارسی باستان)

دوره میانه (پهلوی ـ ختنی ـ سغدی)

دوره نوین (فارسی و گویشهای آن)

دسته‌بندی زبانهای هند



۲ - مختصری دربارهٔ تاریخ ادبیات سنسکریت

۱ - سرزمین هفت رودخانه

دسته اول آریاها که عدهٔ زیادی از همراهان خود را پشت سر گذارده بودند بسرزمینی حاصلخیز در اطراف رودخانه‌های بزرگ پنجاب ودره سند (Indus Valley) رسیدند رنج بی‌پایان مسافرت پرخطر این دسته با رسیدن باین سرزمین حاصلخیز جبران شد جلگه‌های خوش‌منظره ، رودخانه‌های پرآب وآب وهوای نشاط‌انگیز این منطقه بهترین پاداشی بود که طبیعت باین کاروان بخشید در اینجا بود که آریاها برای اولین بار طلوع خندان وزیبای آفتاب وآسمان پرستاره را مشاهده کردند این مناظر مجلل و لذت‌بخش طبیعت ، مسافران تازه رسیده را بحدی تحت نفوذ خود قرارداد که درهمان نقطه‌ماوی ومسکن گزیدند طبیعت سرزنده ونسیم معطر این نواحی همچون نفس آرام‌بخش معشوق ، این مسافران خسته و کوفته را وادار به سکونت در دامان خود نمود مسافران نورسیده وخسته که در دامان طبیعت آسایشگاهی یافته بودند مصمم شدند باز وطن نو یافته خود تا آخرین لحظه دفاع کنند وبا فروتنی وبندگی، بزرگی وافتخار طبیعت را بستایند

ساکنان اولیه سرزمین هفت رودخانه که تندرست ونیرومند بودند فکری نیرومند و تخیلی قوی نیز داشتند شادی و سرور ناگهانی که از رسیدن باین محیط پر برکت برایشان حاصل شده بود سبب شد که بکرنش وتعظیم درمقابل این پدیده باعظمت طبیعت دست زنند وبرای وجوه مختلف آن ازقبیل ماه ،خورشید، باد، ستارگان وغیره ربانیت قائل شوند وهریک را رب‌النوعی سازند و بپرستش آن بپردازند باین ترتیب رب‌النوع‌های جدیدی برآنچه که در میتولوژی اولیه وجود داشت افزوده شد

برخورد آریاها باساکنان اولیهٔ سواحل هفت رودخانه - این طوایف آریائی بزودی دریافتند که مقاومت ایشان هنوز پایان نرسیده است چه دیری نگذشت که ساکنان اصلی این نواحی بطور ناگهانی از پشت علفزارهای سرسبز و جنگلهای انبوه آنها را مورد حمله قرار دادند این ساکنان اصلی سیاه پوست و دارای قدی کوتاه و دماغی پهن و بسته معمولها بودند تمدن این قبایل بقدری وسیع بود که مایه تعجب نژاد سیاسان و باستان شناسان معاصر گردیده است آنها بهیچوجه از آریاها عقب نبودند چه علاوه بر شناسائی کامل محل خود در شهرها و قلاعی که از داخل و خارج محفوظ بود زندگی میکردند بر آریاها تفوق داشتند ایشان که از هجوم آریاها رنجیده خاطر شده بودند موجبات ناراحتی آنها را فراهم کردند

بهرحال چون عده آریاها زیادتر بود و علاوه بر داشتن بدن قوی و تجربه جنگی زیاد مجبور بودند از مسکن خود سر دفاع کنند اقوام بومی این سرزمین را بنواحی ساحلی جنوب عقب راندند ، اقوام بومی در وداها بنام داسا Dasa یا داسیو Dasyu بمعنی پست و زیردست نام برده شده‌اند امروز اکثر این قبایل بوسیله دراویدی‌های Dravidian جنوب هند که بزبان تامیل در مدرس ، جنوبی‌ترین نواحی ، زندگی میکنند مشخص میشوند درادبیات و دانی این قبایل سیاه‌پوست از رنگ پست و بعنوان زده آریاها و نژاد عالی نام برده شده‌اند بعلت شواهد زیاد عمده بر این است که این ساکنین اصلی پایه گذاران تمدنی بسیار وسیع هستند که آثار آن در خرابه های موهنجودارو Mohanjo Daro در پاکستان غربی محفوظ مانده است درحقیقت این آثار درسراسر هاراپا Harappa دره سند Indus Valley تا حدود جلگه‌های گنگ پراکنده‌اند هنر معماری - مجسمه‌سازی و سفالکاری این قبایل و نمونه‌های خانه‌ها و قصرهاشان سیستم علمی زه کشی و حمامهای مجلل ، ذوق دکوراسیون و تزیینشان همه عالی و خیره کننده است بدون شک آریاها مجبور بودند که زمین و قدرت را بزور و با دادن قربانی زیاد بدست آورند و شواهد متعددی وجود دارد که ثابت میکند که زمین و جنوب و شمال جنگهای خونینی مسخر شده است

پروردگاران آریاها ـ بسیار ابلهانه است اگر تصور کنیم که آریاها پس از رسیدن به سرزمین هفت رودخانه سرگرم ابداع رب‌النوع ها وساختن میتولوژی خود شدند چه آریاها مدتها قبل از مهاجرت بایران وعبور از سلسله جبال هندوکش دارای تمدنی بودند که برمیتولوژی بسیار پرمایه پایه گذاری شده بود همه‌آنان زئوس Zeaus (سانسکریت آن دیاوس Dyaus) رب‌النوع درخشنده آسمان راکه از اولین رب‌النوع های میتولوژی هند و اروپائی است میپرستیدند طلوع آفتاب Dawn که اغلب بعنوان دختر زیبای زئوس Zeaus ستوده شده است نیز یکی ازالهه‌های هند و اروپائی است علاوه براینها ایندرا Indra رب‌النوع جنگ وگاهی رب‌النوع باران و آب ، ورونا Varuna نگهبان قانون ونظم، میترا Mitra رب‌النوع روشنی وتندرستی و رونق برزگ ورونا Varuna و چندین رب‌النوع دیگر قبلاً بوجود آمده و میتولوژی اولیه آریاها را تحت تأثیر خود قرار داده بودند

وجود این رب‌النوع‌ها و چند رب‌النوع دیگر را میتوان در تمام آریاهائیکه همزمان با مهاجرت دسته مورد بحث بساحل هفت رودخانه بطرف شمال یا سمت های دیگر مهاجرت کردند بخوبی مشاهده کرد سکه‌های منحنی که اخیراً در بغازکوی (Boghaz Qui) درآسیای صغیر کشف شده وحاکی از پیمان میان که جنگ بین دو قبیله هیتیت Hittite ومیتانی Mitani میباشد ، وجود رب‌النوع های هندی را درآن نواحی درسال ۱۵ قبل از میلاد مسیح ثابت میکند

عقیده براینست که هنگامی که‌آریاها بطرف مشرق و بعقیده پروفسورماکس‌مولر (Max Muller) بطرف جنوب مهاجرت کردند این‌رب‌النوع‌ها را از خود باقی گذاردند وساکنان آن نواحی پس ازعزیمت آریاها بپرستش این رب‌النوع‌ها ادامه دادند بدیهی‌است پس‌ازاینکه درسواحل‌هفت‌رودخانه مسکن گزیدند‌تاپیروی بسیری‌پرستش خدایان اولیه خود پرداختند و برای آنان مقامی برتر از رب‌النوع‌ها و ربه‌النوعهای

هماىىد آىار واىىىه ىىىار قدىمى هىد واروپايى كه ىحاى ماىده است اىں وداهاىىر آمال وآرزوها وفعالىت‌هاى ىىىر اوليه را به ىهىرىں صورت ىىت ىموده‌اىد مطلب‌حالب ايىىىت كه وداهاى‌دىگر وحود رىگ‌ودا را ىىى ارحود لازم وفرص‌ىموده‌اىد ولى‌رىگ‌ودا هىح اىر ادىى را لازم ىداىىىه است

رىگ ودا ىصوىر ىىىت ارگىىى وىطام آں ىصورىى كه ىاىصوىر رماىهاى ىعد كاملاً احىلاف دارد همىں احىلاف ىارىكى حاص ىآں ىحىىىده كه ىاوحود ىعىىر رماں كهىه‌ىىده است اىں كىاب كه قدىمى‌ىرىں ىىىد مدوں آرياهاست داراى قىمىهاى ىىحىده و مىهم ىىرمىاىىد ولى‌معهدا محموعه ىى‌ىطىر وىكىاىى است ارسرودهاىى كه درآں ىفكرات ىىىر اوليه ىصورت درحىاىى مىعكس گردىده است

هرگاه ىىرىىب ىارىح ىصىىف ، وداها را مورد مطالعه قراردهىم ىىں ارزىگ‌ودا ىه آىاروا Atharva ودا مىرىىىم اگرحه مدىها ىعللى كه ىعداً ىىرح داده حـواهد ىىد مـورد احىرام ىىود ولى ىاىىىى گفت كه ىعصى ار سرودهاى آں ىقدمت و كـهىگى رىگ وداىىت و موصوعاب آں ىىر همرماں ىا رىگ‌ودا ىىطر مىرىىد اىں كىاب ىعلت موصوعاىى مدىى مدىدى ىىاحىه ىىىده ىود آىاروا Atharva ودا علاوه ىر سحر مقدس ىىامل سحر حادو ىىر مىىاىىد و علا مى وحود دارد كه ىىاں مىدهد ىعصى ار قىمىهاى آں ىحب ىاىىرىىاكىاں ىومى اىں ىواحى ىوحود آمده وىهمىں حهت ىىمىراں آرياىى را علىه اىں كىاب ىرانگىحىه‌است آىاروا Atharva ودا ىىامل اطلاعاب مفىدى است درىاره‌ىىىرفت آرياها ىطرف مىىرق ىا حدود ىىگال وىرىىى آىاں ار ىىرهاى ىىگاله علاوه ىر سرودهاىى راحع ىه علم ىرىىكى دعـاى حىر ، واحىىام اىں ودا مىصمں سرودهاىى راحع ىه سحر و حادوگرى و ارواح حـىىه ىىر مىىاىىد كه حالى عىرعادى و ىرىىاك ىآں ىحىىىده است

يحور ودا وسام ودا مطالىىاں‌را مدىوں ىه رىگ ودا هىىىىد در ىحور ودا سرودهايى راحع ىه قرىاىى‌ومراسم عىادت‌حمع‌آورى ىىده درحالىكه سام‌ودا فقط سرودهايى‌مرىوط ىه مىىروب حاوداىى‌حداوىداں يعىى سوم Soma (دراوستا هما Haoma) را ىىامل است اىں مىىروب ىىروىحىىى مورد ىحىىں رب‌الىوعها ىىرىوده است علاوه ىرمراسم عىادت

پس از اینکه آریاها بر داساها پیروز شدند قسمتهای برجسته تمدن آنها را اخذ نموده با حدودی تحت تاثیر تمدن آنها قرار گرفتند

پیروزی برداساها آریاها را جسور کرد بطوریکه شروع بکشور گشائی و توسعه سرحدات خود نمودند فرهنگ و تمدن آنان که متکی بر مسولوژی بود جنبش جدیدی را آغاز نهاد که بطوری بارز بصورت شرح وقایع درمنتراهای (Mantra) ودا ضبط شده است وداها علاوه براینکه مدخل تمام علوم هستند یادداشتهای روزانه ملتی بزرگ بشمار میروند که در آن طبقه اشراف از ابراز هیچگونه کینه‌ای نسبت به بردگان فروگذار نکرده‌اند همزمان با شست آریاها در سرزمین هفت رودخانه این قوم اقدام به جمع‌آوری منتراها و سرودهائیکه با آنزمان بصورت آثار پراکنده‌یی بود نموده از آنها مجموعه‌یی فراهم‌آوردند تاریخ تصنیف منتراها بسیار قدیم است ولی جمع‌آوری آن هنگامی شروع شد که دیدند علوم درك شده آنان رو بنابودی است وخطر فراموشی این گنجینه را مورد تهدید قرار داده است

تقسیم و ترتیب منتراها برطبق اصول علمی انجام گرفته و تمام کتاب چهار سام هیتا Samhita یا مجموعه بشرح زیر تقسیم شده است

۱ ـ ریگ ودا Rig – Veda

۲ ـ یجور ودا Yajur - Veda

۳ ـ سام ودا Sama – Veda

۴ ـ آتاروا ودا Atharva - Veda

ادبیات ودائی

ریگ ودا قدیمی‌ترین قسمت از چهار ودا است و برادعاهای خدایان و توصیفات برمی‌شمارد این ودا شامل ده کتاب و۱۰۲۸ سرود است کتابهای دوم تا نهم آن، کتاب‌های خانوادگی بوده و بسیار قدیمی‌تر از کتابهای اول وآخر هستند دراین کتب آثار وعلائم بالنسبه قدیمی‌تر بیشتر وجود دارد

براهماناها Brahmanas

علاوه از ازدیاد عناصر مخالف ، تعبیر و تفسیر بعضی از منتراها هم مشکل شد زیرا هردو مکتب - شروان و برهمنانی مخصوص بخود داشت که باهم اختلافات زیادی داشتند بنابراین برهمنان شروع بنوشتن تفسیرهایی بر وداها نمودند که نه تنها مفصل هستند بلکه شامل لب مطالب هر ودا نیز میباشند این تفسیرها براهمنا نام دارند و شامل تحقیقات ونظریات فلسفی - زبانشناسی - علم اشتقاق لغات - تاریخ - افسانه - مراسم عبادت و خبرهای دیگر درخصوص وداها میباشند

اوپانیشادها Upanishads

در خلال این دوران هرج ومرج بعضی از افراد طبقه ممتاز سر دست از قربانی وانجام مراسم مذهبی کشیده تنها ودور ازمردم درجنگلها به تفکر و تامل پرداختند اینان نسبت به مکتب آزادی فکر وحقیقت خوبی بودند که نمیخواستند خودرا در قید وبند اشکال وشعارهای حدیثی بوابر نگاه‌دارند اینان با اشتیاق تمام میخواستند بدانند بشر از کجا آمد و بکجا میرود منظور از پیدایش او چه بوده ، پس ازمرگ سرنوشتش چه خواهد بود ، چه کسی برجهان حکومت میکند چه چیز است که زندگی میبخشد و دوباره پس میگیرد این مردم صادق و صمیم که قلباً ناراحت بودند سرگرم مباحث و مطالب فلسفی شدند که امروزه ما آنرا اوپانیشاد مینامیم اوپانیشادها گوهرهای دانش بشری میباشند وسهم بسیار مهمی در تکامل تدریجی فکر بشر دارند اینها گنجینه های تفکرات عالی قدیم‌اند که با نوشتن‌های عارفانه آراسته شده‌اند طبقه‌عالی هنگامی که‌در کنار از محیط کاهنان بودند بصورت هدیه‌دادن بحثها کمک‌های بسیار ذیقیمتی کردند پادشاهان ، جنگجویان ، دانشمندان و حتی زنان نیز دراین بحثها شرکت میکردند تعداد اوپانیشادها زیاد است ولی ۱۲ عدد بسیار قدیمی هستند و سرده‌تای آن متعلق به کمی بعدتر درطی زمان تعداد اوپانیشادها زیادشد وبه ۱۰۸ عدد رسید وآخرین آنها در قرن ۱۹ نوشته شد که عنوان آن الله اوپانیشاد میباشد

دستوراتی درخصوص طرز فشردن ودرست کردن سوم Soma نیز در این ودا آورده شده است

سنجش ودا با کتب مذهبی موجود دیگر از قبیل قرآن - انجیل - گرانتا صاحب Grantha Saheb صحیح نیست زیرا مؤلف کلیه کتب مذهبی نامبردهٔ فوق فقط یکنفر بوده وتمام کتاب نیز در زمان حیات این مؤلف یا شخصا بوسیلهٔ خوداو و یا از روی تعلیماتش تالیف گردیده است (اوستا بوسیله یك شخص معین تالیف نشده است بلکه مانند ودا در تالیف آن چندین نفر شرکت مساعی کرده‌اند) درحالیکه ودا نه تنها وسیله یکنفر تصنیف نشده است بلکه تالیف آن نیز در یك دوره مشخص بپایان نرسیده بنابراین تاریخ تالیف منتراها وزمان جمع آوری بعدی آنها بصورت سامهیتا فاصله زیادی بوده است علاوه براین درادبیات جهان نظیر این مجموعه پرحجم که در آن کوششهای چندین هزارساله نیز که نسل به نسل بوسیله سنن شفاهی منتقل شده بوده است و با نهایت دقت ممکن جمع آوری شده یافت نمیشود

بطور تقریب میتوان گفت که جمع آوری ودا بایستی در ۳۰۰۰ سال قبل ازمیلاد تمام‌شده باشد شواهد زیادی درودا یافت میشود که بروجود شك نسبت به موجودیت رب النوعها و تفوق آنان نسبت به بشر دلالت دارد

ازشواهدی که درود‌اها یافت‌میشود چنین برمیآید که نسبت به‌موجودیت رب‌النوعها و برتری آنان نسبت به بشرشك و تردید هایی نیز بوجودآمده است این شك و تردیدها بعضی اوقات طبقه برهمنان را بسیارعصبانی میکرد چه ایشان برای همفکر و متحدنگاه داشتن مردم،بیچاره‌ودرمانده‌میشدند بخاطر استحکام‌واطمینان، بعضی‌از کاهنان‌بجستجوی دل خود پرداختند تا حقیقت را درك کنند علاوه بر این عده‌یی یاغی نسبت بوجود رب‌النوعها اندیشه‌های‌خودرا بصورت نجوی‌بادوستان‌خوددرمیان گذاردند‌و پاسخ آنانرا سؤالات بسیاری که در قلبشان پیدا شده بود خواستار شدند

درجه دوم پیدا نمودند تا وقتی علی‌رغم این رشد و ترقی جدید وداها یعنی سر چشمه ابدی دانش همیشه منبع موثق شمار میرفتند

اشعار حماسی (Ramayana and Mahabhaıata)

یکی از آثار برجسته‌ای که در این دوران بوجود آمد اشعار حماسی است که بدو دسته مشخص ومجزا تقسیم میشوند Itıhasa Legend یا پورانا (Purana) نامیده میشوند دسته دوم که بیشتر روی اشکال رمزی و مصنوعی شعر تکیه کرده و بنام اشعار کاویا (Kavya Poetıy) مشهورند نماینده اصلی هردسته مهابهاراتا وراماتانا هستند که اشعاری بسیار با ارزش‌اند و مجموعت زیادی بر کسب کرده‌اند مهابهاراتا بعلت رشدو ترقی شگفت‌انگیز وبارگی عبارات وعلل متعدد دیگر بعنوان یک اثر بزرگ ادبی همانند ودایرةالمعارف شعر کلاسیک شناخته شده است

داستان اصلی بعلت مطالب آموزنده وتعالیم اخلاقی خود آنقدر پیچیده و مبهم است که خواننده درروایات وحکایات بزرگ آن گم میشود مصنف مهابهاراتا « ویاس Vyasa » حکیم ودانشمند معروف است که علاوه برمهابهاراتا ۱۸ پوراناى دیگر نیز تصنیف کرده است که مورد ستایش عموم اهل ادب است نام و یاس در ادبیات اوستائی نیز بعنوان یك حکیم مشهور ذکر گردیده است مهابهاراتای فعلی دارای صد هزار اسلوکا (Shloka) کـه تقریبا هشت برابر ایلیاد و اودیسی Oddyssey ، Ilıad بر رویهم میباشد این کتاب به ۱۸ فصل تقسیم شده ویك فصل نوزدهم نیز بعنوان مکمل بآن اضافه گردیده است این حماسه دارای عبارات نوزیگانه میباشد وشواهدی دردست است که ثابت میکند لااقل دوبار این حماسه تغییرشکل یافته است بر پایه شواهدی که در داخل حماسه موجود است عده‌ای عقیده‌دارند که حماسه اصلی شامل ۱۸۰۰۰اسلوکا بوده سپس تعداد اسلوکاها به ۲۴۰۰۰ودر آخر تا ۰۰ ۱ افزوده شده است

داستان‌اصلی‌درباره کشمکش وزدوخورد دوقبیله همسایه بنام پنچال‌ها وکوروها Panchalas ،Kurus است که‌ازیك‌نژاد و پسرعموی‌یکدیگربودند کوروها درمنطقه‌ای

اوپانیسادها فکر وذوق هندوهارا بمیزان قابل ملاحظه‌ای تحت تاثیر قرارداده‌اند درحقیقت چندین رساله فلسفی درزمانهای بعد براساس مطالعه اوپانیسادها تالیف گردیده است درحالیکه فلاسفه مغرب زمین از قبیل کانت وسوپنهاور احترام بسیار زیادی برای اوپانیشاد قایل هستند یکی از اولین تحسین کنندگان اوپانیساد سرامیرابورساه جهان بود که دانشمند برجسته وایرانی و زبان سانسکریت را نیز آموخته بود ترجمه بعضی ازقسمتهای اوپانیساد که توسط داراشکه Dara - Shikoh انجام گرفته است و نام اوپانکهت Oupanekhat معروفست بفارسی نیز برگردانیده شده است

سوتراها • Sutras

زمان ودائی تقریبا با اوپانیسادها پایان میرسد و بعداً بشکل سوتراها ادامه پیدا میکند

سوتراها آخرین دایره ادبیات ودائی است بعلت ادبیات ترجم وبودن وسایل کافی برای نگاهداری این آثار بصورت خطی یا جائی صلاح در این دیدند که قسمت اعظم این آثار را بصورت کلمات قصار (Aphorisms) درآورند وبوسیله حافظه باقی نگاهدارند ، سوترا بمعنی رشته یاکلمات قصار است که در آن یك اثر مفصل بصورت مختصر میشود باین روش ساده علما توانستند مقدار زیادی از ادبیات موجود را در حافظه خود نگاهدارند و از نابودی آن جلوگیری کنند

ادبیات بعدار ودا

آثار ادبی دوره بعد از ودا از نظر مضمون و شکل وسایر مشخصات ادبی با ودا متفاوتند اگرچه تمام آثار سنسکریت باهم پیوستگی دارند ولی ادبیات ودائی اصولا دارای مضامین فلسفی ومذهبی میباشد در حالیکه آثار کلاسیك بیشتر جنبه دنیوی و رمانتیك دارند

بعلت معاشرت با ساکنان اولیه و دگرگون شدن مفاهیم مذهبی وسایر تغییرات کلی، رب‌النوعهای جدید اهمیت بیشتری کسب کردند واکثررب‌النوعهای ودائی موقعیت

پادشاه آیودهیا (Ayodhyá) دور میرند این پادشاه ظاهراً با دختر جوانی از اهالی سرحدات ایران و افغان ازدواج کرده بود، زن جوان پادشاه میخواست برخلاف سنن مسلم که طبق آن جانشین سلطان پسر ارشد ملکه بزرگ میباشد رضایت نموده پسر خود را ولیعهد سازد با دسیسه و توطئه این زن موفق شد که پسر خود را جانشین پادشاه سازد این عمل سبب مرگ سلطان گردید و در نتیجه این زن توانست راما پسر بزرگ پادشاه را بهمراه زن و یکی از برادرانش بجنگل تبعید کند

سیتا (Sita) زوجه راما که بسیار زیبا بود بوسیله سلطان شیطان صفت سیلان ربوده میشود پس از زدوخوردهای زیاد بمساعدت خدا میکند و راما بشهر آیودهیا (Ayodhya) برمیگردد و بتخت سلطنت جلوس میکند در سراسر داستان از راما بعنوان یک نیمه رب‌النوع یادشده و اعمال قهرمانانه او درخصوص کمک به مذهب و پیروان دین مورد ستایش قرار گرفته است در این کتاب راما بعنوان رب‌النوع مجسم فرض شده که با کشتن جن شیطان نظم را مجدداً روی زمین برقرار کرد

داستان رامایانا قرنهای متمادی قلوب هندیان را مجذوب کرده بود و در شمال هند جندین ترجمه آن از برخوانده میشد راما بعنوان یک سلطان ایده‌آل توصیف شده و کتاب براست از زندگانی خانوادگی ایده‌آلی و ارتباط باشکوه بین شوهر - زن - پدر و پسران و برادران و اطاعت از بزرگان این کتاب دارای مجموعه‌ئی همگانی و پسندیده‌ئی خاص است

عقیده براین است که این کتاب بطور تقریب در ۸۰۰ سال قبل از میلاد نوشته شده است بدنبال این دو اثر حماسی دودسته ادبیات مجزا بوجود آمد بلافاصله پس از مهابهاراتا، پوراناها، که مجموعه‌هائی بعلمائی و آموزنده با روح فرقه‌ایست تصنیف گردید، این مجموعه‌ها بطور کلی راجع به میتولوژی - کارهای برجسته و خارق‌العاده رب‌النوعها مبارزه بین رب‌النوعها و شیاطین و شجره‌نامه سلاطین شمسی و قمری بحث میکند

اینها شامل اصولی از تاریخ قدیم هستند که بعلت مبالغه در خوبی انتخاب لغات

و دانی بعنوان یك قبیله مستقل نامبرده شده است و بنابراین مـایه ومنشاء اصلی تاریخی آنرا میتوان در ۰ ۰ ۲ قبل ازمیلاد جست کوروها صدمه ‌ر بودند درحالیکه (Panchalas) فقط پنج برادر ولی بطور قطع جوانمرد وباایمان تر بودند وازقانون سراطاعت‌میکردند این قبیله موفق‌شدند که دشمنان ومخالفین خودومتحدین آنانرا هزارهزار بقتل‌برسانند و سپس کناره گیری کردند وبجنگلها رفتند تا بـا تحمل عذاب جسمانی تـوبه کنند و گناهشان‌بخشیده شود ودر کوههای پربرف همالایا درگذشتند

درحدود چهار پنجم‌مهابهارا تا اختصاص دارد به داستانها وحوادث قدیمی‌متعددی که پایه واساس اشعار و درامهای شعرای بعدقرار گـرفته‌اند داستان مشهور شکنتلا (Shakuntala) که بوسیله کالیداس (Kalıdasa) بصورت درامی جاودانی درآمـد از این کتاب گرفته شده است وبالا دامایانتی (Nala - Damayantı) که محبوبیت زیادی در مشرق‌زمین کسب کرده از این کتاب بدست آمده است علاوه براین داستانها ابرمنظوم Bhagvadgıta که بصورت یك قطعه ادبی عالی وفلسفی بدست مارسیده است سرقسمتی از مهابهارا تا است بطور تقریب میتوان گفت که این حماسه بزرگ در حدود ۵۰۰ قبل ازمیلاد بصورت فعلی تمام شده است درصورتیکه تاریخ شروع آن باستی ۱۰۰ قبل‌از میلاد ویا حتی کمی قدیم‌تر باشد

Ramayana رامایانا

رامایانا دارای اهمیت و ارزش‌معادل مهابهارا تا است و اولین شعر آراسته‌بصنایع بدیعی است کـه بوسیله والمیکی Valmıki تصنیف گـردیده است این‌مجموعه‌شامل ۲۴۰۰۰ اسلوکا میباشد که به هفت کتاب تقسیم گردیده است پنج کتاب وسط صحیح‌تر وموثق‌تر بوده واز نظر زبان ـ سبك ومضمون بیشتر یکدست ویکنواخت میباشد

رامایانا برابر اشکال تکامل‌یافته زبان وتر کیبات ادبی‌وشعری بیان سبکی‌آراسته است وضع این کتاب نشان میدهد که بوسیله یکنفر نوشته شده و از جـزائی تحریف بر کنارمانده‌است داستان‌اصلی‌روی عملیات قهرمانانه‌راما ، پسردشرت (Dasharatha)

که مسواندرىان را برطبق رمان وحال‌ىمالب مريرد علاوه براين دوشعر ، سعرديگرى ىام مگه‌دوىا (Meghaduta) سامىرابر، ىهىرىں وطرىمىرىں امىله رىسابى وبرمى است

اگرحه اسعارکاوىا (Kavya) ىس‌ار کالىداس ىىر ىصىىف گردىد ولى اىں اسعار روربرور حىىه ساحىگى وىکلف ىىدا کرد وىهرحال‌آ ار برحسىه ىا ۱۰۰۰ ىىل‌ارمىلاد مسىح ىوحود آمدکه ار مىان‌آىها شعرا ىهاروى (Bharavı) ماگها (Magha) هارسا (Harsha) براى اسعارساں که برروى داسىانهاى مهاىهارا ىا ساحىه سده مسهورىد

شعر برمى آثار کالىداس

گرحه ىسمت رىادى اراسعاربرمى‌سىسکرىت دررىماىسىامه ها دکر کردىده‌است، حىد ىطعه ىىرمى مسىىقل‌براىل دکراست ارا ىں قىىل« مگهادوىا » (Megha - duta ىعىى « ىىك ابر») و « رىسوسامهارا » (Rıtu - Samhaıa ـ ىعىى « گردس فصول »)

مگهادوىا ابر برمى لطىفى‌است که ار ىحىلاب ساعرىاسى‌سده وداسىاں ىوحواىى ىام‌ياكسا (Yaksha) است که برابر لعىسى ار ىوعروس حـود دور ىىمىىد ودر آعوش کـوه‌هاى هىمالايا ىىروى ىىسود ساعر دربىاں اىں داسىاں ىامهارت ىام رىىابى‌هاى طىىعت راىار مىگوىىد وعظمب حهاىى مىىاىد

« گردش فصول » داسىاں فصول سس‌گانه هىد است که يکى ىس ار ديـگرى سىاساى حهاں مىآىىد دراىں ابرعسق وعواطف رىىق دىگروطىىعت دوىسى ىحداسىاع حلوه‌گر است

۲ ـ آثار بيلهانا

حوراىىحاسىکا (Chaura – panchashıka) ابرىىل‌هاىا (Bılhana) ساعر کسمىرى ىرں يازدهم ىىسار رىىىا است گوىىد ىىل‌هاىا ىا ساهراده حاىمى ىهاىى بردعسق مىىاحت وحوں سراىحام‌ماحرا برملاسدىه مرگ محکوىىس کردىد روزى که وى‌را براى‌اعدام مىىردىد اىں اسعار را ساحت وحواىد ساه را اشعار اوحىاں حوش‌آمدکه عىوس کرد و معشوق را ىدو داد

بصورت غیرموزون درآمده‌اند علاوه براین بطور شگفت‌انگیزی تمام کتاب این مجموعه‌ها تحت تاثیر جنبه مذهبی بوجود آمده‌اند اسمریتی‌ها (Smritis) کتاب قوانین نیز با این مجموعه‌ها ارتباط داشت و شامل ۱۸ کتاب‌اند که مهمترین آنها مانواسمریتی (Manusmriti) یعنی قوانینی که بوسیله مانو (Manu) وضع‌شده است میباشد این نام با منوچهر که در میتولوژی اولیه ایران ذکرشده شباهت بسیار زیاد دارد

چندین شعر نیز به پیروی از رامایانا سروده شده است که مضمون اکثر آنها از داستانهای مهابهاراتا و رامایانا گرفته‌شده است این دوره را بایستی دوران شعر دربار نامید چه در این زمان هرشاعری تحت حمایت یك سلطان قرار میگرفت واشعار خود را باو تقدیم میکرد درحدود اوایل عصر مسیح و دو قرن قبل از آن وضع سیاسی هند متزلزل شد پس‌ازقرن سوم با تسلط گوپتا (Gupta) قدرتمند هندو ادبیات را تشویق کرد

این دوره بعلت پیشرفتهای همه‌جانبه وترقی عمومی آن به عصرطلایی‌تاریخ هند مشهوراست درهمین دوره بود که کالیداس شاعر بوجودآمد وبامهارت درشاعری‌وقدرت تخیل وبیان قوی‌خود شهرتی بسزا کسب کرد اگرچه بعضی علمای هند عقیده دارند که این ملك الشعرا قبل از دوران مسیح میزیسته ولی بیشتر دانشمندان معتقدند که کالیداس متعلق به دورهٔ گوپتا (Gupta) میباشد و از شعرای دربار ویکرامادیتیا (Vikramaditya) بوده است

کالیداس‌شاعریست برجسته و کم‌نظیر که غالباً باشکسپیرانگلیسی‌مقایسه میشود او نبوغی فراوان داشت و در توصیف احساسات بشری وتشبیهات قوی واز همه مهمتر برگزیدن بهترین تعبیرات زیبا، ونظیری ندارد

دوشعراو، راگهوواسما(RaghuVamsha) نژادراگهو(Raghus) کومارسام‌بهاو (Kumâra Sambhava) تولد کومار از نظر تازگی واصالت و رسایی تخیل و مهارت فوق‌العاده شعری مشخص ومعروفند اوستادانه است ودارای این‌موهبت نیزمیباشد

مبنای نمایشنامه‌های هندی است. هیچ مدرکی در دست نیست که بتوان با اتکای آنها گفت که یونانیان در هند به نمایش پرداختند.

محتملا نمایش‌های سنسکریت نیز مانند نمایشهای یونانی در آغاز جنبه دینی داشت. مدارکی در دست هست مبنی بر اینکه در اجرای پاره‌ای مراسم اساطیری برای اثبات برتری خدایان بر شیاطین و تسلط ویشنو (Vishnu) بر اهریمنان صحنه‌های نمایش نیز برپا میشده است.

۲ ـ زبان نمایشنامه‌ها

چون نمایشنامه‌ها مرکب از شعر و نثر و تصویر یکنواخت و خسته کننده بود قطعاتی نیز به گویش های محلی (پراکریت) با آنها افزوده میشد. شخصیت های معتبر نمایشنامه بزبان سنسکریت و آدم های معمولی و زنان به گویش‌های پراکریت سخن میگفتند.

۳ ـ موضوع

موضوع نمایشنامه‌ها اغلب مأخذ از حماسه های قدیمی بود. صور گوناگون عشق و گاه عواطف قهرمانی موضوع اصلی نمایشنامه را تشکیل میداد. تلخی و اندوه در نمایشنامه های هندی دیده نمیشد. شاعران کوشا بودند که آثار خود را با خوشی پایان رسانند و مردم را سرخوش سازند. بدیهی است که در نمایشنامه غم و شادی با هم آمیخته بود. ولی نمایشنامه باخوشی خاتمه مییافت و در آخر آن دعایی برای کامروایی و آسایش مردم خوانده میشد.

هر نمایشنامه شامل چند پرده (از یک تا ده) و هر پرده مشتمل بر چند صحنه میگردید.

۴ ـ نمایشنامه نویسان مشهور

یازده نمایشنامه از نمایشنامه‌های سنسکریت اهمیت بیشتری دارند. این نمایشنامه‌ها همه در فاصله قرن دوم پیش از مسیح و ۸۰۰ پس از مسیح بوجود آمده‌اند. مهمترین

۳ ـ آثار باهرتری‌هری

« ساباکاس» (Shatakas) یا « سده » نامسه ایراست‌ازامیرساعرپسه باهرتری‌هری این آثار حاکی از مراحل سه گانه‌یی است که ساعر سموده است اول (شرینگر - Shringar) گویای مرحله عسق وسور ندگی‌است دوم (نی تی - Niti) وساسده مرحله تعلیم وتملك نفس و سوم (ویراگیا - Vairagya) حاکی‌ازترك دنیا وسهوت وهوس است

ازمیان سایر آثارباهرتری‌هری «آماروساتاکا» (Amaru Shataka) که‌داستان عسق حسی است اررش بسیری دارد

باهرتری هری درسان عواطف رقیق اسناد مسلم است

۴ ـ آثارجیدوا

یکی دیگر از آثار مهم قرن دوازدهم « گیتا گوویندا » (Gita Govinda) منظومه معروف جیدوا (Jaideva) است دراین منظومه عسق کریسنا (Krishna) بیان سده است

گیتا گوویندا « نمونه آثار دورهٔ تحول نمایسنامه‌های تکاملی است یاس معنی که یاترا (Yatra) ها با مراسم وسرنغات ازباب‌انواع، بصورتی‌مردم‌پسند درمیآید اسعار جیدوا بسیار سیرین وسلیس است

نمایشنامه‌های سنسکریت

۱ ـ تئوری

آغاز زمانی نمایسنامه های سنسکریت معلوم نیست میتوان گفت که قرن سوم پس از مسیح نمایشنامه های سنسکریت بصورت تکامل‌یافته‌یی در آمده بودند برخلاف نظر برخی از محققان اروپایی نمیتوان نمایشنامه های سنسکریت را ناشی از منابع یونانی دانست نمایشنامه‌های سنسکریت واحد مشخصات اصیل هند میباشند وشاید پس از تسلط یونانیان بر باکتریا (Bactria) فقط ازلحاظ فنی‌تا اندازه‌یی زیر نفوذنمایشنامه های یونانی قرار گرفته باشند برخی محققان باور دارند که مکالمات منظوم ریگ‌ودا

مبنای نمایشنامه‌های هندی است. هیچ مدرکی در دست نیست که بتوان با اتکای آنها گفت که یونانیان در هند نمایش پرداختند.

محتملا نمایش‌های سنسکریت نیز مانند نمایشهای یونانی در آغاز جنبه دینی داشت. مدارکی در دست هست مبنی بر اینکه در اجرای پاره‌ای مراسم اساطیری برای اثبات برتری خدایان بر شیاطین و تسلط ویشنو (Vishnu) بر اهریمنان صحنه‌های نمایش نیز برپا میشده است.

۲ ـ زبان نمایشنامه‌ها

چون نمایشنامه‌ها مرکب از شعر و نثر و تصویر بی تکلف و جنبه کمدی بود قطعاتی نیز به گویش های محلی (پراکریت) به آنها افزوده میشد. شخصیت های معتبر نمایشنامه بزبان سنسکریت و آدم های معمولی و زنان بگویش‌های پراکریت سخن میگفتند.

۳ ـ موضوع

موضوع نمایشنامه‌ها اغلب مأخوذ از حماسه های قدیمی بود. صور گوناگون عشق و گاه عواطف قهرمانی موضوع اصلی نمایشنامه را تشکیل میداد. تلخی و اندوه در نمایشنامه های هندی دیده نمیشد. شاعران کوشا بودند که آثار خود را با خوشی پایان رسانند ومردم را سرخوش سازند. بدیهی است که در نمایشنامه غم وشادی با هم آمیخته بود ولی نمایشنامه باخوشی خاتمه مییافت ودر آخر آن دعائی برای کامروائی وآسایش مردم خوانده میشد.

هر نمایشنامه شامل چند پرده (از یك تا ده) و هر پرده مشتمل بر چند صحنه میگردید.

۴ ـ نمایشنامه نویسان مشهور

پانزده نمایشنامه از نمایشنامه‌های سنسکریت اهمیت بسزائی دارند. این نمایشنامه‌ها همه در فاصله قرن دوم پیش از مسیح و ۸۰۰ پس از مسیح بوجود آمده‌اند. مهمترین

۳ - آثار باهرتری‌هری

«ساتاکاس» (Shatakas) یا «سده» نام سه اثر است از امیر شاعر پیشه باهرتری‌هری، این آثار حاکی از مراحل سه‌گانه‌یی است که شاعر نموده است. اثر اولی (سرینگر - Shringar) گویای مرحله عشق وشور زندگی است. اثر دوم (نی تی - Niti) رساننده مرحله تعلیم و تملک نفس. و اثر سوم (ویراگیا - Vairagya) حاکی از ترک دنیا وشهوت وهوس است.

از میان سایر آثار باهرتری‌هری «آمارو ساتاکا» (Amaru Shataka) که داستان عشق حسی است ارزش بیشتری دارد.

باهرتری هری در بیان عواطف رقیق استاد مسلم است.

۴ - آثار جیدوا

یکی دیگر از آثار مهم قرن دوازدهم «گیتا گوویندا» (Gita Govinda) منظومه معروف جیدوا (Jaideva) است. در این منظومه عشق کریشنا (Krishna) بیان شده است.

گیتا گوویندا «نمونه آثار دوره تحول نمایشنامه‌های بنگالی است. بدین معنی که یاترا (Yatra) ها با مراسم وتشریفات ارباب انواع، بصورتی مردم‌پسند درمی‌آیند.

اشعار جیدوا بسیار شیرین وسلیس است.

نمایشنامه‌های سنسکریت

۱ - تئوری

آغاز زمانی نمایشنامه های سنسکریت معلوم نیست. میتوان گفت که قرن سوم پس از مسیح نمایشنامه های سنسکریت بصورت تکامل یافته‌یی درآمده بودند. برخلاف نظر برخی از محققان اروپایی نمیتوان نمایشنامه های سنسکریت را ناشی از منابع یونانی دانست. نمایشنامه‌های سنسکریت واجد مشخصات اصیل هند میباشند وشاید پس از تسلط یونانیان بر باکتریا (Bactria) فقط از لحاظ فنی تا اندازه‌یی زیر نفوذ نمایشنامه های یونانی قرار گرفته باشند. برخی محققان باور دارند که مکالمات منظوم ریگ‌ودا

افسانه ها

مهمترین خدمت هند به ادبیات جهانی در افسانه‌های عامیانه است. اخلاق و تعلیمات ومثلها وفلسفه اجتماعی بخوبی درافسانه‌ها منعکس است. معمولاً درباره حادثه معینی عده‌ای افسانه مختلف بوجود میآید وپراکنده میشود. افسانه‌های هند در ایران وعالم اسلامی پخش شد وبجاهای دیگر رسید.

۱ ـ پنچاتانترا

ازمیان افسانه‌های هند پنچاتانترا یا کتاب چهارفصل شهرت بسیار دارد. ظاهراً پاندیت ویشنوشارما (Vishnu Sharma) برای تربیت پنج پسر پادشاه به تألیف این افسانها دست زد. از تاریخ تألیف اطلاعی دردست نیست. اما میدانیم که درقرن ششم به پهلوی و سپس به فارسی ترجمه شد، همچنین درهمین زمان به زبان سریانی درآمد. از ترجمه فارسی اثری نمانده ولی ترجمه پهلوی باقی‌نیست. عنوان ترجمه سریانی «کلیلگ ودمنگ» میباشد که درعربی «کلیله ودمنه» شده است. ازمقایسه این ترجمه ها چنین برمیآید که متن اصلی (سنسکریت) در کتاب «تانترا خیایکا» (Tantrakhayika) سالم‌تر مانده است.

۲ ـ درادبیات بودایی جینی

بعضی برای این افسانه‌ها مبانی بودایی وجینی قائلند. شک نیست که بسیاری از قصه‌های پیروان آیین جین (Jain) و افسانه‌های مربوط به ولادت بودا از دیر زمان درهند شیوع داشته است ولی نمیتوانیم ارتباط این افسانه‌ها را با مآخذ بودایی و جینی معلوم کنیم.

درهرحال افسانه‌های کلیله و دمنه در اروپا بنام افسانه‌های «بیدپا» یا «پیلپا» مشهور شد ودر داستانهای لافونتن مؤثر افتاد.

۳ ـ هیتوپدشا

مجموعه دیگری از افسانه‌ها بنام هیتوپدشا (Hitopadesa) از کلیله ودمنه گرفته

نمایشنامه نویسان این دوره عبارتند از باسه (Bhasa) و کالیداس و شودراکا (Shudraka) و باوابوتی (Bhavabhuti) وسری هارشا (Sri Harsha) باسه از دیگران قدیمتر است و نمایشنامه های سیزده گانه او با اوایل قرن حاضر در دست شود این نمایشنامه‌ها بسیار ساده ، لطیف و مؤثر میباشند و موضوع اصلی اغلب آنها افسانه‌های مردم پسند حماسی است

۵ ـ شودراکا

مرتك چاکابیکام اثر شودراکا اثر ارزش فوق‌العاده دارد بنابرآن کلی کارت - (Clay - Cart) دارای ارزش زیاد و حاکی از داستان عشق یك جوان برهمن است و عوامل مابعد طبیعی در آن وجود ندارد در بعضی از صحنه‌های این نمایشنامه زبان پاراکریت گفتگو میشود

۶ ـ شاکونتالا اثر کالیداس

مسلما برجسته ترین نمایشنامه نویس هند کالیداس است وشاکونتالا (Shakuntala اثر معروف او همپایه عالی‌ترین آثار نمایشی جهان میباشد کالیداس سه نمایشنامه رومانتیك نوشت شاکونتا نام بانویی است که عشق او با پادشاه دوشیانتا (Dushyanta) موضوع نمایشنامه است اصل این نمایشنامه از مهابهارات (Mahabharata) است ولی کالیداس آنرا با لطف و فراغت کامل بیان کرده است این نمایشنامه بقدری در گوته نویسنده بزرگ آلمانی اثر گذاشت که شعری درباره آن سرود دکتر هادی‌حسن استاد دانشگاه علیگر خلاصه این نمایشنامه را به فارسی در آورده و آقای علی‌اصغر حکمت سفیر کبیر سابق ایران درهندسر آنرا بنظم فارسی درآورده‌اند

۷ ـ بهاوابوتی

بهاوابوتی (Bhavabhuti) بعد از کالیداس نمایشنامه نویس برجسته ایست و « اوتارارام چاریتا » (Uttara Ram Charita) که وی برای داستان رامایانا فراهم کرد بسیار زیبا است گرچه نویسندگان سیزدهم این موضوع باقرن سیزدهم ادامه یافت باز اثر بهاوابوتی هیچگاه از رونق نیفتاد

مشاهده میشود که شاید باندازه‌ای تعلیمات اخلاقی محسوس و روشن افسانه‌های بعدی را دربر ندارند

هرتل (Hertel) یکی از دانشمندان مشهور عقیده دارد این افسانه‌ها دست کم از دویست سال قبل از میلاد مسیح وجود داشته است بنفی (Benfey) یکی از دانشمندان بزرگ آلمان اظهار میدارد که اصل این افسانه‌ها بودائی بوده ، ولی در این مورد دلیل قاطعی اظهار ننموده است بعضی از دانشمندان اروپائی که سردسته آنها وبر (Weber) است ، طرفدار فرضیه نفوذ یونان در این افسانه‌ها بوده ولی تئوری آنان با دلیل قانع کننده‌ای همراه نیست و مدارکی برای اثبات آن در دست ندارند

یکی از مهمترین افسانه‌های عامیانهٔ هند در آغاز پنجا تنترا (Panchatantra) است که بعلت داشتن پنج فصل بدین نام خوانده شده است این کتاب بوسیله برزویه (Burzoi) در زمان سلطنت انوشیروان در حدود سال ۵۴۵ میلادی به زبان پهلوی ترجمه شد ولی متأسفانه ترجمه پهلوی و اصل سنسکریت آن از بین رفته است ترجمه پهلوی برزویه مابین سالهای ۵۷۰ و ۷۵۰ به زبانهای سریانی و عربی ترجمه شد و بسیار جای تعجب است که هم ترجمه پهلوی و هم ترجمه عربی کتاب مجموعه افسانه های پنجاتنترا بنام کلیله و دمنه خوانده شده است شاید این کتاب در هند در ابتداء بنام «کاراتاکا» و «دمناکا» نام دو شغالی که نقش مهمی در یکی از فصول کتاب بر عهده دارند خوانده میشده است بعضی از دانشمندان عقیده دارند این کتاب در ابتداء فقط دارای سه فصل بوده و بعدها که دو فصل دیگر بدان اضافه شد بنام پنجاتنترا یعنی پنج فصل خوانده شد

بهرحال حکایات پنجاتنترا مدت دوهزار سال است که در هند کاملا محبوب و متداول است این کتاب بعد از انجیل تنها کتابی است که تا این اندازه به زبانهای مختلف دنیا ترجمه شده علاوه بر این ترجمه‌های مختلف ، که عموما از ترجمه عربی کتاب اقتباس شده آثاری از این افسانه‌ها در کتابهائی مانند La Moral Filosofia , La Fontaine , Fables of Pilpai or Bedpai , Buch der Biespe

سده‌است این مجموعه که از اولین کتب فرائی خوانندگان زبان سنسکریت است، شامل چهار کتاب است مجموعه دیگر «وتال- پنجاویمسانی» (Vetala – Pancavimsati) نام دارد، شامل ۲۵ افسانه مجموعه دیگر، «سوکا - ساپتاتی» (Shuka - Saptati) شامل ۷۰ افسانه است

۴ - منابع دیگر

« کاتا - سریت - ساگار » (Katha – Sarit - Sagara) ، « بریهات - کاتا - منجاری » (Brihat - Katha - Manjari) درقرن یازدهم بوسیله کاشمیر (Kashmir) نظم شد و مرکب از شعر و نثر است

۵ - نثر نویسی

گرچه ادبیات مشهور سنسکریت نثری نیست، از برخی آثار مهم منثور مانند آثار «داندین» (Dandin) و بانا (Bana) و سوباندهو (Subandhu) ارزش فراوان دارند کادامباری (Kadambari) از بانا شاهکار بانا است

البته در این مختصر از آثار فلسفی وحقوقی و پزشکی سنسکریت نامی نمیتوان برده است

افسانه‌های هند و کلیله ودمنه

مبدا تاریخی افسانه(۱) های ادبیات سنسکریت تا اندازه‌ای تاریک بوده وروی این اصل مسائل مهمی در آن وجود دارد که حتی تا امروز هم لاینحل مانده است بسیار مشکل است که بتوان اظهار داشت که این افسانه‌هادرچه‌زمان شروع‌شده وچه کسی اصل وپایه آنها را بنیان نهاده است در ودا که یکی ازمنابع نخستین ومهم آریانهاست چند افسانه دیده میشود در اوپانیسادها (Upanisadas) و متون دیگرحکایات وداستانهایی

۱ - لغت افسانه در این مقاله ترجمه لغت انگلیسی fable است که عموما به پند و اندرزهائی که بصورت افسانه‌هائی از زبان حیوانات بیان میشود اطلاق میگردد بهترین نمونه این افسانه‌ها کلیله ودمنه است

راجع به ماخذ اولیه این افسانه‌ها نظرات مختلفی است ، ولی همه دانشمندان توافق دارند که بیشتر آنها از برهت کاتا - مجموعه‌ای از افسانه‌ها که فعلا بیشتر آن از بین رفته - اقتباس شده است چنانکه گفته‌شد برهت کاتا بزرگترین مجموعه افسانه‌ها بوده ودر آن‌هفتصد هزارسلوکاس (Shlokas) وجود داشته‌وفقط یك‌هفتم آن باقیمانده‌است مجموعه‌های‌دیگری ازافسانه‌ها‌بنام « وتال- پنجا ویمساتی» (Vetal - Pancavımsati) (بیست‌وپنج‌افسانه گوبلین) « سیمهاسانا - دوا - تریمسات - پوتالیکا» (سی‌ودو افسانه گفته شده بـوسیله تحت سلطنت به ویکراماساه) وجود دارد که هردو این مصنفات بودائی دارند مجموعه دیگر بنام «سوکا - ساپتاتی» (هفتادافسانه گفته شده بوسیله‌طوطی) که ارتباط بهزن وشوهری دارد ، موجود است و هرسه‌این بهتر بوسیله‌شده دومجموعه دیـگر افسانه‌ها درکشمیر هردو سبك شعر نوشته شده کـه یکی مجموعه‌ای بنام «برهت - کاتا - منجاری» (شکوفه حکایات) بوسیله کسمندرا سروده شده ودیگری‌بنام « کاتا - سارت‌ساگر» (اوقیانوس‌حکایات) وسیله سومادوا به‌نظم‌در آمده‌است درهردو این آثار برهت کاتا ماخذ افسانه‌ها ذکر گردیده ودرقرن دهم و دوازدهم میلادی‌بنظم شده‌اند اشعار اخلاقی این دوابر و کتب دیگر بصورت شعر « درام » کتب حقوقی و حماسه‌سرائی منتشر گردیده است



و کتب دیگر مشاهده میشود. تقریبا تمام زبانهای ادبی جهان شامل ترجمه افسانه ها و خوشمزگیها و فکاهیات آن میباشند. اگرچه اصل این کتاب متعلق به هندیها بوده ولی ایرانیان در انتشار آن سهم بسزایی داشته‌اند وچنانکه گفته شد اولین ترجمه آن به زبان پهلوی تهیه واساس ترجمه بعدی عربی این کتاب گردید.

بااینکه این افسانه‌ها بمنظور نصایح وتعالیم عملی اخلاقی برای شاهزادگان تهیه شده ولی نویسنده‌آن زحمات فراوانی برای جالب‌شدن آن متحمل شده است. مولف با ترتیب ماهرانه و هنرمندانه‌ای (مانند قصه سیندرلا Cindrella) این افسانه‌های جدا ازهم را که درعین حال مجموعا حکایت طولانی را ادامه میدهند، شرح داده وحکایات متعددی برای اثبات نظرات اخلاقی خویش بیان نموده است. عموما قهرمانان این افسانه‌ها حیوانات بوده وگیاهان نیز نقش های کوچکتری را برعهده دارند. این عادت استخدام حیوانات درافسانه‌ها یک سنت قدیمی است که در هندوستان وجود داشته وچند افسانه بدین‌گونه در ودا و او انیشادها و ماهابهاراتا وجود دارد که درآنها حیوانات از حکمت ودانش گفتگو مینمایند. همچنین در افسانه‌های مربوطه به ولادت بودا، حیوانات نقش مهمی را برعهده دارند.

این طرز افسانه‌های جدا ازهم که در ضمن مجموعا افسانه طولانی‌تری را ادامه میدهند درقرون وسطی بسیار متداول بود. حکایات شبهای عرب وهزارویک‌شب یکی‌از نمونه‌های آنست.

پنجاتنترا در نسخه‌های مختلف و متنوع وجود دارد و تنوع این نسخ بعلت محبوبیت این کتاب بوده که در هردوره افسانه‌های آنرا با وضع زمان تعدیل و نسبت به تمایلات واحتیاجات خویش تعبیراتی به‌متن کتاب داده‌اند. تحریرات (Recension) پهلوی چهار چاپ مهم دیگر بنامهای چاپ شمال‌غرب، چاپ کشمیر، چاپ نپالی وچاپ هیتوپادشا خوانده میشوند. آخرین چاپ بنا بر روش پنجاتنترا تهیه و در آن صریحا اقرار شده است که تا چه اندازه مرهون پنجاتنترا میباشند.

ب ـ مصوت مرکب

کامی	e	ای		ai	آی
لبی	o	او		ou	او

آح ah (بافشار تلفظ میشود)

آم am (غنه)

حروف بی صدا

گلوئی	Guttural	k	ک	kh	که	g	گ	gh	گه	n	
کامی	Palatal	c	چ	ch	چه	j	ج	jh	جه	n	
مغزی	Lingual	t	ت	th	ته	d	د	dh	ده	n	
دندانی	Dental	t	ت	th	ته	d	د	dh	ده	n	ن
لبی	Labial	p	پ	ph	په	b	ب	bh	به	m	م
نیم صدا	Semi - vowels	y	ی	r	ر	l	ل	v	و		
صفیری	Sibilants	ś	ش	ṣ	ش	s	س				
فشاری	Aspirate	h	ح								
غنه	Nasal	n		ñ		n		n		m	

۱ ـ اسامی و صفات Nouns and Adjectives

الف ـ در سنسکریت اسامی و صفات آنقدر بهم شبیه و نزدیک است که میتوان یکجا از آنها بحث کرد اسامی و صفات دارای سه جنس یعنی مذکر و مؤنث و خنثی میباشند

هیچ قانون مؤکدی درباره تشخیص و تعیین جنس در زبان سنسکریت وجود ندارد بلکه فقط از روی استعمال یک اسم با صفت میتوان بجنس آن پی برد مثال

آسوا « نریان » (اسب نر) ، مذکر

مالا (تاج گل) ، مؤنث

۳ - مختصری دربارهٔ دستور سنسکریت

فراگیرندگان زبان سنسکریت اغلب بعلت دستور آن هراسان میشوند درحالیکه دستور سنسکریت چندان پیچیده ومشکل نیست بلکه جامع و کامل است واگر کمی دقت شود ، مسلم خواهد گردید که مطلب پیچیده‌ای وجود ندارد که در مبتدیان ایجاد ترس نماید زیرا هر زبانی کیفیات مخصوصی دارد که با حوصله وتمرین قابل یادگرفتن است وهمینکه دانش‌آموز باساختمان واصول زبان آشنا شد میتواند بسهولت پیشرفت کند

مطالب مختصر ذیل اشکالات اولیه گرامر سنسکریت را بآسانی برطرف خواهد کرد

الفباء سنسکریت

زبان سنسکریت باخط **دوناگری** (زبان خدایان) **Devanāgarī** نوشته‌میشود نمونه حروف آنرا درقسمت جداگانه‌ای بعداً خواهیم‌آورد ودراینجا الفباء سنسکریت رابا خط لاتین و فارسی‌می‌آوریم خط دوناگری دارای ۴۸حرف است که شامل‌حروف صدادار و بی‌صدا است و این حروف برطبق قواعد علمی صدا شناسی (**Phonetic**) دسته‌بندی شده‌اند

حروف صدادار

الف ـ مصوت مفرد

آ	ā	ا	a	گلویی
ای	ī	ای	i	کامی
او	ū	ا	u	لبی
ری	ṝ	ری	ṛ	مغزی
		لری	ḷ	دندانی

	مفرد		تثنیه	جمع
Nom	s (m,f)	m (n)	au (m,f,n) ı (n)	as (m,f) ı (n)
Acc	am (m,f)	m (m,f,n)	au (m,f) ı (n)	as,s (m,f) n (m) ı (n)
Ins	a (m,f,n)	ına (m,n)	bhy ım (m,f,n)	bhıs (m,f,n) aıs (m,n)
Dat	e (m,f,n)	yı (m,n)	bhyım (m,f,n)	bhyas (m f,n)
Abl	ıs (m,f,n)	t (m,n)	bhy ım (m,f,n)	bhyas (m,f,n)
Gen	sa (m,f,n)	sya (m,n)	os (m,f,n)	ım (m,f,n)
Loc	ı (m,f,n)	sm , su	os (m,f,n)	su (m,f,n)

۲ ـ ضمایر واعداد Pronouns

الف ـ ضمایر واعداد نیز ازحیث جنس وعدد سه دسته تقسیم میشوند ضمایر حالت ندائی ندارند درحالیکه اعداد دارند

ب ـ ضمایر شخصی عبارتند از

	مفرد	تثنیه	جمع
اول‌شخص	sah	tau	te
دوم‌شخص	tvım	yuvam	yuyam
سوم‌شخص	aham	ıvım	vayam

همانطور که ملاحظه میشود این ضمایر فقط دراول شخص ازحیث مذکر و مونث تغییر میکنند ودرسایر اشخاص عینا یکی هستند

ج ـ ضمایر اشاری دارای سه‌جنس وسه‌عدد وهفت حالت هستند

د ـ استعمال ضمیر موصولی باد باحدی در زبان سنسکریت عجیب است این ضمیر دارای سه جنس است درسنسکریت ضمیر و اسمی که ضمیر بآن عطف میشود قبل‌از جمله موصول میآید مثلا yam balam hyah apasyam sah ıgatah

یعنی آن پسر را که دیروز دیدم او آمده است

۵ ـ ضمیر استفهامی کیم (kım) دارای سه جنس است برای دلالت یك‌معنی مبهم ،گاهی یکی از ساوندهای ذیل باین ضمیر اضافه میشود

حلام (آب) ، حنثی

ب ـ همه اسامی وصفات ازحیث عدد سه دسته تقسیم مىشوند مفرد و تثنیه و جمع اسعمال تثنیه درسنسکریت بسیارمتداول است ، برخلاف زبان یونانی که در آن تثنیه درحال فراموش شدن است

ح ـ کلمات سنسکریت دارای هشت حالت هستند فاعلی ـ مفعول به ـ مفعول فیه ـ مفعول‌عنه ـ مفعول مع ـ ملکی ـ ندا حالت فاعلی وندا فقط درمفرد تغیرمیکند وتصریف خنثی درفاعلی ومفعولی عینا یکی است

د ـ کلمات خنثی‌در تمام حالات تابع مذکرهستند مگردرحالت فاعلی‌ومفعولی ریشه اسامی و صفات و مشتقات فعل یا به حروف صدادار ختم مىشوند ویا به بیصدا حروف آخراصلی عبارتند از

۱ ـ ریشه‌هایی که به «ا» و «آ» ختم مىشوند ، دسته اول‌مذکر وخنثی و دومی اغلب موئث هستند **اسوا** ـ مذکر، **حل** ـ خنثی ، **مالا** ـ موئث

۲ ـ ریشه‌هایی که به **ای و او** ختم می‌شوند این ریشه‌ها در تمام جنس‌ها یافت مىشوند ، اگرچه بیشتر ریشه‌هاییکه به «او» ختم مىشوند مذکرند

مثال **کاوی** (شاعر) ، مذکر **عانی** (عمل) ، موئث **واری** (آب) ، خنثی **بهانو** (خورشید) ، مذکر **مادهو** (عسل) ، خنثی **دهنو** (گاو) ، موئث

۳ـ ریشه‌هاییکه به **ای و او** (کشیده) ختم‌مىشوند این ریشه‌ها اکثرشان‌موئث هستند مثال

نادی (رودخانه) **داسی** (کلفت) **وادهو** (عروس)

۴ ـ ریشه‌هایی که بحروف بی‌صدا ختم مىشوند متعدد هستند و شامل هرسه‌جنس مىباشند ولی **آم و اس** بیشتر خنثی هستند

۵ ـ ریشه‌هایی که به **ری و ری** (کشیده) ختم مىشوند اینها درهرسه جنس یافت مىشوند مثلا **پیتر** (پدر) ، مذکر **ماتری** (مادر) ، موئث **داتری** (بخشنده)، مذکر و خنثی

ه ـ تغییرات طبیعی برای حالات مختلف در سنسکریت بشرح زیر است که برطبق قواعد گرامر تغییر میکنند

است و ریشه‌های آنها حروف دیگری میگیرند که برطبق آن حروف Non - thematic
بر دسته‌بندی میشوند

Thematic \ bhu - bhavati , \ drs - pasyati

\ tud - tudati , \ cur - corayati

Non - thematic

\ as - asti , \ da - dadati , \ su - sunoti

\ kri - krinati \ rudh - rundhati \ kr - karoti

زمان و وجوه افعال Moods and Tenses

افعال دارای سه زمان هستند گذشته (ماضی) وحال و آینده

زمان حال دارای چهار وجه است وجه اخباری وجه امری - وجه التزامی -
وجه دعائی

Benedictive - Optative - Imperative - Indicative

زمان گذشته به ماضی مطلق و ماضی حال و ماضی ... و (Aorist) تقسیم
می شود

Aorist Imperfect and perfect

زمان آینده به دو شکل قریب و مستقبل ... و شرطی تقسیم میشود

Conditional , Indicative , Immediate

بهرحال برای مبتدیان از این چهار وجه زیر بسیار ضروری و آسان است

۱ - حال اخباری ۲ - امر ۳ - آینده ۴ - ماضی نقلی

Past - imperfect , Future - indicative , Imperative , Present - indicative

افعال مشتق - ... دارای خصوصیت دیگری است و آن اینست که فعل اصلی
برحسب معنی مورد نظر بانواع مختلف ، تصریف میگردد ، از میان این انواع چند قسمت
زیر بسیار متداول است

Causative Verb

۱ - سببی - این اشتقاق با افزودن aya به ریشه ساخته میشود و بخصوص در -

	هرچه	چیز معینی	
Masc	kas – cid	kas – cana	kah – ipi
Fem	ka – cid	ka – cana	ka – ipi
Neu	kim – cid	kim – cana	kim – ipi

ه ـ اعداد یك ـ دو ـ سه دارای سه جنس هستند ولی یك فقط مفرد و دو فقط تثنیه وسه فقط جمع است از سه ببعد فقط در جمع صرف میشوند

۳ ـ فعل THE VERB

الف ـ زبان سنسکریت از حیث ریشه افعال غنی است و از این لحاظ شباهت فراوانی بزبان فارسی دارد ولی در ادبیات ودائی زبان دارای اشکال مختلفی بوده که در زمان حاضر بسیاری از آن اشکال متروك و از عده آنها کاسته شده است

ب ـ افعال در سنسکریت دارای دو نوع معلوم و مجهول هستند علاوه بر نوع معلوم با دو حالت تقسیم میشود معلوم ومیانه این دو نوع دارای صرف جداگانه هستند و گاهی یك ریشه بهر دو نوع صرف میشود نوع معلوم بوسیله اسم (Parasmai - pada) ونوع میانه بوسیله اسم Atmane pada شناخته میشود

(معلوم) Active sah yajati او قربانی میکند

(میانه) middle sah yajate او قربانی میکند

(مجهول) passive tena ijyate بوسیله او قربانی میشود

ج ـ اشخاص ـ افعال در سنسکریت دارای سه شخص هستند که هرشخص نیز یا مفرد است یا تثنیه ویا جمع بهرحال باید دقت کرد که اول شخص سنسکریت معادل باسوم شخص زبان فارسی است

د ـ ریشه افعال در سنسکریت بده دسته تقسیم میشوند که هردسته دارای تصریف مخصوصی است برای آسانی میتوان افعال را بدودسته تقسیم کرد Thematic , non Thematic تصریف دسته اول وچهارم و ششم ودهم Thematic است و ریشه آنها a میگیرد تصریف دسته دوم و سوم و پنجم و هفتم و هشتم و نهم

میشوند این حروف بصورت حرف اضافه استعمال میگردند تا حالت اسم را بهتر نشان دهند

Vına (بدون) - sevakam vına , sevakena vına بدون یك مستخدم

sevakad vına

Saha (با) - sevakena saha با یك مستخدم

ج - کلمات زیر کلماتی هستند که بنا بر قرارداد و استعمال مداوم بعنوان قید (حرف اضافه) وحرف ربط استعمال میشوند وغیر منصرف اند

uccaıh	بلند وبالا	nıcaıh	پائین
adhah	پائین	uparı	بالا
kutra	کجا	tatra	آنجا
atra	اینجا	sanaıh	آهسته
apı	هم ، نیز	sarvada	همیشه
tada	آنوقت	yada	وقتیکه
kıntu	اما	yadı	اگر
va	یا	eva	فقط

د - کلمات استفهامی - بعضی از کلمات استفهامی ضمیر و دارای جنس و عدد و تصریف اند درحالیکه عده دیگر غیرمنصرف اند

Pronouns	kım	چه
	kah	که
	kım - artham	چرا
Indeclınables	kada	کی
	kutra	کجا
	katı	چقدر

موردی که سحص دیگری عیرفاعل ، سویق بانجام عمل‌میکند بکار برده میسود مثال

gam - gamayati ۱ رفس - او میرود - او روانه میکند

Desiderative Verb

۲ - هوسی - و آن درمواردی استعمال میسود که عرض‌بان هوسی باسد برای ساحس این‌فعل، ریسه اصلی‌بکراروحرف S اضافه میگردد مثال gam - jigamisati ۱ او میخواهد برود

Denominative Verb

۳ - اسمی - این وجه عبارتست ازتصریف اسم‌مانند فعل مثال

خوسحتی - اوخوسحتی میآورد	sukha - sukhayati
ریاضت - او ریاضت میکند	tapas - tapasyati
الاغ - او احمقی میکند	gardabha - gardabhiyate

Adverbs , Prepositions and Conjunctions

۴ - قید - حرف اضافه - حرف ربط

الف - پساوندهای فعلی - سنسکریت‌دارای پساوندهای متعددیست که بصورت قید استعمال میسوند ودر معنی فعل واسم هردو تغییر میدهند

این پساوندها جای مستقلی ندارند ولی باسم وفعل اضافه میسوند

او دنبال میکند	۱ gam anu - gacchati
جمع میشود اوهمراه میسود یکی‌میسود	sam - gacchati
او خارج میسود	nir gacchati
او میفهمد	ava - gacchati

ب - حروف اضافه - در سنسکریت حرف اضافه بمعنی واقعی خود وجود ندارد ولی چند حرف غیرمتصرف هستند که عمل حرف اضافه را انجام میدهند باوجود این حروف غیرمتصرف هرگز وجود مستقلی ازخود نداسته وهمیسه بااسم یاصفتی بکاربرده

\ kr kıtah tena kıryam kıtam — کار بوسیله او انجام شد

\ gım gıtah , sah gıtah — گویا او رفته است

هنگامیکه معنای انفعالی از این فعل گرفته میشود این کلمه جنس مفعول خود را میگیرد و فاعل آن مانند وسیلهٔ انجام فعل (Instrumental) استعمال میشود

\ drs - dıstrah , tena bılah dıstah — شیر بوسیله او دیده شده

dıstı - tena bılı - dıstı — دختر بوسیله او دیده شده

Gerund and Infinitive

ب ـ Gerund عبارت از یك نوع اسم مصدر خاص است که دارای معنی وصفی است و بر حسب دلیل ساخته میشود هرگاه فعل دارای پسوند نباشد tva را به ریشه صفت آن میافزائیم ولی اگر فعل پسوند همراه داشته باشد بجای tva , ya را اضافه میکنیم

\ gam gıtva رفته — ı - gım ıgıtya آمده

\ kı kıtva کرده — upa kı upakıtya فایده کرده

مصدر ـ مصدر با اضافه کردن tum به ریشه فعل ساخته میشود

\ gam gantum — برای رفتن

\ kr kırtum — برای کردن

صفت تفضیلی وصفت عالی — Comparative and Superlative degrees

۱ ـ مانند فارسی، صفت تفضیلی با اضافه کردن tara وصفت عالی با اضافه کردن tama بصفت مطلق ساخته میشود

duri دور — duratara دورتر — duratama دورترین

۲ ـ بعضی از اسامی که به ya , ıs ختم میشوند با اضافه کردن ıstha بآنها صفت عالی ساخته میشود

چطور **katham**

تاحه وقت **kada paryantam**

VERBAL NOUNS (present and past – Participles)

۵ ـ اسم مصدر **Verbal noun** ـ مصدر ـ اسم مفعول ـ اسم فاعل

الف ـ اسم مصدر ـ اسم فاعل **Present participle**

۱ـ اسم فاعل ـ با اضافه کردن **at** بر ریشهٔ بناء معلوم و **mina** (**ina**) در بعضی حالات بر ریشه ، بناء میانه ساخته میشود و قابل تصریف بهر سه جنس است در حقیقت وقتی **at** به ریشه بناء اضافه میشود برای مذکر بشکل **an** و برای مونث بشکل **anti** درمیآید

اسم فاعل در زبان حال استمراری دلالت بردو عمل میکند مثال

در حال افتادن او دشمن را کشت **Patin sah arim hatavan**

۲ـ اسم مفعول معلوم **Past - participle** ـ عبارت از اسم مفعولی است که برای تصریف فعل معلوم استعمال میشود این نوع اسم مفعول با اضافه کردن **tavat** بهر ریشه ساخته میشود اسم مفعول معلوم تمام احوال هشتگانه صرف میشود و برحسب جنس **vat** را به **van** در مورد مذکر و به **vati** در مورد مونث تبدیل باید کرد

krtavati (fem) ,\ **ki – krtavat krtavan (masc)**

۳ ـ اسم مفعول مجهول ـ وقتیکه **ta** یا **na** مانند ستاوند بر ریشه فعل متعدی افزوده میشود یك صفت فعلی میسازد که دارای معنای مجهولی است که آنرا اسم مفعول مجهول میتوان نامید هر گاه همین **ta** یا **na** بیك فعل لازم اضافه شود حالت مجهولی خود را از دست داده مفهوم گذشته غیرمعین بخود میگیرد

مانند سایر ریشههائی که به **a** ختم میشوند این ریشه نیز دارای سه جنس و بهر سه جنس نیز قابل تصریف است

ح ـ وقتی که i و u بدنبال a بیاید از ترکیب a - i ، حرف صدادار e و از ترکیب a - u ، حرف صدادار o بدست می‌آید

حالا اینجا است	atredanım	atra - ıdanım
بالا روبه	gatoparı	gata - uparı

د ـ وقتی که e یا o بدنبال a بیاید، از ترکیب e با a ، ai و از ترکیب o با a ، au بدست می‌آید

بعداً یکبار	athaıkadı	atha - ekada
بریج آنجا است	tatraudanam	tatra - odanam

ه ـ قواعد مربوط به تغییر s و r متعدد است و بعداً بیان خواهد شد. s هرگاه در آخر کلمه واقع شود اغلب به h تبدیل میگردد ولی اگر حرف a بر آن مقدم باشد به o تبدیل میشود

بسربچه میافتد	patatı	balah
او اینجا است	astı–/ so › trastı	sah atra

کلمات مرکب Compounds

ترکیب دو یا سه کلمه باهم در زبانهای هند واروپایی بسیار متداول است. زبان سنسکریت برای این قاعده مستثنی بوده ، کلمات مرکب فراوانی در آن بچشم میخورد بنابر محل کلمات ، ترکیب آنها را بسه دسته تقسیم میتوان کرد. در کلمات مرکب فقط آخرین جزء برحسب حالت کلمه تغییر می‌یابد

مثال

۱ ـ وقتی که عضو اول دارای اهمیت است شاهزاده (شاه ـ زاده) rāja-putrah

۲ ـ وقتی که عضو دوم دارای اهمیت است مارسیاه krsna – sarpah

۳ ـ وقتی که هردوعضو دارای اهمیت هستند مادروپدر mata – pıtarau

کوچك کوچکتر کوچکترین kanıyas kanıyan ، kanıstha

بزرگ بزرگتر بزرگترین jyıyas jyayan ، jyestha

ادغام وعدم تنافر **Euphonic inflexions**

ادغام یا Sandhi در زبان سنسکریت عبارت است از ترکیب حروف آخر کلمات با حروف اول کلمات بعدی برای عدم تنافر اصوات آن حروف اگرچه ادغام در اغلب زبانها کم وبیش یافت میشود و در زبانهای اروپائی به Euphony معروف است در زبان سنسکریت این جریان بحد اعلای تکامل خود رسیده و مبحث لاینفکی از دستور این زبان‌را تشکیل داده است

ترکیب و چسباندن دو کلمه برحسب حروف صدادار و بی‌صدائی که در آخر و اول کلمات مورد نظر قرار گرفته ، تابع قواعد مختلفی است بعضی باشتباه تصور میکنند که‌ادغام‌وعدم تنافر را باید تحمیل‌وتفکر محققان دستورزبانست‌ولی‌باید دانست که ادغام و عدم تنافر بدیده است طبیعی که محققان دستور زبان قواعد آنـرا مرتب نموده‌اند

برای درك این مطلب بهتراست دانشجویان بدروسی که در آخر کتاب حاضر آورده شده مراجعه کنند در این دروس کلمات ادغام شده طور جداگانه ذکـر گردیده است

ذیلا پاره‌ای از اشکال تنافرمعمولی ادغام را یادآور میشویم

الف ـ هر گاه نزدیکی زیاد بین دوحرف صدادار مورد نظر باشد ترکیب آنـدو با کشیدن همان حرف صدادار بدست میآید

kadı – apı kadıpı

kavı – ısah kavısah

ب ـ وقتیکه a بدنبال ı , u باشد ı به y و u به v تبدیل میشود

همین طور ıtı - apı ıtyapı

عسل ساورید madhu – anaya madhvanaya

درس اول ـ اسمها

۱ ـ اسمهایی که بحروف باصدا ختم میشوند

الف ـ کلمات مذکر ومؤنث که به (a) ختم میشوند

خنثی		مذکر	
phala	میوه	asva	اسب
dhana	ثروت	khara	خر
nakha	ناخن	simha	شیر
gyana	علم	suka	طوطی
dana	سخاوت	kapota	کبوتر
puspa	گل	gaja	فیل
patra	برگ	ustra	شتر
dina	روز	vrka	گرگ
anna	غذا	bala	پسربچه
ratna	گوهر	jana	مرد
jala	آب	vrksa	درخت

ب ـ کلمات مؤنث که به (a) ختم میشوند

sena	ارتش ـ لشکر
mala	تاج گل
bala	دختربچه
chayā	سایه

۴ ـ وفبی که‌هیح‌یك ار اعصاء دارای اهمت ىست وكلمه‌مرکب‌معىی‌حدا گانه‌ای

را میرساند (حاسوس ـ حسم) بادساه cara – caksu

۵ ـ وفبی که عصو اول ار حروف عیرفابل بصریف باسد (هم ـ سفر) مسىحدم

anu – carah

٦ ـ وقبی که‌یکی‌ار کلمات‌حرء‌اعدادباسد یىحاب (پىح ـ آب) panca – nadam

۲ ـ صرف کلمات حسی مختوم به (a)

phala (میوه) ـ خنثی

Nom	phalam	phale	phalanı
Voc	phala	»	»
Acc	phalam	»	»

صرف حالات دیگر مانند صرف مذکر است

۳ ـ صرف کلمات مؤنث مختوم به (a)

bala (دختر)

Nom	bala	bale	balah
Voc	bale	»	»
Acc	balam	»	»
Instr	balaya	balabhyam	balabhıh
Dat	balayaı	»	balabhyah
Abl	balayah	»	»
Gen	balayah	balayoh	balanam
Loc	balayam	»	balasu

تمرین

کلمات زیر را بفارسی برگردانید

śukam balan aśvena gajaya janaıh kapotabhyam balayoh gyanena vrkśat sımhasya patranam senam balaya chayayam kharena dınayoh puspesu Sıtayaı senabhıh śalayam

مهربانی	daya
امید	aśa
بخشش	ksama
زبان	bhasa
غروب	sandhyā
اسم خاص	Kamala
دختر	kanya
زن (همسر)	bharya
علم	vidya
منزل	śaIa
اسم خاص	Sita

۱ ـ صرف کلمات مذکر مختوم به (a)

aśva (اسب)

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom	aśvah	aśvau	aśvah
Voc	aśva	»	»
Acc	aśvam	»	aśvan
Instr	aśvena	aśvabhyam	aśvaih
Dat	aśvaya	»	aśvebhyah
Abl	aśvat	»	»
Gen	aśvasya	aśvayoh	aśvanam
Loc	aśve	»	aśvesu

۲ ـ صرف کلمات مؤنث مختوم به (i)

(عقل) mati

Nom	matih	matayah
Voc	mate	»
Acc	matim	matih
Instr	matina	matibhih
Dat	mataye – matyai	matibhyah
Abl	mateh – matyah	»
Gen	mateh »	matinam
Loc	matau – matyam	matisu

تثنیه این کلمه مانند تثنیه درحالت اول است

۳ ـ صرف کلمات خنثی مختوم به (i)

(آب) vari ـ

Nom Voc	vari	varini	varini
Acc	varnna	varibhyam	varibhih
Instr			varibhysh
Dat	varine		»
Abl	varineh	varinoh	varinam
Gen	»	»	varisu
Loc	varini		

فعل زمان حال

صرف زمان حال فعل بودن وشدن as ۱

	مفرد	تثنیه	جمع
اول شخص	asmi	svah	smah
دوم شخص	asi	sthah	stha
سوم شخص	asti	stah	santi

ضمیر شخصی

aham	من	avam	ما دونفر	vayam	ما
tvam	تو	yuvam	شمادونفر	yuyam	شما
sah	او	tau	آن دونفر	te	آنها

درس دوم

ح ـ کلمات مذکر ومؤنث وخنثی مختوم به (ı)

خنثی ، مؤنث		مذکر	
gatı f	حرامدن	kavı	شاعر
matı f	عقل	alı	زنبور
santı f	آرامش	munı	درویش ـ قلندر
prıtı f	عشق	agnı	آتش
varı n	آب	patı	شوهر

۱ ـ صرف کلمات مذکر مختوم به (ı)

kavı (شاعر)

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom	kavı	kavı	kavayah
Voc	kave	»	›
Aoc	kavım	»	kavın
Instr	kavına	kavıbhyam	kavıbhıh
Dat	kavaye	›	kavıbhyah
Abl	kaveh	›	›
Gcn	kaveh	kavayoh	kavınam
Loc	kavou	›	kavışu

درس سوم

اسمهای مذکر و مؤنث مختوم به (ı و u)

مذکر		مؤنث	
pasu	حیوان	nadı	رودخانه
bhanu	خورشید	devı	الهه
sadhu	قلندر	narı	زن
guru	استاد	dāsı	کلفت
satru	دشمن	patnı	زن (درمقابل شوهر)
parasu	تبر	nagarı	شهر

صرف کلمات مؤنث مختوم (ı)

nadı (رودخانه) ـ مؤنث

	مفرد	تثنیه	جمع
Nom	nadı	nadyau	nadyah
Voc	nadı	«	«
Acc	nadım	«	nadıh
Instr	nadyā	nadıbhyam	nadıbhıh
Dat	nadyaı	«	nadıbhyah
Abl	nadyah	«	«
Gen	«	nadyoh	nadınam
Loc	nadyam	«	nadısu

۱ ـ صرف زمان حال فعل بودن as √ با ضمیر

aham - asmı	avam – svah	vayam – smah
tvam – ası	yuvam - sthah	yuyam – stha
sah – astı	tau - stah	te – santı

۲ ـ صرف زمان حال فعل pat √ افتادن

اول شخص	patamı	patavah	patamah
دوم شخص	patası	patathah	patatha
سوم شخص	patatı	patatah	patantı

تمرین

۱ ـ جملات زیر را بفارسی برگردانید

sah aśvah astı
tvam balah ası
aham janah asmı
Ramah sıtayah patıh astı
sımhah vaneşu santı
Hasanah aśvat patatı
sa bala astı
phalam patatı
vrksat patram patatı
śukah vrkse santı
jale puspanı santı
vayam vrksat jale patamah

۲ ـ جملات زیر را به سنسکریت برگردانید

او پسر است اینها دختراند کملا (Kamala) دختر وحسن پسر است روی درختها میوه است نزدیک است که شما از اسب بیفتد فیل در آب میافتد در خانه مقداری گل است فیل در جنگل است سیتا دختر جناکا است آنها در خانه اند

تمرین

۱ ـ جملات زیر را بفارسی برگردانید

janah grihesu vasanti kapotah vrksesu vasanti gajah nadyah jalam pibati aham akase bhanum pasyami guroh putrah sadhuna nadyam gacchati asvah nrpam nagarim nayati dasyah devyai phalani nayanti sukah vrksesu phalani khadanti Ahmadah pasun vanesu nayati balah akase bhanum pasyanti sadhuh grhe tisthati pibanti nadyah svayam na jalam svayam na khadanti phalani vrksah simhah kharasya satruh asti tvam patnya saha nagarim gacchasi

۲ ـ جملات زیر را به سنسکریت برگردانید

آنجا دودرخت است شما کجا میروید ؟ من صبحها میوه میخورم امروز میخواهیم بشهر برویم اکنون غروب است روزها بسته میشوند ومیروند ولی مامیمانیم دخترها چطور گلهارا میبرند ؟ اینجا سایه است اگر شما بجنگل بروید، من نیز میروم دختران مشغول خوردن میوه وخندیدن اند آنها اسب نیستند بلکه خرانند

صرف کلمات مذکر مختوم به (u)

guru (معلم) ـ مذکر

Nom	guru	guru	guravah
Voc	guro	«	«
Acc	gurum	«	gurun
Instr	guruna	gurubhyam	gurubhih
Dat	gurave	«	gurubhyah
Abl	guroh	«	«
Gen	«	gurvoh	gurunam
Loc	gurau	«	gurusu

Conjugational Verbs افعال تصریفی

صرف سوم شخص مفرد زمان حال   ریشه

رفتن	√ gam (gacch)	gacchati
خندیدن	√ has	hasati
خواندن	√ path	pathati
صحبت کردن	√ vad	vadati
حمل کردن	√ ni	nayati
نوشیدن	√ pa (pib)	pibati
خوردن	√ khad	khadati
زندگی کردن	√ vas	vasati
توقف کردن	√ stha (tisth)	tisthati
دیدن	√ drś (paśya)	paśyati

INDECLINABLES كلمات غير متصرف

كلمات غيرمتصرف زير دارای جنس وشماره وحالت نيستند وتغيير ناپذيرند

اينجا	atra	واو (عاطفه)	ca
آنجا	tatra	فقط	eva
جاييكه	yatra	يا	va—athava
كجا	kutra	هم	apı
هرجا	sarvatra	نه	na
آنوقت	tada	مانند	ıva
وقتيكه	yada	آهسته	śanaıh
چه‌وقت	kada	چگونه	katham
هروقت	sarvada	صبح	pratah
چنانكه	yatha	عصر	sayam
بنابراين	tatha	اكنون	adhuna
ديروز	hyah	امروز	adya
پس‌فردا	paraśvah	فردا	śvah

تمرين

۱ ـ جملات زيررا بفارسی برگردانيد

bala matra sah nagarım gacchatı tvam pıtra kutra gacchası ? gajah śanaıh śanaıh nadyam gacchantı matā duhıtre phalanı puṣpanı ca nayatı adhuna vayam guroh pustakam pathamah adya vayam pıtra nagarım gacchamah kım tvam apı gacchası? janah vrkṣanam phalanı kutra nayantı ? yatra yatra agnıh tatra tatra

درس چهارم

اسمهای مذکر ومؤنث مختوم به (r)

پدر	pitr
بخشنده	datr
برادر	bhratr
دختر	duhitr f
مادر	matr f
خواهر	svasr f

صرف کلمه (pitr) (پدر) ـ مذکر

Nom	pita	pitarau	pitarah
Voc	pitah	«	«
Acc	pitaram	«	pitrn
Instr	pitra	pitrbhyām	pitrbhih
Dat	pitre	«	pitrbhyah
Abl	pituh	«	«
Gen	«	pitroh	pitrnam
Loc	pitari	«	pitrsu

تبصره کلمات مؤنث مختوم به (r) فقط درحالت جمع (Accusative) مانند matrh صرف میشوند وبقیهٔ حالات آنها مانند مذکر است

درس پنجم

۲ ـ اسمهایی که بحروف بی‌صدا ختم میشود وماضی نقلی

هوا	**marut m**	فکر	**manas n**
پزشك	***bhisak m***	ریاضت	***tapas n***
تاجر	***vanik m***	آب	***payas n***
جهت	**dik f**	تاریکی	**tamas n**
گفتار	**vak f**	چشم	**caksus n**

صرف کلمه marut (مذکر) و vak (مؤنث)

	مفرد		جمع	
Nom	marut	vak	marutah	vacah
Voc	«	«	«	«
Acc	marutam	vacam	«	«
Inst	maruta	vaca	marudbhih	vagbhih
Dat	marute	vace	marudbhyah	vagbhyah
Abl	marutah	vacah	«	«
Gen	«	«	marutam	vacam
Loc	maruti	vaci	marutsu	vaksu

صرف کلمهٔ manas (خنثی)

	مفرد	جمع
Nom, Voc & acc	manah	manansi
Instr	manasa	manobhih

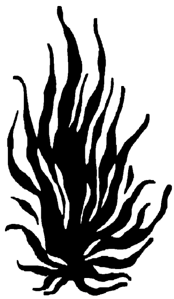
dhūmah astı bhānuh sarvatra akase gacchatı janān ca pasyatı putrah pıtaram vadatı pıta hasatı Mala adya pratah bhratra sah kutra gacchatı ? naryah hasantı janah ca pasyantı

۲ ـ جملات زیر را به سنسکریت برگردانید

پسران درس میخوانند گله بجنگل میرود کبوترها میوه می‌خورند
ما آب می‌آشامیم خدمتکار زن گلها را می‌آورد پروین خورسند نگاه میکند
گله در سایه میماند شما مشغول خندیدن بدختران هستید شیر، گوشت
الاغ را میخورد مردم در شهر و پرندگان روی درختان زندگی میکنند

۲ ـ جملات زیر را به‌سنسکریت برگردانید

او از درخت بزمین افتاد شما دیروز کجا رفتید شاه بزرگی موسوم به انوشیروان زندگی میکرد صدای بچه‌ها شیرین است میوه‌ها و گلهارا تاجر شهر میبرد «سیما» و «زیبا» دختران زیبائی هستند آب رودخانه شیرین است وهنگامیکه باد سرد میوزد ، مردم بدرون خانه‌هاشان میروند پرندگان از این درخت بآن درخت می‌پرند اکنون هوا تاریک است وشغالها میآیند



Dat	manase	manobhyah
Abl	manasah	«
Gen	«	manasam
Loc	manası	manassu

CONJUGATIONAL VERBS صرف افعال

(Past-Imperfect Tense) ماضی نقلی

صرف √pat (افتادن)

	مفرد	جمع
اول‌شخص	apatam	apatama
دوم‌شخص	apatah	apatata
سوم‌شخص	apatat	apatan

صرف √pıb (pa) (نوشیدن)

اول‌شخص	apıbam	apıbama
دوم‌شخص	apıbah	apıbata
سوم‌شخص	apıbat	apıban

تمرین

۱ ــ جملات زیررا بفارسی برگردانید

adya sıtah marut calatı hyah bhratra udyanam agacchama tatra dısı dısı puspānı apasyam narınam vak madhura bhavatı munıh Vısvamıtrah tapasa Indram ajayat payasa kamalam kamalena ca payah vıbhatı taması caksusa kım apı na pasyamı aham bhısajah grhe gacchamı yuyam balam kutra nayatha ? adhuna tamah astı ? gajah asvah ca nadyah jalam apıban vayam payası sundaranı kusumanı apasyama vanıjah patnı phalanı puspanı ca nagare anayat nrpasya gajah vrksanam patranı phalānı ca akhadan

Gen	rajñah	rajñam
Loc	rajñı	rājasu

(نیرومند) balın

Nom	balı	balınah
Voc	balın	«
Acc	balınam	«
Instr	balına	balıbhıh
Dat	balıne	balıbhyah
Abl	balınah	«
Gen	«	balınam
Loc	balını	balısu

صرف کلمهٔ (naman) (نام) – خنثی ·

Nom	nama	namanı
Acc	«	«
Voc	naman	»

تبصره صرف حالات دیگر مانند صرف (rajan) است

اوعال

√ lıkh	نوشتن
√ nam	تعظیم کردن
√ pac	پختن
√ tad	زدن
√ gan	شمردن
√ smr	بخاطر داشتن
vı– √ smr	فراموش کردن
√ krıd	بازی کردن

درس ششم

کلمات اسمها

نوکر	sevaka m	خدمت	seva f
دلو	kupa m	خجالت	lajja f
باد	pavana m	مگس	maksika f
آهو	mrga m	زبان	jihva f
شاه	rajan m	مسافرت	yatra f
روح-خود	atman m	پنجره	vatayana n
قوی	balin m	قالیچه	asana n
ثروتمند	dhanin m	پله	sopana n
شایسته	gunin m	آبگیر	jalaśaya n
مالک	svamin m	غذا	ahara n

صرف اسمهای مذکر مختوم به (-an) و (-in)

rajan (شاه)

	مفرد	جمع
Nom	rajā	rajanah
Voc	rajan	rajanah
Acc	rajanam	rajñah
Instr	rajñā	rājabhih
Dat	rajñe	rajabhyah
Abl	rajñah	«

درس هفتم

صرف اسمهایی که بحروف بی صدا ختم شوند

	مذکر	مؤنث
دانشمند	vidvan	viduṣi
خدا ـ برومند	bhagavan	bhagavati
خوشگل	rupavan	rupavati
سنگین	gariyan	gariyasi
بزرگ	jyayan	jyayasi
بزرگتر	jyeṣtha	jyeṣtha
کوچکتر	kaniṣtha	kaniṣtha

وقت	kala	اجازه	ajña
اعتقاد	viśvasa	انجمن	sabha
گدا	yacaka	شماره	ganana
آشپز	pacaka	زحمت	pida
بزرگ	mahat	ترازو	tula

صرف کلمه vidvas ـ دانشمند (مذکر)، مختوم به (-as)

	مفرد	جمع
Nom	vidvan	vidvansah
Voc	vidvan	«

√ roh	کاستن
a √ roh	بالارفتن
ava– √ roh	پائین‌آمدن
ut– √ pat	پریدن
√ kr	کردن

تمرین

۱ ـ جملات زیررا بفارسی برگردانید

sevakah svamınah sevam kurvantı rajñah sevakah asavaıh jalısayam gacchantı hyah kutra apı na agaccama atmanah grhe atısthama Iqbalah gunı balah astı pratıdınam pıtuh sevam karotı sımhah mrganam mansam khadatı vayam atmnah udyane pushpanı rohāmah dhanınah yatrayaı asvan arohantı kapotah vrksat vrksam utpatantı te sopanena grhasya uparı agacchan tatra balaıh akrıdan Shakuntala lajjaya kım apı na avadat kevalam tusnım atısthat

۲ ـ جملات زیررا بسنسکریت برگردانید

نوکران آب‌را ازچاه میآورند بچه‌ها در مدرسه بازی میکنند رستم بسیار نیرومند وشجاع بود من سرگرم نوشتن کاغذی بدرم هستم خواهراو بابرادرمن بشهر رفته‌است نرومندان بگدایان غذا میدهند یك حوض زیبای پرآب آنجاست من همیشه بادشماویسربان هستم دیروزآموزگار کیك خوبی به‌احمددد پرندگان درآسمان پروازمی کنندودخترها از کوه بالا میروند او ازبله‌ها پایین آمد نوکرها درباغ، درخت میکارند آدم شجاع هرگز غمها وشادیهارا نمی‌شمارد

Vırasena sutah balı yatha rajı tatha praja dhanınah dhanam ıcchantı kıntu yıcakıh ah ıram eva ıcchantı sadhavah pasunam apı vıśvasam kurvantı rıjñah sevıkıh jananam gananām kur— vantı bılıh udyıne akrıdan vrksesu ca aıohan Daśarathasya kanıstha patnı Rımasya vanavasam aıcchata ayam kılah vasan - tasya, udyanesu puspını hasantı

۲ ـ جملات زیر را بسنسکریت برگردانید

Kalıdasa شاعر دانشمندی بود خواهر شهراب‌ستار زیباست آن گدا برای گرفتن پول برد پادشاه رفت پسر بزرگ این مرد بهندوستان رفته است ودختر کوچکش درمدرسه‌ای درس میخواند معلم درمجمع‌دانشمندان سخن گفت ما آسمان‌را بخانه شما میفرستیم پادشاه سوگرانش اطمینان دارد اکنون ماهمی رقصیم طاوسها در روی کوهها مشغول رقصیدن هستند من به میهنم و مردان شجاعی که در راه آن جان داده‌اند درود میفرستم واحترام می‌گزارم

Acc	vıdvansam	vıdusah
Inst	vıdusa	vıdvadbhıh
Dat	vıduse	vıdvadbhyah
Abl	vıdusah	«
Gen	«	vıdusam
Aoc	vıdusı	vıdvatsu

صرف کلمهٔ mahat (بزرگ)، مذکر مختوم به (-at)

Nom	mahan	mahantah
Voc	mahan	«
Acc	mahantam	mahatah
Instr	mahata	mahadbhıh
Dat	mahate	mahadbhyah
Abl	mahatah	«
Gen	«	mahatam
Loc	mahatı	mahatsu

زمان حال	افعال	
icchatı	\ is	خواستن
prcchatı	\ prcch	پرسیدن
nrtyatı	\ nrt	رقصیدن
haratı	\ hı	بردن
presayatı	\ pres	فرستادن
purayatı	pr	پر کردن

تمرین

۱ ـ جملات زیر را بفارسی برگردانید

Ramasya patnı Sıta vıdusı rupavatı ca asıt mahan mahatsu eva vıkramam karotı Ahmadasya kanısthı duhıta sandhyayam nrtyatı raja sevakın nagare presayatı asıt rajı Nalah nama

Dat	tubhyam-te	yusmabhyam-vah
Abl	tvat	yusmat
Gen	tava-ad	yusmakam-vah
Loc	tvayı	yusmasu

افعال

گرفتن	√ grah	grhnatı
خریدن	√ krı	krınatı
فروختن	vı- √ krı	vıkrınatı
دانستن	√ jna	janatı

صرف مضارع از مصدر pat √ (افتادن)

	مفرد	جمع
اول شخص	patısyamı	patısyamah
دوم »	patısyası	patısyatha
سوم »	patısyatı	patısyantı

تمرین

۱ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

aham śvah Shıraz nagaram ganısyamı asmakam grhe adya utsavah bhavısyatı atah aham phalanı krınamı ratrıh gamısyatı bhavısyatı suprabhatam tatra nadyam tava aśvah jalam pıbatı aham tava pustakam nesyamı śvah anesyamı mama bhısajı bahu vıśvasah astı sah gunı vıdvan ca astı yusmakam sevakah hyah mahyam phalanı anayat agamısyatı yat yanam tat asman nagaram nesyatı aham tvam janamı tava pıtaram apı janamı pıbantı nadyah na svayam jalanı svayam na khadantı phalanı vrksalı

درس هشتم ـ ضمایر

تمام ضمایر باستثنای ضمایرشخصی درسه‌جنس صرف میشوند

ضمایر شخصی درحالت فاعلی وندا فرق ندارند

مال من	asmad	چه	kım
مال شما	yusmad	هر	sarva
مال‌آن	tad	هر	vısva
مال‌این	etad	این	adas
مال‌کی	yad	دیگر	anyad
مال شما	bhavad	کدام	katarad

۱ ـ صرف ضمیرشخصی asmad (مال‌من)

	مفرد	جمع
Nom	aham	vayam
Acc	mam–ma	asman–nah
Inst	maya	asmābhıh
Dat	mahyam–me	asmabhyam–nah
Abl	māt	asmat
Gen	mama–me	asmākam–nah
Loc	mayı	asmasu

۲ـ صرف ضمیر شخصی yusmad (مال‌شما)

Nom	tvam	yuyam
Acc	tvam–tva	yusman–vah
Inst	tvaya	yusmabhıh

درس نهم

واژها

طاوس	mayūra m	آبی	nıla m
خروس	kukkuta m	زرد	pıta m
غاز	hansa m	سرخ	lohıta m
کلنگ	baka m	سفید	sveta m
کلاغ	kaka m	سیاه	krsna m
کوکو	pıka m	سبز	harıt m
گنجشک	cataka f	رنگ	varna m
نام مرغی است	sarıka f	زمین	dhara f
مرغ	khaga m	آسمان	nabha n
ماهی	matsya m	ماه	candra m

۱ ـ صرف ضمیر اشاره tad (آن)

	مفرد			جمع		
	مذکر	مؤنث	خنثی	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	sah	sa	tat	te	tah	tanı
Acc	tam	tam	tat	tān	tah	tanı
Inst	tena	taya		taıh	tabhıh	
Dat	tasmaı	tasyaı		tebhyah	tabhyah	
Abl	tasmat	tasyah		«	«	
Gen	tasya	«		tesam	tasam	
Loc	tasmın	tasyam		tesu	tasu	

۲ ـ جمله‌های زیررا به‌سنسکریت برگردانید

سب گدسته دردی وارد حانه ماسد کی پدرسما بحانه من حواهد رفت ؟ همانگونه که‌مردم‌لباسهای کهنه‌را بدورمیاندارند ولباسهای‌نورا انتخاب‌میکنند، ماهم زندگی تازه را انتخاب میکنیم کدامیك از این دو کتاب را حواهند حواند ؟ اگر از این درخت بالا بروند حواهند افتاد هروسیله نقلیه‌ای‌که بیاید همه‌مارا حواهد برد

حواهر کوچك سما امروز باما حواهد آمد اگرسما بمن دستور بدهید برایتان میوه حواهم خرید این‌اسب‌را برای که می‌برید ؟ هر کاری که کنند حدا آنرا میداند مردم بدجنس و سربزیر همیشه افکار مختلفی در مغزسان دارند وعیرار آنچه که فکر میکنند عمل میکنند آیا پادشاه سما این اسب را ار من حواهد خرید ؟

nıśa nıśayā ca śaśı, śaśına nısaya ca vıbhatı nabhah matsyah jala-śaye khagah ca dharayam vasantı tah balah nadyam tarantı snantı ca enam krsnam catakam Ahmadaya dasyamı Parvın udyanat phalanı corayatı

slokau

1 – hansah śvetah bakah śvetah kah bhedah baka-hansayoh,
nıra-ksıra-vıbhage tu hansah hansah bakah bakah

2 – kakah krśnah pıkah krśnah kah bhedah pıka–kakayoh,
prapte vasanta-samaye kakah kakah pıkah pıkah

۲ ـ جمله‌های زیررا به‌سنسکریت برگردانید

وقتیکه ابرها در آسمان میغرند، طاوسها میرقصند وخوشحالی میکنند بچه‌ها در آب باران آب‌بازی میکنند خواهر بزرگ من لباسهای قرمز دوست دارد این دخترهای گدا برای پول میرقصند ومی‌خوانند گاوها سفیدند ولی اسبها سیاه هستند در بهار درختان وجرندگان برگهای سبز را بس میکنند لک‌لکهای سفید در آسمان پرواز میکنند زن خسیس غذا را خواهد آورد و ما آنرا خواهیم خورد دختران در رودخانه مشغول شنا و شادی کردند اسب شما چه رنگ است؟

۲ـ صرف ضمیر اشارهٔ ıdam (این)

	مفرد			جمع		
	مذکر	مؤنث	خنثی	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	ayam	ıyam	ıdam	ıme	ımah	ımānı
Acc	ımam	ımam	ıdam	ıman	ımah	ımanı
Inst	anena	anaya		ebhıh	abhıh	
Dat	asmaı	asyaı		ebhyah	abhyah	
Abl	asmat	asyah		«	«	
Gen	asya	asyah		esam	asam	
Loc	asmın	asyam		esu	asu	

افعال

کشیدن	√ kṛṣ	karṣatı
باریدن	√ varṣ	varṣatı
خوشحال شدن	√ harṣ	harṣatı
نجات‌دادن ـ حفظ کردن	√ rakṣ	rakṣatı
دزدیدن	√ cur	corayatı
شنا کردن	√ tṛ	taratı
پایین‌آمدن	ava- √ tṛ	ava-taratı
دادن	√ da	dadatı
درخشیدن	√ *bha*	*bhatı*
حمام کردن	√ *sna*	*snatı*

تمرین

۱ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

meghah varṣantı garjantı aham ebhyah kukkutebhyah jalam anesyamı sarıka sarvada anena śukena vacam vadatı śaśına ca

	eka-una-vımśatı	نوزده
	vımśatı	بیست
	eka–vımśatı	بیست‌ویک
وغیره	dva–vımśatı	بیست‌ودو
	trımśat	سی
	catvarımśat	چهل
	pancaśat	پنجاه
	sastı	شصت
	saptatı	هفتاد
	aśıtı	هشتاد
	navatı	نود
	śata	صد
	sahasra	هزار
	ayuta	ده‌هزار
	laksa	صدهزار

---

prathama	یکم
dvıtıya	دوم
trtıya	سوم
cathurtha	چهارم
pancama	پنجم
sastha	ششم
saptama	هفتم
astama	هشتم

درس دهم

اعداد

eka	یک
dvi	دو
tri	سه
catur	چهار
pañca	پنج
sas	شش
sapta	هفت
asta	هشت
nava	نه
daśa	ده
ekadaśa	یازده
dvadaśa	دوازده
trayodaśa	سیزده
caturdaśa	چهارده
pancadaśa	پانزده
sodaśa	شانزده
saptadaśa	هفده
aşṭādaśa	هجده

Dat & Abl	**trıbhyah**	**tısrbhyah**
Gen	**trayınım**	**tısrnam**
Loc	**trısu**	**tısrsu**

۴- صرف **pat** ۱ (افتادن)در وجه امری

	مفرد	جمع
اول شخص	**patanı**	**patama**
دوم شخص	**pata – patatıt**	**patata**
سوم شخص	**patatu – patatat**	**patantu**

تمرین

۱ ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

Aham vıdyalayasya prathame varse pathāmı rıjñah Dasarathasya catvırah putrah tısrah ca patnyah asan evam dınınam ekavımsatıh vayam vıdese avasama nagaram asmıt gramat yojınasatam astı balah sanaıh sanaıh gacchantu aham apı pascad agamısyāmı bhoh Parvın kım artham hasası ; yadı guruh draksyatı tvam tadayısyatı meghah varsıntu garjantu purayantu dharatalam yanı kanı ca mıtranı kartavyanı satanı ca varam ekah gunı putrah na ca murkha – satanı apı astıdasa purananım karta Vyasah nrpah dharam raksantu meghah kale varsantu Mahabharatah pancamah vedah

۲ ـ جمله های زیر را به‌سنسکریت برگردانید

وقتیکه بمدرسه میرفتم برادرم را دیدم اگر مردم این کار را بکنند، پاداش خواهند دید بادانان درس دانایان درحسد گی ندارند، همانگونه که لک لک ها در میان یکدسته و حلوه‌ای ندارند

navama	نهم
dasama	دهم

صرف اعداد

اعداد یك و دو وسه درسه جس و هشت حالت صرف میشوند ولی یك در مفرد دو در تثنیه و از سه ببعد درجمع صرف میشود

۱ـ صرف eka (یك)

	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	ekah	eka	ekam
Acc	ekam	ekam	ekam
Inst	ekena	ekaya	
Dat	ekasmai	ekasyai	
Abl	ekasmat	ekasyah	
Gen	ekasya	ekasyah	
Loc	ekasmin	ekasyam	

۲ـ صرف dvi (دو)

	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	dvau	dve	dve
Acc	dvau	dve	dve
Inst	dvabhyam		
Dat	«		
Abl	«		
Gen	dvayoh		
Loc	«		

۳ـ صرف tri (سه)

	مذکر	مؤنث	خنثی
Nom	trayah	tisrah	trini
Acc	trin	«	«
Inst	tribhih	tisrbhih	

درس یازدهم

۱- افعال میانه زمان حال و ماضی نقلی

افعال میانه که به نام atmanepada معروفند یک گروه پساوندهای (terminations) مختلف در همه حالتها و زمانها دارند

صرف زمان حال labh ۱ (بدست آوردن)

	مفرد	تثنیه	جمع
اول شخص	labhe -e	labhavahe - vahe	labhamahe - mahe
دوم شخص	labhase-se	labhethe - the	labhadhve - dhve
سوم شخص	labhate - te	labhete - ete	labhante - ante

صرف ماضی نقلی labh ۱ (بدست آوردن)

	مفرد	تثنیه	جمع
اول شخص	alabhe	alabhavahi	alabhamahi
دوم شخص	alabhathah	alabhetham	alabhadhvam
سوم شخص	alabhata	alabhetam	alabhanta

واژه‌ها

مذکر

ستاره	taraka
آسمان	akaśa
آرزو ـ رب‌النوع عشق	kama
حرص	lobha
شیفتگی	moha

حرص ریشه تمام صفات اهریمنی است چرا در خیابان گدائی میکند ؟
بادبان باوجودیکه ساکت هستند جلوه‌ای دارند تا وقتی که می‌رقصم آن دختر بمن نگاه میکند حتی یك شخص منزوی در جنگل هم دوست و دشمن دارد شاگردان تا وقتی که درمدرسه زندگی‌میکنند، بمعلم خدمت خواهند کرد اشخاص‌عاقل‌پیوسته کوشش میکنند، تاسرانجام کاررا تمام کنند ولی‌اشخاص نادان چیزی‌را شروع‌میکنند، اما دروسط کار آنرا رها میکنند



labhamanah	labhamanau	labhamanah	مذکر
labhamanah	labhamane	labhamana	مؤنث

تمرین

۱ ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

akaśe tarakah śobhante upavane phalani khadantah balakah modante śiśyah gurun gyanaya sevante Ramena saha vanam gacchanti Sita adhikam aśobhata sevamanah purusah rajñah dhanani ayacanta mahyam phalani rocante tubhyam kevalam mistam rocate ratnam ratnena samgacchate samgat samjayate kamah kamat krodhah abhijayate yasya dharme matih sah vidvan virah ca jayate ye virah svadeśaya amriyanta te svargam alabhanta

۲ ـ داستان زیر را بسنسکریت برگردانید

در کنار رودخانه ای درخت تنومندی بود بر آن درخت سه پرنده و دو موش و یک میمون زندگی میکردند میمون بسیار با هوش بود بطوری که بپرندگان وموش کمک میکرد یکروز باران سختی بارید وهیچکدام نتوانستند برای بدست آوردن غذا بیرون بروند درهمانوقت میوه‌فروشی آنجا رسید و زیر درخت ایستاد میمون میوه‌ها را دید وچندتای آنها را برداشت بعدمیوه‌ها را به پرندگان و موشها داد و همه‌شان بسیار خوشحال شدند معروف است که یک‌دوست همیشه سایر دوستان را کمک میکند

krodha	غصه
dharma	مذهب
svarga	بهشت
śısya	شاگرد

افعال

labhate	√ labh	بدست آوردن
modate	√ mod	خوشحال بودن
sevate	√ sev	خدمت کردن
sahate	√ sah	تحمل کردن
yacate	√ yac	گدایی کردن
yatate	√ yat	کوشش کردن
śobhate	√ śobh	زیبا بنظر آمدن
rocate	√ ruc	درخشیدن
jayate	√ jan	تولد شدن
sam – gacchate	sam - √ gam	متحد شدن

۲ - اسم فاعل

اسم‌فاعل با اضافه کردن (-at) بریشهٔ بناء معلوم و mana (ana) در بعضی حالات بریشه بناء میانه ساخته میشود وقابل تصریف بهرسه‌جنس وهرهفت حالت‌است

مثال

مؤنث	مذکر		
hasanti	hasan	√ has	(خواندن)
labhamana	labhamanah	√ labh	(بدست آوردن)

صرف اسم فاعل

مذکر	Nom	hasan	hasantau	hasantah
مؤنث	Nom	hasanti	hasantyau	hasantyah

۴ - اسم مفعول معلوم.

اسم مفعول معلوم باضافه کردن «vant -» به‌اسم‌مفعول مجهول‌ساخته می‌شود، و در دو حالت مذکر و مؤنث صرف می‌شود

۱ gam	gata - gata	gatavan	- gatavatı
۱ da	datta - datta	dattavan	- dattavatı

		مجهول	معلوم
کشتن	۱ han	hatah	hatavın
ایستادن	۱ sthı	sthıtah	sthıtavın
بردن	۱ jı	jıtah	jıtavın
کردن	۱ kr	krtah	krtavan
صحبت کردن	۱ vıd	uktah	uktavın
بردن	۱ nı	nıtah	nıtavın
نوشیدن	۱ pı	pıtah	pıtavan
ترك کردن	۱ tyaj	tyaktah	tyaktavan
خم‌شدن	۱ nam	natah	natavan
بدست‌آوردن	۱ labh	labdhah	labdhavın
فا ندن	۱ hı	hıt ıh	hı tav ın
دانستن	۱ jnı	jnatah	jñıtavın
خواندن	۱ path	pathıtah	pathıtavan
نوشتن	۱ lıkh	lıkhıtah	lıkhıtavan
بودن	۱ bhu	bhutah	bhutavān

واژه‌ها

مذکر

جنگ	sangrama	داستان	katha f
تیر	bana	رحم	daya f

درس دوازدهم

اسم فعل

۱- گذشتهٔ معلوم - اسم مفعول (Past active - Passive Participles) اسم مفعول مجهول بوسیله پساوند (-ta) یا (-na) به ریشه فعل ساخته می‌شود کلمات مذکر مختوم به (-a) این دسته ، مانند دیگر اسمهای مختوم به (-a) صرف میشوند، چنانکه مؤنث این کلمات حرف (-ā) می‌گیرد

	مذکر	مؤنث
۱ gam	gatah	gata
۱ hın	hatah	hata
۱ stha	sthıtah	sthıtā

۲- وقتیکه اسم مفعول از افعال متعدی ساخته می‌شود، در این حالت فاعل آن بجای حالت (Instrumental) استعمال میشود

۱ da	datta m	tena dhanam dattam ,
	datta f	tena mala datta

۳- وقتیکه از افعال لازم ساخته شود حالت مجهولی ندارد وبصورت ماضی نقلی یا فعل اسنادی استعمال میشود

۱ gam	gatah m	gata f
۱ pat	patıtah m	patıta f
	sah grham gatah	sa bala nadım gata
	balah vrksat patıtah	phalam jale patıtam

«راونه» (Ravana) شاه اهریمنان وشیاطین «سیتا»را به‌سیلان برد. بمعلم کاغذی نوشته‌ام و او فردا خواهد آمد. از این کتاب چند درس خوانده‌اید؟ چه کسی از این طرف سیر خورده است؟ ما به نوکرها پول و لباس و میوه میدهیم. ترویس دم در ایستاد وباخواهرش صحبت کرد. پسران بسته های لباس را روی پشتشان حمل کردند. مادر درحالیکه میخواست بچه‌را نجات بدهد خودش در رودخانه افتاد

گاو نر	vrsabha	رعیت	praja f
لنگ	khanja	صخره	sila f
کور	kana	کشاورزی	krsi f
نیرومند	balavad	مال التجاره	vanijya n
ثروتمند	dhanavad	دوستی	maitri f
پا	pada	اضطراب	cinta f
گاری	sakata	شعر	kavya n
کشور	desa	جنگل	aranya n

تمرین

۱ ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

ekasmin aranye Pingalaka - namakah simhah vasati sma tasya Karataka - Damanaka namanau srgalau mantrinau astam ekada ekah vanik vanijyaya sakatena desantaram prasthitah aranye sakatasya ekah vrsabhah khanjah jatah tam vrsabham tatra vihaya vanik anyam vrsabham anitavan, sakatena ca gatavan atha gacchati kale sah khanjah vrsabhah balavan abhavat, tasya ca simhena maitri samjata kintu simha-vrsabhayoh maitrim drstva srgalau duhkhitau jatau sanaih sanaih tabhyam simhasya vrsabhasya ca madhye vairah sthapitah kupitena simhena sah vrisabhah hatah vrsabham hatam drstva tau srgalau muditau esā katha Pancatantre likhita asti

۲ ـ جمله‌های زیر را بسنسکریت برگردانید

حسن مار را با چوبدستی بکشت دار یوش شاه در جنگ فاتح شد و دشمنانش را شکست داد شاه نله (Nala) زنش را در جنگل جا گذاشت

مثال

√ gam	gamya	gantavya
√ drs	drsya	drastavya
√ ni	neya	netavya

این کلمات مانند صفات دومی هستند و با موصوف در سه جنس و سه شماره (مفرد - تثنیه - جمع) مطابقت دارند

M gantavyah desah

F gantavya nagari

N gantavyam sthanam

۴ - افعال

وجه الزامی

الف - صرف فعل معلوم

اول شخص	pateyam	patemah
دوم شخص	pateh	pateta
سوم شخص	patet	pateyuh

ب - صرف فعل میانه

اول شخص	labhai	labhamahi
دوم شخص	labhethah	labhedhvam
سوم شخص	labheta	labheran

واژه‌ها

بردبار	dhira m	مردسوه - غمگین	vidhura a
ارابه	ratha m	حمام	snana n
چتر	chatra m	چرخ	cakra n

درس سیزدهم

۱ ـ اسم مصدر (Gerund)

برای ساختن این نوع اسم مصدر هرگاه فعل دارای پیشاوند نباشد(tva)را به ریشه ضعیف آن میافزائیم ولی اگر فعل پیشاوند همراه داشته باشد بجای(tva)، (ya) را اضافه میکنیم مثال

\ gam	gatva
\ dṛś	dṛṣṭvā
| nī	nītvā
a- \ nī	anīya
upa- \ kṛ	upakṛtya

۲ ـ مصدر

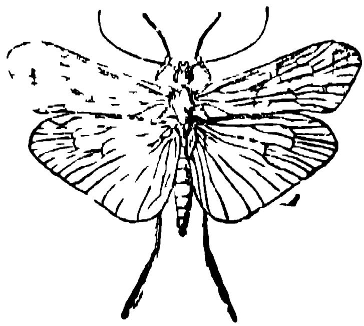
زبان معمولی سنسکریت یك نوع مصدر دارد و آنهم بافزودن(tum)بریشه ساخته میشود مثال

\ gam	gantum
\ dṛś	draṣṭum
\ nī	netum
\ pā	pātum

۳ ـ صرف مستقبل مجهول

مستقبل مجهول باافزودن(-ya)و (-tavya)بریشه ساخته میشود

نشرناصر و حوصله اعمال مهمی را انجام داده است بگذار همه‌خوشحال نمانند و از نعمت های زندگی بهره‌مند شوند شما همیشه شجاع و سعادتمند باشید



ghrta n	روغن (خوردنی)	tata m	عزیز
dhairya n	صبر	yavat ind	تاوقتیکه
saurya n	شجاعت	tavat ind	تاآنوقت
sukham n	سعادت	nityam adv	همیشه
a– √ car	عمل کردن	nirmala a	صاف
√ jiv	زندگی کردن	kalusa a	کثیف–آلوده

تمرین

۱– جمله‌های زیررا بفارسی برگردانید

yani kani ca mitrani kartavyani satani ca tyajyam na dhairyam vidhure api kale yavat jivet sukham jivet, rnam krtva ghrtam pibet piajah palayitum tata gacchami nagaram svakam sevitav–yah maha-viksah phala-cchaya samanvitah rajan ekena cakrena na rathasya gatih bhavet datavyam sarvada danam patavyam nirma–lam jalam papte tu sodase varse putram mitravad acaret krtva snanam pathet nityam, bhuktva gacchet pada-trayam

۲– جمله‌های زیررا به‌سنسکریت برگردانید

شما چتر بدست کجا میروید؟ ماباغ رفتیم که زیبائی گلهارا ببینیم آب رودخانه صاف است و من برای آب تنی بآنجا میروم تا وقتی که خورشید در آسمان است کار را تمام کن کسی نباید سخنان گمراه کننده را باور کند کسی نباید به اشخاص نادان و جاهل که نصیحت نمی فهمند پند دهد ممکن است ما برای صد سال زندگی کنیم

ح- افعال سببی وخواهشی (Causative and Desiderative Verbs)

فعل سببی باافزودن (aya-) بریشه ساخته میشود

gamayati	√ gam	روانه میکند
karayati	√ kr	وادار بکاری می کند
balakah nagaram gacchati		پسر بچه بشهر میرود
pita balakam nagaram gamayati		پدر، پسر بچه‌را بشهر روانه‌می کند
sevakah karyam karoti		پیشخدمت کاری می کند
svami sevakam karyam karayati		مالك، پیشخدمت‌را وادار بکاری می کند

واژه ها

aša f	امید	matsya	ماهی
anujña f	اجازه	sarpa m	مـار
mekhala f	کمربند	paša m	تور
vapi f	آبگیر	budha m	دانشمند
rajju m	طناب	jamata m	داماد
karana n	سبب	sindhu m	دریا
bhojana n	خوراك	kšetra n	دشت

افعال

ganayati	√ gan	شمردن
kšalayati	√ kšal	شستن
pidayati	√ pid	زحمت‌دادن
pujayati	√ puj	عبادت کردن
dharayati	√ dhr̥	نگهداشتن

درس چهاردهم

افعال

الف- صرف حالت مجهول و علامتهای تصریف (Passive-Voice and Inflexions)

برای ساختن حالت مجهول پساوند (-ya) را بریشه ضعیف اضافه کرده، پس از آن، پساوند حالت میانه (Middle Voice atmanepada) را میآورند

صرف حالت مجهول مانند صرف حالت میانه است عموماً در افعال متعدی، فاعل بحالت مفعول‌فیه (instrumental) در میآید

√ kı	kryate	maya karyam kryate
√ pıb	pıyate	maya jalam pıyate
√ da	dıyate	maya dhanam dıyate

ب - معمولاً (-va) و (-ya) ابتدایی به (-u) و (-ı) بترتیب تبدیل میشود (-ı) و (-u) انتهایی دراز بر شده، (-a) انتهایی به (ı) تغییر پیدا میکند

ucyate	√ vad-vac	بوسیله او گفته شد
ıjyate	√ yaj	» » قربانی کرده شد
jıyate	√ jı	» زندگی کرد
stuyate	√ stu	» تعریف کرد
sthıyate	√ stha	» ایستاده شد

درس پانزدهم

پیشاوندها وحروف اضافهٔ قیدی (Prefixes and Adverbial Prepositions)

پیشاوند های زیر بیشتر مانند حروف اضافه قیدی بکار میروند. این حروف همیشه به‌اسمها و فعلها اضافه شده، تأثیر فراوان در مفهوم جمله دارند. مطالعه پیشاوندها که به سنسکریت اوپاسارگا (Upasarga) گویند، در این زبان بسیار جالب است.

برای توجه به تأثیر پیشاوندها در مفهوم اصلی کلمات ریشه $\sqrt{}$gam و $\sqrt{}$Kr را با پیشاوندهای سنسکریت در زیر میآوریم.

adhi	$\sqrt{}$ kr	adhikāra	حق
anu	$\sqrt{}$ kr	anukara	تقلید
apa	$\sqrt{}$ kr	apakāra	کار زشت
ava	$\sqrt{}$ gam	avagamana	فهم
a	$\sqrt{}$ gam	agamana	آمدن
upa	$\sqrt{}$ kr	upakara	کار مفید
dus-dur	$\sqrt{}$ kr	duskara	کار دشوار
ni	$\sqrt{}$ kr	nikara	توهین
nis-nir	$\sqrt{}$ gam	nirgamana	بیرون‌رونده
parā	$\sqrt{}$ gam	paragamana	برگشت
pra	$\sqrt{}$ kr	prakāra	روش
vi	$\sqrt{}$ kr	vikara	تغییر و فساد
sam	$\sqrt{}$ kr	samskara	تزیینات
su	$\sqrt{}$ kr	sukara	آسان

دزدیدن	√ cur	corayati
بستن	√ badh	badhnati
زدن و کشتن	√ han	hanti

تمرین

۱ـ جمله‌های زیر را بفارسی برگردانید

matsyah paśaih badhyante asmabhih gitani giyante sarpena danśyate balah sarpah ca purusaih lagudena hanyate sevakaih annam khadyate aham jalaih vasansi ksalayami aśa balavati rājan āśā jivayati naran puryate salilaih vapi svadeśe pujyate rajā vidvan sarvatra pūjyate budhah sukham duhkham vā na ganayanti pidayanti vasudham khalu nicah palayanti jagatim naravirah dharyate mekhala taya anujñam dehi maya adya eva videśaya gamyate

۲ ـ جمله‌های زیر را بسنسکریت برگردانید

اشخاص بدسرشت و شریر همیشه مردم خوب را شکنجه میدهند بگذار سلاطین ملتشان را محافظت کنند و هنگام احتیاج آنان را یاری دهند مساعدت و نیکی که به‌نادانان کرده شده همه بیهوده است ما درسها را می‌خوانیم و معلم هم آنرا بما یاد میدهد زنها با آب رودخانه لباسهارا می‌شویند دلاورانی که‌برای خیر و خوبی می‌جنگند، همیشه تشویق‌می‌شوند ماهیان با تله گرفته میشوند «راما» با کسب اجازه از پدرش بجنگل رفت تا در آنجا زندگی کند «راما» که شش روز درخانه مانده بود زنش‌را بشهر برد خدمتکاران معمولاً کارها را انجام نمیدهند تا اینکه شما وادار بانجامشان کنید

۵ ـ مرکبات اضافی (Possessive Compound bahuvrihi)

danda-hastah (چوبدست) ، **gata-ayuh** (عمربپایان‌رسیده)، **tapo- dhanah** (ثروت ریاضت)

۶ ـ مرکبات ظرفی (Adverbial Compound avyayibhava)

ati–bhayam (ترس زیاد) ، **anu - dinam** (هرروز) ، **prati-aham** (هرروز)

واژه ها

stena m	دزد	**kumara m**	سرجوان
natakam n	درام	**asrama m**	معبد
murti f	قایق	**sarathi m**	گاریچی
lavanya f	زیبا	**tapovana n**	گوشه‌نشینی
sundari f	زن‌قشنگ	**tira n**	کناره
kami m	مردهرزه	**mahisi f**	ملکه
kamini f	زن	**mrgaya f**	شکار
viyoga n	جدایی	**dhanuh m**	کمان
vivaha m	عروسی	**sakhi f**	رفیق دختر
anguliyaka n	انگشتر	**pranaya m**	عشق
abhuṣana n	زیورآلات	**sisya m**	شاگرد

افعال

pravisati	**pra– √ vis**	داخل شدن
upagacchati	**upa– √ gam**	نزدیک شدن
nivartate	**ni– √ vrt**	بازگشتن
vijahati	**vi – √ ha**	ترک کردن
anusarati	**anu – √ sr**	دنبال کردن

کلمات مرکب Compounds

زبان سنسکریت از زبانهای ترکیبی (Synthetic) است از اینرو مانند زبانهای دیگر هند واروپایی، کلمات مرکب فراوانی دارد ترکیب دو یا چندکلمه را به‌سنسکریت سماسا (Simasa) خوانند در کلمات مرکب علامتهای صرفی (case-endings) فقط به پایان آخرین کلمه ترکیب اضافه میشود

بنابر وضع دو کلمه با یکدیگر ، کلمات مرکب در سنسکریت به شش دسته تقسیم می‌شوند

۱ـ مرکبات جمعی (Copulative Compound dvanda)

sukha- dukhau (خوشی- رنج) ، **ahar–niśam** (روز ـ شب)

Sohrab – Rostamau (سهراب -رستم) ، **mata - pitarau** (مادر-پدر)

۲ـ مرکبات معینه (Determinative Compound tatpuruṣa)

mahi - bharatah (هندوستان بزرگ) ، **aśva-arohi** (سواراسب) ،

praji - palakah (رعیت پرور) ، **raja- putrah** (پسرشاه)

۳ـ مرکبات صفاتی (Adjective Compound karamadharaya)

candra - mukhi (چهره چون ماه) ، **pita - raktah** (زرد ـ قرمز) ،

kanya - ratnam (دختر چون گوهر) ، **megha - śyamah** (ابرسیاه)

۴ـ مرکبات عددی (Numerical Compound dvigu)

daśa – grivam (ده گردن) ، **dvi– cakram** (دوچرخه) ، **panca – lokah** (پنج-طبقه) ، **tri - bhuvanam** (سه-فلك)

چند نمونه از متن های مشهور و مختلف سنسکریت

۱- هیتوپدشا (Hitopadesa)

۲- پنچاتانترا (Pancatantra)

۳- رامایانا (Ramayana)

۴- مهابهاراتا (Mahabhārata)

۵- اپانیشاد (Upanisat)

۶- ریگ ودا (Rigveda)

تمرین

۱ـ جمله‌های زیررا بفارسی برگردانید

Hastınāpurasya Dusyantah namakah raja ekada mrgayayai ratham aruhya gatavan tatra mrgam anusaran sah ekasmın tapovane pravıstah ratham sarathına bahır sthapya sah asrame gatah tatra ca ekām sundarım munı-kanyam apasyat asramasya guruh Kanvah tasmın samaye yatrayai duram gatah atah taya kanyaya nrpasya satkarah krtah Kanvasya tam lavanyamayım du hıtaram drstvā raja moham upagatah kanyayah nama asıt Shakuntala › sa ca ekasyah apsarasah putrı asıt Shakuntala apı pranayam darsıtavatı pranaya—pasa-badhabhyam tabhyam vıvahah krtah raja ca Shakuntalam tatra eva vıhaya nagaram pratı-nıvrttah eṣa katha kavına Kalıdasena Shakuntala namnı natake varnıta

۲ـ جمله‌های زیررا بهسنسکریت برگردانید

«**گئوتاما بودا**»(Gautama Buddha) پسرپادشاهی بود وقتیکه پسر جوانی بود ، پدرش برای او شاهزاده خانم زیبا و موقری را برنی گرفت اسم این خانم «یسودهرا» Yasodhara بود شاه مایل بود که «گئوتاما» شکارو نمایش برود و نقاط زیبای مملکت‌را دیدن کند، اما « گئوتاما » موجود عجیبی بود وخوشیهای زندگی‌را دوست نداشت شبی خانه‌را ترك کرد وبارابستهٔ ازانه‌اش به جنگل ریاضت رفت شاه و ملکه بسیار نگران و غمناك شدند زن او در فراق شوهرش خیلی ناتوان شد وهمیشه گریه میکرد «گئوتاما» درجنگلها و کنار رودخانه‌ها تمرین ریاضت میکرد وقتیکـه حقیقت را دریافت بودا نامیده شد

هیتوپدشا

۱

درسهر سارس « Banarasa » (۱) لباس‌سوی‌بنام « Karpura-pata » (۲) بود وفتی براحتی حوابیده بود پس ار مدتی که گذست ، دردی برای سرقت اسباب وی بحانه او داحل سد درمحوطه منزل وی الاعی در حال‌ایستادن بسته سده وسگی نشسته بود هنگامی که الاع درد را دید سگ را گفت این کار تو است که اکنون باصدای بلند صاحب خانه را ارحواب بیدار کنی (حراحس نمیکنی؟) سگ گفت حرا تو در کارمن مداحله میکنی؟ تو میدانی که من حگونه سبانه‌روز خانه را می‌پایم صاحب من ارمدتها پیش ارمن بیخبر سده، بطوری که فایده مرا نمیداند و حبان بی‌علاقه سده که برای عدا دادن بمن نیز تنبل سده است الاع گفت ای وحسی گوش کن ، کسی که درهنگام کار حواهش کند، حگونه بیسحدمت وحه دوستی است ؟

سگ پاسخ‌داد صاحبی که فقط درهنگام کاراحترام میکند چه‌صاحبی‌است ؟

الاع حسمگین سد وباناراحتی گفت تو بدکاری هستی که بکار صاحب توجه نداری در اینصورت ، من برای بیدار کردن صاحب کوسش می کنم این را گفت با صدای بلند سروع به حیغ کسیدن کرد لباس سوی با فریاد الاع ارحواب پریده ، باراحت‌ایستاد وباحوب الاعرا زد بنابراین‌من‌میگویم « هر که برای استفاده صاحب حود در کاری که حز کار اوست مداحله کند ، بدو آن رسد که به الاع برابر فریادکردن رسید »

---

(۱) «Banarasa» از شهرهای مقدس هندوستان است که در کنار رودخانه گنگ (Ganga) واقع شده وارزمان پیش مرکزعلم وادب بوده وار نظرمطالعات سنسکریت بسیار حالب است

(۲) « Karpura pata» لغة بمعنی « پارحهٔ کافور» است بمعنی لباس‌را چنان پاک می شوید که مانند کافور سفید میشود حزء اول «karpura» بمعنی کافور و حزء دوم « pata » بمعنی پارچه است

Hitopadesha

1

asti Varanasyam[1] Karpurapato nama rajakah sa caikada[2]nirbharam prasuptah tadanantaram dravyani hartum tadgrham caurah pravistah tasya prangane gardabho baddhah tisthati kukkuras'copavistah[3] tam cauramavalokya gardabhah svanamaha 'tava tavadayam vyaparah' , tat kimiti tvamuccaih s'abdam krtva svaminam na jagarayasi? kukkuro brute 'mama niyogasya carca tvaya kim kartavya[4]? tvameva janasi yathahametasya aharnis'am[5] grharaks'am karomi yatah ayam cirannirvrtah mamopayogam na janati, tenadhuna mama aharadane api mandadarah gardabho brute ' s'rnu re barbara

yacate kāryakale yah sa kim bhrtyah sa kim suhrt

kukkuro brute

bhrtyan sambhavayed[6] yastu karyakale sa kim prabhuh

tato gardabhah sakopam aha 'papiyan tvam yat svamikaryopeksam karosi bhavatu, yatha svami jagarti tatha maya kartavyam' ityuktva sa citkarm krtavan tatah rajakah tena citkarena prabuddhah nidravimardakopad[7]utthaya gardabham lagudena tadayamasa[8] ato'ham bravimi

paradhikāra -carcam[9] yah kuryat svamihitecchaya
sa visidati citkarad gardabhah tadito yatha

---

1 varānasi–loc 2 ca–ekadā, Sandhi 3 kukkurah- ca-upa - vistah, Sandhi 4 √kr–tavyat, fem 5 Copulative compound 6 sam – √ bhav, potential , 7 nidra-vimarda-kopad - Sandhi 8 Past-perfect 9 Compound

هیتوپدشا

۲

در جنگل «گئوتام» (Gautama) زاهدی بنام «مهاتاپا» (Mahā-tapa) (۱) بود. زاهد در نزدیك خانقاه خود بچهٔ موشی را که از دهان کلاغ افتاده بود، دید. زاهد بوسیله علف جنگل بچه موش را بپرورد. ولی پیوسته می‌دید که گربه‌ای برای گرفتن موش بدنبال او می‌آمد. بدینجهت بوسیله ریاضت موش را بشکل گربه‌ای درآورد. و چون گربه از سگ می‌ترسید، پس آن گربه را به صورت سگ کرد. وچون سگ از ببر بسیار می‌ترسید، بنابراین سگ را بشکل ببر درآورد. سپس زاهد آن ببر را چون بچه موشی می‌پنداشت. بنابراین وقتی مردم آنجا آن ببر را دیدند گفتند: بوسیله زاهد این ببر از صورت موش بودن بدین شکل درآمده است. وقتی ببر این سخنان را شنید ناراحتی باندیشه فرو رفت. و با خود گفت: تا این زاهد زنده است داستان این امر از میان نخواهد رفت. بنابر این اندیشه برای کشتن زاهد آماده شد. وقتی زاهد اراده ببر را فهمید گفت: دوباره موش شو. سپس ببر موش شد. بنابر این من می‌گویم: «بدکار هرگاه برتری کند، قصد کشتن خداوند خود می‌کند. مانند موش که چون ببر شد به کشتن زاهد اراده کرد.»

---

(۱) (Maha-tapa) این کلمه مرکب از دوجزء است. جزء اول «مها» بمعنی بزرگ، بسیار، و جزء دوم از ریشه tap √ بمعنی ریاضت کشیدن است، مجموعاً بمعنی بسیار ریاضت کش.

Hitopadesha

2

asti Gautamarànye[1] Mahatapa nama munih tenas'rama-sannidhane musika-s'avakah kaka-mukhad bhrastah drstah tatah dayaluna tena munina nivara-kanaih sa samvardhitah[2] tam ca musikam khaditum anudhavan bidalo munina drstah pas'cat tapah prabhavat tena munina musiko bidālah krtah sa bidalah kukkurad[3] bibheti tatah asau kukkurah krtah atha asya vyaghrad mahad bhayam tad anantaram sa vyaghrah krtah atha vyāghramapi musika-nirvis'esam pas'yati munih atah sarve tatrastha janah tam vyaghram drstva vadanti 'anena munina musikah ayam vyāghratam nitah' etat s'rutva sa vyaghrah[4] savyathah acintayat 'yavadanena muninā jivitavyam tavad me akirtikaram akhyanam na palayisyate' iti samalocya munim hantum samudyatah tatah sa munih tasya cikīrsitam[5] gyatva 'punah musiko bhava iti aha tatah sa vyaghrah mūsikah eva krtah atah aham bravimi–

nicah s'laghya-padam prapya[6] svaminam hantumicchati
musiko vyaghratam prapya munim hantum gato yatha

---

1 Gautama-aranye, loc 2 sam- √ vrdh, past-pssive-participle 3 Ablative in case of 'bhaya' 4 vyatha–sahitah, savyathah Compound 5 √ kr-past-passive, desiderative 6 pra – √ āp, gerund

پنچاتانترا

۴

سنگ پشتی بنام «کمبو گریو» (Kambu-griva)(۱) در آبگیری بسر میبرد دوقو بنام «سنکت» (Sankata) (۲) و «ویکت» (Vikata)(۳) با اودوستی تمام داشتند. پس از چندی به علت نیامدن باران آبگیر اندك اندك خشك شد قوها بواسطه ناراحتی سنگ پشت افسرده شده، گفتند: ای دوست ما این آبگیر خشك شد وجز مقداری لجن چیزی در آن نیست وما نگرانیم که تو در اینجا چگونه بسر می بری.

«کمبو گریو» گفت: بندی محکم و چوبی کوچك بیاورید و من میان آن چوب را میگیرم و شمامرا به آبگیر دیگر ببرید. هردو گفتند: خواهیم کرد ولی بشرطی که توساکت و آرام باشی، وگرنه از چوب خواهی افتاد. هنگامی که کار بپایان رسید «کمبو گریو» شهری را دید. مردم شهر که آنها را باهم در هوا می‌دیدند باشگفتی میگفتند: دو پرنده چیز گردی را در آسمان می‌برند. هنگامی که «کمبو گریو» هیاهوی مردم را شنید گفت: این هیاهو از چیست؟ وقتی دهان بدین سخن باز کرد از بالا پائین افتاد ومردم او را یافتند و پاره‌پاره کردند.

(۱) این کلمه مرکب از دو جزء است جزء اول کمبو «Kambu» بمعنی صدف و گوش ماهی است و جزء دوم گریو «griva» بمعنی گردن‌است مجموعاً بمعنی دارنده گردنی مانند صدف

(۲) بمعنی آفت و بلا

(۳) بمعنی ترسناك

PANCHATANTRA

3

asti kasminścit jalaśaye Kambugrivo[1] nama kacchapah tasya Sankata- Vikata namni mitre hamsa–jatiye parama-sneham aśrite atha gacchati[2] kale anavrsti–vaśat tat sarah śanaih śanaih śosam agamat tatah tad–duhkha–duhkhitau tau ucatuh ' bho mitra jambala–śesam etat sarah samjatam tat katham bhavan bhavisyati iti vyakulatvam nau Kambugrivah aha' aniyatam[3] drdha–rajjuh laghu va kastham maya madhya-pradeśe grhite sati yuvām tat kastham maya sahitam samgrhya anyat saro nayatam tau ucatuh bho mitra evam karisyavah param tvaya mauna-vratena bhavyam[5] no cet kasthat tava pato bhavisyati tathanusthite[6] gacchata Kambugrivena kimcid puram alokitam tatra ye paurah[4] te tatha niyamanm tam vilokya savismayam idam ucuh , ' aho cakrakaram kimapi paksibhyam niyate[7]' atha tesam kolahalam akarnya Kambugrivah aha' bho kimesa kolahalah iti vaktumana[8]ardhokte patitah pauraih ca khandaśah krtah ca

---

1 Bahuvrihi compound 2 loc of present participle gacchat
3 a – √ni Imperative 4 mauna-vrata, vow of silence 5 √ bhu-suffix–yat in future sense 6 tatha-anu-sthita, locative
7 √ ni , present participle middle voice 8 vaktum manah yasya , Bahuvrihi compound

مهابهاراتا

فرمان بهیشما(۱)

۴

۱ـ ای پسر «کورو» «Kuru» برای شاه حری بهترومهمتر از راستی بیست بوباید درهر کاری فروتن باشی

۲ـ آن شاه بهترین شاه است که مردمان کشور وی آزاد و بی ترس باشند ، مانند فرزندان درخانه پدر

۳ـ شاه باید پس از آنکه بردشمن پیروزشود، برروح خود چیره گردد او باید کار نیك وبلند همتی را شوق کند وآزمندی وخشم را خوار دارد

۴ـ ای سرور کشور بشنو که سرچشمه بدی چیست ؟ سرچشمه بدی آزمندی است که مانند تمساح همه بدیهارا می بلعد

۵ـ خاودانی و نیستی هردو دربدن آدمی وجود دارد نتیجه شیفتگی دنیا فناء ، ونتیجه حقیقت وراستی بقاءاست

۶ـ منظره ای همچون دانش وجود ندارد ریاضتی مانند راستی نیست هیچ غمگینی مانند وابستگی نیست هیچ خوشحالی مانند کناره گیری ازدنیا نیست

۷ـ راستی مانند خداست راستی ریاضتی است که بوسیله آن میتوان به بهشت رفت دروغ مانند نادانی است وازنادانی هرکس پست شود

۸ـ راستی راز «ودها» و راز راستی ، تسلط برنفس و راز تسلط برنفس، رستگاری ازدنیاست ، این فرمان مقدس است

(۱) بهیشما (Bhısma) در مهابهاراتا مردی بزرگ و دانشمند معروفی است و مانند معلم مقدسی بشمار می آید

MAHABHARATA

Bhısma–anuśasanam

4

1 na hı satyad[1] rte kımcıd rajñam vai sıddhı–karakam
arjavam sarva–karyesu srayethah Kurunandana[2]

2 putra ıva pıturgehe vısaye ysaya manavah
nırbhayah vıcarısyantı sa raja rajasattamah

3 atma jeyassada rajña tato jeyaśca śatravah
dharmarthau[3] pratıgrhnıyāt[4] kama-krodhau ca varjayet

4 papasya yadadhısthanam tat śrnusva naradhıpa
eko lobho mahagraho, lobhat papam pravartate

5 amrtam caıva mrtyuśca dvayam dehe pratısthıtam
mrtyurapadyate mohat satyenapadyate 'mrtam [5]

6 nastı vıdyasamam caksuh nastı satyasamam tapah
nastı ragasamam dukhham nastı tyagasamam sukham

7 satyam brahma tapah satyam svargam satyena gacchatı
anrtam tamaso rupam tamasa nıyate 'hyadhah [6]

8 Vedasyopanısat[7] satyam satyasyopanısaddamah
damasyopanısad moksah etat sarvanuśasanam

---

1 Use of ablatıve ın the sense of-vına 2 Tatpurusa compound, Kurus and Pandavas were cousın brothers 3 Dvanda compound 4 pratı -√ grah , potentıal 3rd person 4 Conceptıon of heaven and hell or ımmortalıty and death 6 hı-adhah , nether worlds, ı e hell 7 upa-nı-√ sad, sıt-together for dıscussıon or secret purposes

رامایانا

۵

۱ـ هنگامی که «راما» (Rama) این سخنان را به «سیتا»ی(۱) زیباوشیرین سخن گفت، سیتا کمی خشمگین شد وسپس بامهربانی به شوهر گفت

۲ـ ای «راما» این سخنان را چرا می گویی؟ زیرا که این سخنان بسیار سبك است ای بهترین آدمی من وقتی اینها را شنیدم خنده‌ام گرفت

۳ـ ای سرور گرامی پدرومادر وشوهر وپسروخواهر (هریك به تنهایی) ازنتیجه کار خود بهره می‌برند وازقسمت خود بهره‌مند میشوند

۴ـ فقط سرنوشت زن است که وابسته به شوهر است، بنابراین ای بهترین آدمی، من اجازه گرفتم که باتو در جنگل زندگی کنم

۵ـ نه پدرو نه پسر ونه‌مادر ونه خود شخص ونه‌دوستان ورفقا ان نه‌در این گیتی و نه پس از مرگ، زن را یاری نمیکنند، فقط شوهر است که برای زن پشتبان است

۶ـ ای «راگهو» (Raghava) (۲) اگر تو امروز بسوی جنگل حرکت کنی، من پیش از تو میروم وخار وعلف را باپای خود خرد میکنم

---

(۱) «سیتا» Sita زن «راما» بود برای سرگذشت آنان نگاه کنید به صفحه ۱۸ـ۱۹ همین کتاب

(۲) راگهو (Raghava) یعنی فرزند راگهو (Raghu) است که پدر پدربزرگ «راما» ومرد بزرگی بود پس ازاوفرزندان و وادگان اورا راگهو (Raghava) خواندند بنابراین راگهو همان «راما» است.

RAMAYANA

5

1 evam ukta tu Vaidehi priyarha priyavadini
pranayad eva samkruddha bhartaram idamabravit

2 kimidam bhasase Rama vakyam laghutaya dhruvam
tvaya yad apahasyam me śrutva naravarottama

3 arya–putra pita mata bhrata putrah tatha snusa
svani punyani bhuñjana svam svam bhagyam upasate

4 bhartuh bhagyam tu naryeka prapnoti purusarsabha
ataścaivaham adista vane vastavyam ityapi

5 na pita natmajo natma na mata na sakhijanah
iha pretya ca narinam patireko gatih sada

6 yadi tvam prasthito durgam vanam adyaiva Raghava
agrataste gamisyami mrdnanti kusakantakan

---

1 Daughter of Videha, king of Mithila, who was famous by name of Janaka 2 naravara–uttama, voc 3 purusa–rsabha, voc 4 atah–ca-eva-aham, sandhi 5 Present participle fem from √ mrd to crush

گفتارهای نیك

۹

۱ـ یك سخن خوب بهتر از صد سخن نادان است چنانکه یك ماه روشن (در آسمان) تاریکی را از میان می‌برد در حالی که یك گروه ستارگان توانای این کار نیستند

۲ـ پدر ومادری که فرزند خود را وادار به یاد گرفتن دانش نمی کنند، دشمن او هستند چه چنین فرزندی مانند ماهیخواری است درمیان دسته‌ای قو

۳ـ دانش و پادشاهی را برابر نسنجند زیرا شاه در کشور خود پرستیده می‌شود ولی دانشمند در همه گیتی مورد پرستش است

۴ـ خورشید در هنگام بر آمدن و فرو رفتن قرمزرنگ است مانند مرد بزرگ که در هنگام شادی و اندوه یکسان است

۵ـ رودخانه‌ها از آب خود نمی‌نوشند و درختان از میوهٔ خود نمی‌خورند ابرها برای خود نمی‌بارند، همچنانکه شادی مردم بزرگ برای بهره بردن دیگران است

۶ـ خوشبخت اگر نگاهداری هم نشود زنده می‌ماند، ولی بدبخت اگر هم محافظت شود باز می‌میرد چنانکه بی‌پناه خوشبختی در جنگل تنها بسر می‌برد ولی بدبخت در خانه خود باهزار کوشش از میان میرود

۷ـ کسانی که سواد وریاضت کشی وبخشش و دانش واخلاق و خوبی و دین ندارند مانند بارهایی برروی زمین یاحیوانهایی در لباس آدمی هستند

Subhasıtanı

5

1 varam ekah gunı putrah na ca murkha–satanyapı
ekas'candrah tamo hantı na ca tarɿganopı ca

2 matɿ s'atru pıta vaırı yena bɿlo na pɿthıtah[1]
na s'obhate sabhɿmadhye hansa-madhye bako yatha

3 vıdvatvam[2] ca nrpatvam cɿ naıva tulyam kadɿcanɿ
svades'e pujyate rajɿ vıdvɿn sɿrvatra pujyate

4 udetı savıtɿ tɿmrah tɿmra evɿstɿmetı ca
sampattau ca vıpattau ca mahatam ekaı upata

5 pıbantı nadyah svayɿmeva nɿmbhah
svɿyam na khadantı phalɿnı vrksɿh
dhɿıadharo vɿrsatı nɿtma–hetoh
paropakarɿya satɿm vıbhutayɿh

6 araksıtam tısthatı daıvɿ–ıaksıtam
suraksıtam daıvahatan vınɿs'yatı
jıvatyanatho'pı[3] vɿne vısarjıtah
kıtɿ–prayatno'pı grhe na jıvatı

7 yesɿm na vıdyɿ nɿ tɿpo nɿ danam
gñɿnɿm na s'ılam na guno na dharmɿh
te mrtyuloke bhuvı-bhɿrabhutɿh
manusya–rupena mrgɿs'caıantı

1 Causatıve form –Past Partıcıple from √ path 2 Suffıx-tva ıs used ın abstract sense 3 jıvatı – anathah - apı, sandhı
4 mrgah–carantı

اوپانیشاد

۷

پند برای شاگردان(۱)

پس از اینکه استاد درس «ودا» را بپایان رساند شاگردان را چنین پند داد: راست بگو. از روی دین زندگانی کن. از مطالعه روی گردان مباش. از راستی سر مپیچ. از دین روی گردان مباش. از کار مفید روی مگردان. به آورندگان بدی مکن. در کار خدا و بزرگان غفلت مکن. مادر را مانند خدا ستایش کن. پدر را مانند خدا ستایش کن. استاد را مانند خدا ستایش کن. مهمان را مانند خدا ستایش کن. همیشه کارهای خوب انجام ده و جز این کارها مکن. هرچیز را می‌بخشی از روی ایمان به بخش و بدون ایمان مبخش. هرچه بخشی بسزای آنرا بخش. باشرم‌وحیا به بخش. بااحساس‌مسؤولیت به‌بخش. با میل طبیعی به بخش.

این فرمان است. این پند است. این خلاصه «ودا» و «اوپانیشاد» است. این دستور است. اینگونه زندگی کن.

(۱) در گذشته هرگاه دانشجویی در آموزشگاهی درس را بپایان می‌رساند، استاد بزرگ این پندها را باو میداد. این قسمت از «اوپانیشاد تیتّری» (Taittiriya-upanisad) گرفته شده است.

Upanisad Anuśasanam

7

Vedamanucya – acaryah[1] antevasinamanuśasti[2] satyam vada Dharmam cara svadhyayanma pramadah satyanna pramadita – vyam dharmanna pramaditavyam kuśalanna pramaditavyam bhutyai na pramaditavyam Deva–pitr–karyabhyam na pramadi- tavyam matrdevo[3] bhava pitrdevo bhava acaryadevo bhava atithidevo bhava

yanyavadyani[4] karmani tani sevitavyani no itarani

śraddhaya deyam aśraddhaya'deyam, śriya deyam, hriya deyam samvida deyam

eṣa adeśah eṣa upadeśah eṣa Vedopaniṣat [5] etad anuśasanam evamupasitavyam

---

1 acaram grahayati yah, (one who imparts traning in conduct) derived from a - \ car 2 anu– \ śas to impart instructions, anuśasanam is comparable to Convocation address 3 mata devata yasya, matrdevah 4 avadya (faulty), anavadya (flawless)

5 Vedanām Upanisat, secret of Vedas

ریگ‌ودا

۸

۱

من خدای‌آتش، موبد خانوادگی، الههٔ قربانی، بخشندهٔ بزرگ، باری کننده مهربان - **آگنی** (Agni)- را سپاس می‌کنم

۲

راهدان و پارسایان گذشته و اکنون **آگنی** را مورد پرستش قرار داده و میدهند امیدوارم او خدایان را بدین (جایگاه قربانی) راهنمائی کند

۳

بطرز خوب و مهربان **آگنی** ممکن است باعث ثروت وخوشبختی همیشه مردمان سود وآنان را بشکوه ومقام قهرمانی برساند

۴

ای **آگنی** بشکن‌ها و قربانیهائی که از هر مکان بتو میرسد عینا بخدایان دیگر میرسد

۵

ای آگنی- الههٔ مهربانی و دانش و بینش و راستی و درستی که شهرت بسیار داری-ممکن است با خدایان دیگر در اینجا (جایگاه قربانی) حضور یابید

---

(۱) آگنی(Agni)بعدازاندرا (Indra) درادبیات ودا خدای دوم است، واهمیت او درودا بسیار است

RIGVEDA

(agnisūktam)

1 Agnim ile[1] purohitam
yajñasya5 devam rtvijam[2]
hotaram ratnadhatamam

2 Agnih purvebhih rsibhih[3]
idyah nutanaih uta,
sa devan eha[4] vaksati

3 Agnina rayim asnavat
posam eva dive dive,
yasasam viravattamam

4 Agne yam yajñam adhvaram
visvatah paribhuh asi
sah it devesu gacchati

5 Agnih hota kavi-kratuh
satyah citrasravastamah
devah devebhih a gamat[5]

---

1 l and d are pronounced alike in Veda 2 hota and rtvig are two priests 3 rsih is one who knows the secret of mantras 4 eha, a-iha, the particle a will be joined with verb vaksati, this is a Vedic peculiarity where interrupted prefix qualifies the verb 5 Vedic subjunctive mood

الفبای «دوناگری» (Devanagari) که در چاپ کتابها مورد استفاده است (۱)

अ a	आ ā	इ i	ई ī	उ u	ऊ ū
ऋ ṛ	ॠ ṝ	ऌ ḷ			
ए e	ऐ ai	ओ o	औ au		

क k	ख kh	ग g	घ gh	ङ ṅ	
च c	छ ch	ज j	झ jh	ञ ñ	
ट ṭ	ठ ṭh	ड ḍ	ढ ḍh	ण ṇ	
त t	थ th	द d	ध dh	न n	
प p	फ ph	ब b	भ bh	म m	
य y	र r	ल l	व v		
श ś	ष ṣ	स s			ह h

نشانه های حروف صدادار و ترکیب آنها با حرف بی‌صدای «ک»

—	ा	ि	ी	ु	ू	ृ	ॄ	ॢ
क	का	कि	की	कु	कू	कृ	कॄ	कॢ
े	ै	ो	ौ	ं ṃ	ः ḥ			
के	कै	को	कौ	कं	कः			

---

(۱) برای تلفظ این حروف نگاه کنید به صفحه ۳۰ و ۳۱ از کتاب حاضر

حط دوناگری

درست روس بیست که هنر نوسس ار چه رمان در هندوستان آعار سده اسب ولی بودن بمدن وادبیات ودایی وسابه‌های حروف صدا دار وبی‌صدا در «ودا» بسان میدهد که در آن رمان هنر نوسس در هندوستان آعار سده بود البته منابع قدیمی نسان میدهد که در آعار الفبای براهمی (Brahmi) رواج داسته است ومعتقد بودند که این حط مستقیما اردهان‌حدای بنام براهما (Brahma) رسیده‌است همینطوردرباره کتیبه «اسوك» ساه (Asoka) حنین گفته سده‌است ارحط «براهمی» حط «دوناگری» گرفته سد که حط با ر ان حدابان و بجهای سهرهاداسته سده‌است این حط درهندوستان ر شه‌حطهای دیگرسد ولی در جنوب هندوستان حط «دراویدی»ها ار این حط گرفته بشده و باحط «دوناگری» تفاوت دارد حط سنسکریت و هندی هردو بك طور نوشته می سود حط «دوناگری» دارای این ویژگی است که تمام صداهای ملفوط بسانه‌ای در حط دارد وهر حه گفته مسود میتوان با آن حط عینا نوست تمام حروف صدادار و بی صدا برطبق اصول صدا سناسی بوجود آمده و بعضی بسانه ها هم ار حط «دراوید» ها گرفته سده‌است

در این قسمت تنها نمونه حروفی که‌درنوشتن‌بادست وحروفی که در چاپ بکارمیرود، آورده سده است

ترکیب «ک» با حرف صدا دار برای نمونه

अ	—	क	k + a ka
आ	ा	का	k + ı = ka
इ	ि	कि	k + ı kı
ई	ी	की	k + ı kı
उ	ु	कु	k + u = ku
ऊ	ू	कू	k + u ku
ऋ	ृ	कृ	k + r = kr
ए	े	के	k + e ke
ऐ	ै	कै	k + aı = kaı
ओ	ो	को	k + o = ko
औ	ौ	कौ	k + au = kau
अं	ं	कं	k + am = kam
अ:	:	क:	k + ah = kah

الفبای «دوناگری» که برای دستنویسی بکار میرود

अ आ इ ई

उ ऊ ऋ ॠ

ए ऐ ओ औ

अ अ.

क ख ग घ ङ

च छ ज झ ञ

ट ठ ड ढ़ ण

त थ द ध न

प फ ब भ म

य र ल व

श ष स ह

برای نمونه‌کلماتی چند از سنسکریت را در زیر می‌آوریم

अत्र	आकाश	खर
नख	एक	कपोत
माता	जानु	बाहू
बाला	केश	सप्त
घर्म	अष्ट	पाचक
ईरान	शीराज़	हमादान

رقمها درخط «دوناگری»

१	२	३	४	५
۱	۲	۳	۴	۵
६	७	८	९	०
۶	۷	۸	۹	۰

حروف بی صدا که شامل حروف بزرگ و کوچک است

بزرگ	کوچک		بزرگ	کوچک	
क	क्	k	ग	ग्	g
च	च्	c	ज	ज्	j
त	त्	t	न	न्	n
प	प्	p	ब	ब्	b
भ	भ्	bh	म	म्	m
य	य्	y	र	ल्	l
व	व्	v	श	श्	s
ष	ष्	s	स	स्	s

قسمت زیر یک فرم جداگانه و مخصوصی است

क् - ष	=	क्ष	k+ṣ=kṣ	
त् - र	=	त्र	t+r=tr	
ज् - न	=	ज्ञ	j+ñ g+y	= jñ = gy

برای نمونه جمله‌های چند خط سنسکریت (دوناگری) در زیر داده میشود

ईरान आर्याणा देश । अस्य देशस्य
अतीतं अति गौरवमयं आसीत् ।
पुरा अत्र बहव वीरा राजान
राज्य अकुर्वन् । महात्मा जरथुश्त
अत्र एव ज्ञान- ज्योति ज्वालयामास ।
अनेके कविभि अत्र मधुराणि
काव्यानि रचितानि । ईरान- वासिन
काव्य- विनोदिन रसिका च सन्ति ।
अद्यापि ते कवीना आदर कुर्वन्ति ।
अस्य देशस्य भविष्यं उज्वल अस्ति ।

برای نمونه جمله‌هایی چند بخط سنسکریت (دوناگری) داده میشود

नमस्ते । — **namaste**

(سلام بر تو)

त्वं कुत्र गच्छसि ? — **tvam kutra gacchası ?**

(تو کجا میروی)

किं ते नाम ? — **kım te nama?**

(نام تو چیست ؟)

त्वं कस्यां कक्षायां पठसि ? — **tvam kasyam kakṣayam pathası ?**

(تو در چه کلاسی درس میخوانی؟)

अस्य नगरस्य किं अभिधानम् ? — **asya nagarasya kım abhıdhanam ?**

(نام این شهر چیست؟)

अपि भवान् कुशली अस्ति ? — **apı bhavan kuśalı astı ?**

(حال شما خوب است؟)

तव कति भ्रातरः सन्ति ? — **tava katı bhratarah santı ?**

(چند برادر داری؟)

अनुज्ञां देहि अधुना गृहं गच्छाम । — *anujnam dehı adhuna grham* **gacchamah**

(اجازه بده اکنون بخانه برویم)

نمونه‌ای از «هیتوپدسا» و «ریگ ودا» به‌خط سنسکریت (دوناگری(۱))

अस्ति गौतमारण्ये महातपा नाम मुनिः । तेनाश्रमसंनिधाने मूषिकशावकः काकमुखाद्भ्रष्टो दृष्टः । ततो दयालुना तेन मुनिना नीवारकणैः स संवर्धित । त च मूषिक खादितुमनुधावन्बिडालो मुनिना दृष्टः । पश्चात्तप प्रभावात्तेन मुनिना मूषिको बलिष्ठो बिडालः कृतः ।स बिडालः कुक्कुराद्बिभेति। ततोऽसौ कुक्कुरः कृतः। कुक्कुरस्य व्याघ्रान्महद्भयम्। तदनन्तरं स व्याघ्रः कृतः । अथ व्याघ्रमपि तं मूषिकनिर्विशेष पश्यति मुनिः । अतः सर्वे तत्रस्था जनास्तं व्याघ्र दृष्ट्वा वदन्ति । अनेन मुनिना मूषिकोऽय व्याघ्रता नीत । एतच्छ्रुत्वा स व्याघ्र सव्यथोऽचिन्तयत् । यावदनेन मुनिना जीवितव्य तावदिद मम स्वरूपाख्यानमकीर्तिकर न पलायिष्यते। इति समालोच्य मुनि हन्तुं समुद्यत । ततो मुनिना तस्य चिकीर्षित ज्ञात्वा पुनर्मूषिको भवेत्युक्त्वा मूषिक एव कृतः। अतोऽहं ब्रवीमि ।

नीचः श्लाघ्यपद प्राप्य स्वामिन लोप्तुमिच्छति ।
मूषिको व्याघ्रता प्राप्य मुनि हन्तु गतो यथा ॥

---

(۱) برای ترجمه فارسی و برگردانده شده این قسمت به لاتین نگاه کنید به صفحهٔ ۹۶ و ۹۷ از کتاب حاضر

Transliteration

Iranah aryanam deśah asya deśasya atitam ati gaurava-mayam asit pura atra bahavah virah rajanah rajyam akurvan Mahatma Jarthuśtah atra eva gñana-jyotim jvalayamasa anekaih kavibhih atra madhurani kavyani racitani Iran-vasinah kavya-vinodinah rasikah ca santi adyapi te kavinam adaram kurvanti asya deśasya bhavisyam ujvalam asti

ترجمهٔ فارسی

ایران کشور آریاهاست گذشته این کشور بسیار درخشان است در زمان پیشین شاهان دلیر و بسیار در اینجا پادشاهی کردند زردشت بزرگ اندیشه در اینجا مشعل علم برافروخت در این کشور بوسیله شاعران ، شعرهای شیرین ساخته شده است مردم ایران شعر دوست و دارای ذوق زیبا شناسی هستند حتی امروز هم شاعران خود را گرامی میدارند آینده این کشور بسیار درخشان است

واژه نامهٔ سنسکریت ـ فارسی

(۱)RIGVEDA 1 1

अग्निमीळे पुरोहित यज्ञस्य देवमृत्विजम् ।
होतार रत्नधातमम् ॥१॥
अग्नि पूर्वेभिर्ऋषिभिरीड्यो नूतनैरुत ।
स देवाँ एह वक्षति ॥२॥
अग्निना रयिमश्नवत्पोषमेव दिवे दिवे ।
यशसं वीरवत्तमम् ॥३॥
अग्ने य यज्ञमध्वर् विश्वतः परिभूरसि ।
स इद्देवेषु गच्छति ॥४॥
अग्निर्होता कविक्रतुः सत्यश्चित्रश्रवस्तमः ।

देवो देवेभिरा गमत् ॥५॥

(۱) برای ترجمه فارسی و برگردانده شدهٔ این قسمت به لاتین، نگاه کنید به صفحه ۱۰۸ و ۱۰۹ از کتاب حاضر

سنسکریت	فارسی
adhıpatı m	صاحب-مالك
adhuna adv	اکنون
adhvara m	مراسم دینی
anantaram adv	سپس
anavṛṣtıh f	بی‌باران-خشکسالی
anu adv	پشت (پیساوند)
anukula a	موافق
anumatı f	اجازه
anumana m	اندازه
anṛta m	دروغ
aneka a	چند-چندین
anta m	پایان
anuśasana n	نظم وترس
antıka adv	نزدیك
antevāsın m	شاگرد
antarıksa n	افق
andha m	کور
andha-kāra m	تاریکی
anna n	غذا
anyat adv	دیگر
anyatra adv	جای دیگر
anyatha adv	وگرنه

سنسکریت	فارسی
akṣa m	قمار
akṣata part,	ناسالم ـ مجروح
agnı m	آتش
agra n	روبرو ـ جلو
anga	اندام
angulıyaka n	انگشت
atah adv	پس ـ بنابراین
atı adv	بسیار
atra adv	اینجا
atha adv	پس از این
athava adv	یا
Atharva–veda m	(اترو ـ ودای چهارم ودا)
adas pron (asau)	آن
adya adv	امروز
adharma m	نامقدس
adhas adv	پایین
adhastat adv	پایین
adhı adv	بر ـ بالا (پیشاوند)
adhıka a	بسیار ـ زیاد
adhıkaranıka m	قاضی دادگستری
adhıkāra m	حق ـ ادعا

سنسکریت	فارسی
asta num	هشت
astama num	هشتم
astadasa num	هجده
asatya n	دروغ
asambhava a	ناممکن
asi m	شمشیر
asura m	دیو
asta a	غروب
asthi n	استخوان
asmat pro	ما_مال‌ما
aham pron	من
aharnisa n	شب وروز
ahita a	مضر
aho int	ای(حرف‌ندا)_آه_آخ
ahoratra n	شب‌وروز
a adv	دوروبزدیك (پیشاوند)
akara m	شکل - صورت
akasa n	آسمان (درودا مذکر آمده)
akarşana n	جاذب
akheta n	صید_نخجیر_شکار
agama m	کتاب مقدس
agamana m	ورود

سنسکریت	فارسی
ap f (pl) apah	آب
api adv	نیز ـ هم
apara pron	دیگر
apsaras f	پری
abhaya n	ناترس
abhi adv	روبرو (پیشاوند)
abhyāsa m	تمرین
amrta n, adj	آب حیات
amba f	مادر
amla n	ترش
aranyam n	جنگل
ari m	دشمن
artha m	ثروت ـ معنی
ardha n	نصف
alam adv	کافی
ali m	زنبور
ava adv	پایین (پیشاوند)
avaśyam adv	حتمی ـ حتماً
avastha f	حالت
aśiti num	هشتاد
aśru n	اشک
aśva m	اسب

سنسکریت	فارسی
asana n	مسند
asvadu n	بی‌مزه
aharana n	ربودن-دزدیدن-بردن
ahara n	خوراک- غذا
ahutı f	قربانی-سوزاندن روغن‌وبخور درهنگام انجام مراسم دینی
ıcchā f	میل
ıtarat pro	دیگر
ıtas adv	ازاینجا
ıtı adv	پایان
ıttham adv	چنین
ıdam pro	این
ındu m	ماه
Indra m	ایندرا (خدای باران)
ıyam f	این (دختر)
Iva adv	مثل-مانند
√ ıs	خواستن
ısu m	تیر
ıha adv	اینجا
√ ıd v	ستودن
ıśvara m	خدا-خداوند
ut adv	بالا (پیشاوند)
uttara n	پاسخ-شمال

سنسکریت	فارسی
acara m	احلاق
acarya m	پیر ـ مرسد
ajña f	اجاره
atman m	روح
ādı m	آغار ـ سروع
adıtya m	آفتاب
adeśa m	دسىور
√ap	بدست آوردن ـ حاصل کردن
apad f	آفت ـ بلا
apana m	دکان ـ معاره
abhūṣana n	ر‌یور آلات
amra m	امبه
ayata a	پهناور ـ وسیع
ayuṣ m	سن
arjava n	فروتنی
aloka m	روشنی
alokrta p pf	روشن
avam pro	هردوما
aśā f	امید
aśu a	رود
aśrama m	حانقاه
aśrita p pf	پناهنده

سنسکریت	فارسی
rkṣa m	خرس
rgveda m	رگ ودا (نخستین کتاب ودا)
rta m	راستی (درودا)
rc f	سرود دینی
rna n	قرض
rsi m	اهل نظر
eka num	یك
ekada adv	یکبار - یکمرتبه
ekādasa num	یازده
etad pro	این
eva adv	تنها
evam adv	چنین
oja m	قوت
odana n	حلو
ostha m	لب
ausadha n	دوا
kah pro	کی
kankana n	دست‌بند
kaca m	شیشه
kacchapa m	سنگ پشت
kata m	بادری-حصیر
katu m	ملح

سنسكريت	فارسى
ut √ srıj v	ترك كردن-رها كردن
uttarıya m	شال
udadhı m	دريا
uddesya m	مقصود
udaya m	طلوع
udyana m	باغ
udyoga m	كوشش-صنايع دستى
udyogın m	كوشان
unmatta m	مست
upa adv	معاون (مشاوند)
upadesa m	پند
upanayana n	كشتى(رسم دينى هندويان)
upanisat f	اوپانيشاد (كتاب هنديان باستان)
upapanna p pf	آماده-حاضر شده
Upabhoga m	خوشى-لذت
upayoga m	استعمال
upavana n	باغ
upanah f	كفش
ubha a	دو
uru a	ران
usas f	شفق
uṣtra m	شتر

سنسکریت	فارسی
kartr m	کننده
karman m	عمل
kalaha m	نزاع
kala f	هنر
kalyana n	بهبودی
kalusa n	کثیف
kavı m	شاعر
kavıta f	شعر-نظم
kaka m	کلاغ-زاغ
kana m	یک‌چشم - کور از یک‌چشم
kantı f	نور
kama m	هوی‌وهوس
kamın m	شهوانی
kamını f	زن زیبا
karana n	علت
kaya m	بدن
karya n	کار
karyalaya	اداره
kala m	وقت
Kalıdasa m	کالیداسا (یکی از بزرگترین شاعران زبان سنسکریت)
kavya m	دیوان شعر
kastha n	چوب

فارسی	سنسکریت
سخت	kathora n
قطره	kana n
خار	kantaka m
گلو	kantha m
کدام	katarat adv
چگونه - چطور	katham adv
داستان	kathā f
گفتن	√ kathay v
کی	kada adv
هنگامی - شاید	kıdıcıt adv
شاید	kadacana adv
کوچکتر	kanıştha a
کوچک	kanıyas a
دختر	kanyı f
کندرپا (رب‌النوع عشق)	Kandarpa m
میمون	kapı m
کبوتر	kapota m
کملا (رب‌النوع ثروت)	Kamala f
لرزیدن	√ kamp v
دست	kara m
فیل	karın m
گوش	karna m

سنسکریت	فارسی
krṣaka m	کشاورز
krṣı f	کشاورزی ـ زراعت
krsna a	سیاه
Krsna (Prop N) m	کرسنا (یکی ازخدایان هندی)
ketu m	درفش
keyura n	بازوبند
kesa m	گیسو
kopa m	خشم
kolahala m	پرسروصدا
komala n	ملایم ـ نازك
kovıda m	دانشمند
kosa m	گنج
√ krı v	خریدن
√ krıd v	بازی کردن
krıda f	بازی
√ krudh v	خشمگین شدن
krodha m	خشم
kva adv	کجا
ksana m	لحظه
ksatrıya m	نگهبانان مملکتی ـ جنگجویان (طبقهٔ دوم از چهار طبقه درهند قدیم)
ksama f	پوزش ـ عذر

سنسکریت	فارسی
kım n	کی
kıta m	ىحسندگی
kırtı f	سهرت
kırtımat m	معروف
kukkuta m	حروس
kutah adv	ار کحا
kutra adv	کحا
kutı f	کلبه
√ kup v	حسمگین‌سدن-عصبانی سدن
kumara m	ىسر محرد
kumarı f	دوسیره
kumbhakara m	کوره گر
kuśala a	سلامت
kundala n	گوسواره
kupa m	حاه
kuta	فله کوه
√ kr v	گردن
krpana m	بحیل
krpa f	مرحمت
krśa m	ناتوان-لاغر
√ krś v	کسیدن

سنسکریت	فارسی
\ gam v	روش
garıyas m	سنگین
gardabha m	خر
gandha m	بو
garutmat m	شاهین ـ عقاب
gatra n	تن ـ بدن
gatha f	داستان
gır f	سخن
gırı m	کوه
gıta f	سرود
guna m	صفت
gunın m	دارنده‌صفات متعدد
guru m	پیر ـ مرشد
guha f	غار
grha	خانه
gopa m	گاوبان
go m	گاو
godhūma n	گندم
grantha m	کتاب
\ grah v	گرفتن
grama m	ده
grasa m	گیاه ـ لقمه

سنسکریت	فارسی
√ ksal v	شستن
√ ksip v	پرت کردن-افگندن
ksira n	شیر (خوردنی)
ksudra n	کوچک-پست
ksudha f	گرسنگی
ksetra n	میدان-مزرعه
ksobha m	آشفتگی-اضطراب
khaga m	پرنده
khanja m	لنگ
khandasah a	پاره پاره-تکه تکه
√ khan v	کندن
khara m	خر
kharjura m	خرما
khilvat m	کچل
khyata n	معروف
√ khad v	خوردن
Ganga f	گنگ (نام رودخانه مقدس)
gaja m	فیل
√ gana v	شمردن
ganana f	شماره
gati f	خرامیدن
gabhira n	گود

سنسکریت	فارسی
cıkıtsa f	درمان–معالجه
cıtıtsaka m	پزشك
cıtta n	فکر
cıtra n	تصویر
cıtrakara m	نقاش
cınta f	اضطراب
cıtkara m	فریاد–جیغ
√ cur v	دزدیدن
caura m	دزد
chatra n	چتر
chaya f	سایه
√ chıd v	سوراخ کردن–بریدن
jagat n	جهان
√ jan n	زائیدن–آوردن
jana m	انسان
janaka m	پدر
jananı f	مادر
jambala m	گل
jangala n	جنگل
janman	تولد
jaya m	فتح
jara f	پیری

سنسکریت	فارسی
ghata m	کوره ـ سبو
ghatana f	پیش‌آمد ـ حادثه
ghatıka f	گهیکا(برابر با ۲۴ دقیقه)
ghrta m	روغن حیوانی
ca conj	و
cakra n	چرخ
caksus n	چهار
caturtha a	چهارم
caturdaśa num	چهارده
catuspada a	جانور ـ چهارپا
catvarımśat num	چهل
candra m	ماه
candramas m	ماه
\ car v	چریدن‌ـ‌جریدن
cara m	پیك‌ـ‌قاصد‌ـ‌جاسوس
carana m	پا
carıta n	شرح حال
carıtra n	اخلاق
carman n	چرم
cataka m	نوعی از پرندگان
caru a	زیبا
cıram adv	دیر

سنسکریت	فارسی
tatra adv	آنجا
tatha adv	آنطور
tad pron	آن
tada adv	در آن هنگام
١ tap v	ریاضت کشیدن
tapas n	ریاضت
tapasvin m	ریاضت کش
tapovana n	جنگل ـ ریاضت
tamas n	تاریکی
taru m	درخت
tarhi adv	پس
١ tad v	زدن
tata m	عزیز ـ پدر
tadrs a	مانند آن
taraka m	ستاره
tavat adv	تا آنوقت
tikta n	تند
tilaka m	خال
tira n	بر ـ کرانه
tirtha n	زیارتگاه
tula f	ترازو
tusnim adv	خاموش

سنسکریت	فارسی
jala n	آب
jalaśaya n	آبگیر
√ jagr v	بیدار شدن
jagarana n	بیداری
jati f	طبقه مردم
jamatr m	داماد
jala n	نور
√ ji v	بردن ـ پیروز شدن
jihva f	زبان
√ jiv v	زنده بودن ـ زیستن
jivana n	زندگانی
jivita n	زنده
√ jña v	دانستن
jñana n	علم
jyayas a	بزرگ
jyestha a	بزرگترین
jyotisa n	علم نجوم
jyotis n	نور ـ روشنائی
jvara m	تب
tadaga m	آبگیر ـ آبدان
tandula m	برنج
tatas adv	از آنجا

سنسکریت	فارسی
√ da v	دادن
datr m	دهنده
dana n	بخشش
danava m	کمان
danta m	دلیر
dasa m	بشخدمت
dasi f	کلمت
dik f	سوی-طرف
dina n	روز
divasa m	روز
dirgha a	دراز-طویل
dukkha n	غم
dugdha n	شیر (خوردنی)
durga m	قلعه
duratman m	بدجنس
durjana m	بدجنس
durdasa f	بدبختی
durlabha a	کمیاب-نادر
√ duh v	دوشیدن
duhitr f	دختر
duta m	پیک-قاصد
√ drs v (pasya)	دیدن

سنسکریت	فارسی
√ tr v	شنا کردن
trtiya	سوم
trsna f	تشنگی
te pro	ایشان
torana m	دروازه شهر
tau pro	هردو ایشان
trayodaśa num	سیزده
trasa n	ترس
tri num	سه
trimśat num	سی
tvam pron	تو

---

dakṣa m	باهوش
daksina a	جنوب ـ راست
danda m	عصا ـ مجازات
danta m	دندان
daya f	لطف ـ مرحمت
daridra a	فقیر
darpana n	آینه
darśana n	جلوه ـ ظهور
daśa num	ده
daśama a	دهم
√ dah v	سوزاندن

سنسکریت	فارسی
dhanya n	غله
dharadhara m	ابر
√ dhav v	دویدن
dhı f	عقل-دانش
dhımat a	دانا
dhıra m	باحوصله
√ dhr v	نوشیدن
dhenu f	گاو
dhaırya n	صبر
√′ dhya v	اندیشیدن
dhruva n	حتمی-حتم

سنسکریت	فارسی
na adv	نه
naksatra n	ستاره
nakha m ، n	ناخن
nagara n	شهر
nagarı f	شهر
nadı f	رودخانه
naptr m	نوه
nabha n	آسمان
√ nam v	تعظیم کردن- خم شدن
nara m	نر
nayana n	چشم

سسکریت	فارسی
deva m	رب‌النوع
devata f	رب‌النوع
deśa m	کسور
devı f	رب‌النوع
drdha m	محکم-قوی
daıva n	بحت
doṣa m	بقصر
dıavya n	بول
dvara m	دو
dvı num	در
dvıja m	برهمن
dvıtıya a	دوم
dvıpad m	جانور (دوپا)

---

dhana n	بروت
dhanavat m	برومند
dhanın m	برومند
dhanus n	کمان
dhara f	زمین
dharma m	دین
dhavala a	سفید
√ dha v	گرفتن- پوسیدن
dhatr f	پرستار

فارسی	سنسکریت
روشن	nirmala a
بردن	√ ni v
پست	nica m
روش	niti f
در حال بردن	niyamana pr pl
آبی	nila a
غله خودروی	nivara m
حتما	nunam adv
نو	nutana a
رقصیدن	√ nrt v
رقص	nrtya n
شاه	nrpa m
شاه	nrpati m
پیشوا_رهنما	netr m
چشم	netra n
قایق	nau f
انصاف	nyaya m
درست_منصفانه	nyayya a

فارسی	سنسکریت
بال	paksa m
پرنده	paksin m
گل	panka n

سنسکریت	فارسی
naraka m	دوزخ
naradhipa m	پادشاه
nava a	نو
nava num	نه (۹)
navati num	نود (۹۰)
navadaśa num	نوزده (۱۹)
navama a	نهم
navina a	نو - نوین
√ naś v	خراب شدن
naga m	مار - فیل
nataka n	نمایشنامه
napita m	سلمانی-سرتراش
naman n	نام - اسم
nari f	زن
naśa m	خراب کردن
nitya a	همیشه
√ nind v	بدگویی کردن
nipuna n	باهوش
niyoga m	دستور - حکم
nirjhara m	آبشار
nirdaya a	ستمگر
nirbhara n	نیازمندی بکسی

سنسکریت	فارسی
paramarśa m	رای
paıṣad f	مجلس
parvata m	کوه
pavana m	باد
pıśu m	حیوان
paścat adv	بعدا
√ pa v (pıb)	نوشیدن
√ pa v	نگاهداری کردن
pacıka m	آسر
patha m	درس
patra m	ظرف، با استعداد
pada m	پا
papa n	گناه
palana n	پرورش دادن
paśa m	تور
pasana m	سنگ
pıka m	کوکو (نام پرنده‌ایست)
pıtr m	پدر
√ pıd v	آزار رساندن
pıda f	آزار
punya n	ثواب
putra m	پسر

سنسکریت	فارسی
√ pac v	پختن
pañca num	پنج(۵)
pañcatva n	درگذشتن ـ فوت کردن
pañcama a	پنجم
pañcadaśa num	پانزده(۱۵)
pañcaśat num	پنجاه(۵۰)
√ path v	خواندن
pandıta m	دانشمند
√ pat v	افتادن
patı m	صاحب ـ مالك ـ شوهر
patnı f	زن ـ همسر
patra n	برگ ـ نامه
pathın m	راه
pad m	پا
padma n	نیلوفر
payas n	آب ـ شیر (خوردنی)
para a	مال دیگران ـ متعلق بدیگران
paramatman m	روح کامل ـ خدا
paraśu m	تبر
paraśva adv	پس فردا
parakrama m	شجاعت
paropakara m	نیکخواهی

سمسکریت	فارسی
pratıbımba n	انعکاس
prathama a	اول
pramada m	اشتباه
prabhava m	علت
pralaya m	قیامت
praveśa m	ورود
prasna m	سؤال
prasanna n	خرسند
prahaıa m	پرهر (برابر با سه ساعت)
pranı m	روح
prataı adv	بامداد-صبح
pıayas adv	غالباً-بیشتر اوقات
prarthana f	نماز-دعا
prasada m	مرحمت
prıya a	عزیز
prıtı f	محبت
preman m, n	محبت-عشق
phala n	میوه-ثمر

---

baka m	ماهی‌خوار
barbara a	وحشی
bandhu m	برادر - خویشاوند

فارسی	سنسکریت
دوباره	punah adv
شهر	pura n
روبرو-رمان بیش	pura adv
مرد	purusa m
آخوند	purohita m
گل	puspa n
کتاب	pustaka n
پرستیدن	√ puj v
کامل-پر	purna n
پرسیدن	√ prch v
جدا	prthak adv
زمین	prthvi f
چمدان کوچک	petika f
نوه	pautra m
شهری	paura m
روشنایی	prakaśa n
پرسیدن	√ prach v
محبت-عشق	pranaya m
برای (پیشاوند)	prati adv
مخالف	pratikula a
قول-تعهد	pratijña f
هر روز	pratyaham adv

سنسکریت	فارسی
bhaya n	ترس
bhayankara n	ترسناك
bhartr m	مالك - شوهر
bhavat m	شما
bhavisyat n	آینده
bhasman n	خاکستر
\ bha v	درخشیدن
bhagya m	بهره
bhanu m	آفتاب
bhara m	بار
bhavyam adv	بخت - حتماً بودنی وشدنی
bharya f	همسر - زن
\ bhas v	گفتن
bhasa f	زبان
bhasvan m	آفتاب
bhiksa f	گدایی
\ bhi v	ترسیدن
bhisak m	پزشك
bhuvana n	جهان - دنیا
\ bhu v	بودن
bhu f	زمین
bhuta pt pl	جنی – بوده

سنسکریت	فارسی
bala n	نیرو
balavat m	نیرومند
balin m	نیرومند
bahu adv	بسیار-فراوان
badha f	مانع-جلوگیری
bana m	تیر
badham adv	خوب
bala m	پسربچه
bala f	دختربچه
baspa m	اشک
bahu m	بازو
bidala m	گربه
bindu n	قطره
buddha part	بیدارشده
buddhi f	خرد - عقل
budha m	دانشمند
brahmacarin m	مجرد-مردی که از ازدواج سرباز می‌زند
Brahman m	روان گیتی - روح کل
Brāhmana m	طبقه روحانی-برهمن
bhakta a	پرستنده
bhagavat m	خدا
bhadra a	نجیب

فارسی	سنسکریت
طاوس	mayura m
مرگ	marana n
باد	marut m
پیشانی	mastaka n
بزرگ ـ مه	mahat m
مهاراجه ـ راجه	maharaja m
خانم	mahila f
ملکه ـ گاومیش	mahisi f
گوشت	mansa n
مادر	mati f
انسان	manava m
اندیشه	manasa n
راه	marga m
گربه	marjara m
حلقه گل	mala f
باغبان	malin m
ماه	masa m
دوست ـ روشنی ـ آفتاب	mitra n
ماهی	mina m
رهائی	mukti f
دهن	mukha n
ترك کردن	۱ muc v

سنسکریت	فارسی
bhuti f	سعادت
bhuyas adv	دوباره
bhusana n	زیور
bhrtya m	نوکر ـ پیشخدمت
bhoga m	لذت
bhojana n	غذا
bhratr m	برادر
bhru f	ابرو

---

maksika f	مگس
mani m	سنگ قیمتی
mati f	خرد ـ عقل
matimat m	خردمند
matsya m	ماهی
madhu n	عسل
madhura n	شیرین
madhya a	میان
madhyanha m	ظهر
manas n	دل ـ قلب
mantra m	سرود ـ منثور
mantrin m	وزیر
manduka m	قورباغه ـ غوك

سنسکریت	فارسی
yad pro	که
yada adv	وقتیکه
yadı adv	ولی-اگر
yama m	یما (رب‌النوع مرگ)
yava m	جو
yavana m	خارجی - مانند یونانی
yaśas n	شهرت
√ yā v	رفتن
√ yac v	گدائی کردن
yācaka m	گدا
yatra f	مسافرت
yana n	وسائل نقلیه
yavat pro	تاوقتیکه
yuga n	زمان-جفت
yugma n	جفت
yuddha m	جنگ
√ yudh v	جنگیدن
yuvan m	جوان
yuvatı f	دختر جوان
yuvam pro	هردوشما
yuṣmat pro	مال‌شما
yūyam pro	شما

سمسکریت	فارسی
\ ́mud v,	لذت بردن
muni m	زاهد
mula n	ریشه
murti f	بت ـ مجسمه
\ mr v	مردن
mrga m	آهو
mrgaya f	شکار
mrta p part \ mr	مرده
mrtyu m	مرگ
mrdu n	ملایم ـ نرم
megha m	ابر
maitri f	دوستی
moksi m	رهایی
moha m	شیفتگی

\ yaj v	قربانی کردن
yajña m	جشن قربانی
\ ́ yat v	کوشش کردن ـ سعی کردن
yati m	مرتاض
yatna m	کوشش
yatra adv	مسافرت
yitha adv	همانطور

سنسکریت	فارسی
rudhira n	خون
√ ruh v	رستن ـ رشد کردن ـ روییدن
rupa n	زیبایی
rupavat m	خوشگل ـ زیبا
laksa n	صد هزار (۱۰۰۰۰)
laksmi m	لکشمی (رب النوع ثروت)
laghu n	کوچک
Lanka f	سیلان
lajja f	خجلت
lata f	گیاه خزنده بالا رونده
√ labh v	حاصل کردن
lavana n	نمک
labha m	فایده
lavanya n	رعنایی
√ likh v	نوشتن
lekha n	سند ـ خط
loka m	ناحیه
lobha m	طمع
loman n	موی
loha n	آهن
lohita n	سرخ ـ قرمز

سنسکریت	فارسی
rakta a	حون
√ raks	محافظت کردن
rajat n	بقره
rajju m	ریسمان
rana m	حنگ
ratna n	حواهر
ratha m	گردونه
√ ram v	لدب بردن
ramani f	رن حوشگل
rasmi f	سعاع
rasa m	مره - آب میوه
raksasa m	دیو
√ raj v	حکومت کردن - درحسیدن
rajan m	راحه
rajya n	سلطنت
ratri f	سب
Rama pr n	راما (بام حدا)
Ramayana n	رامایانا (بامداستان مشهور)
Ravana m	راونا(اسم شاه سیلان که درزمان رام زیست میکرد)
rasi f	توده
√ ruc v	پسندیدن-درخشیدن
√ rudh v	مانع شدن

سنسکریت	فارسی
vasu m	ثروت
vastra n	پارچه ـ لباس
√ vah v	بردن
va part	یا
vac f	سخن ـ نطق
vanijya n	کالای تجاری
vata m	باد
vatayana n	پنجره
vapi f	دریاچه
vayasa m	کلاغ
vari n	آب
vasas n	پارچه ـ لباس
vimsa num	بیست (۱۰)
vinsati num	بیست (۲۰)
vikrama m	دلیری
Vikramaditya n	ویکرمادیتیا (نام یکی از پادشاهان هند)
vitta n	ثروت
√ vid v	دانستن
vida f	خدا حافظی
vidya f	دانش ـ علم
vidvat m	دانشمند
vidhi m	قانون ـ طریقه

فارسی	سنسکریت
آهنگر	lauha–kara m

فارسی	سنسکریت
خانواده	vamśa m
کج	vakra a
سینه	vaksas n
گفتن	√ vac v
طبقه تجار	vanij m
بچه	vatsa m
گفتن	√ vad v
فیل	vadha m
عروس	vadhu f
جنگل–بیشه	vana n
ما	vayam pro
سن	vayas n
شوهر–داماد	vara m
بهتر	vara a
خوک	varaha m
ورونا (نام یکی از خدایان هندی)	Varuna m
رنگ–فرقه	varna m
باریدن	√ varś v
سال	varśa m
باران	varśā f
زندگی کردن	√ vas v

سنسکریت	فارسی
vaidya m	پزشک
vaiśya m	طبقه بازرگان
vyasana n	اعتیاد
vyakarana n	دستور زبان
vyaghra m	پلنگ
vyadha m	صیاد

سنسکریت	فارسی
۱ śak v	توانستن
śakata m	گردونه ـ گاری
Shakuntala f prop n	شکونتلا (نام دختری ـ نام نمایشنامه منسوب به کالیداس)
śanka f	شک
śata num	صد (۱۰۰)
śatru m	دشمن
śanais adv	آهسته
śabda m	واژه
śayya f	تختخواب
śara m	تیر
śarad f	پاییز
śarma n	تن ـ جسم
śaśaka m	خرگوش
śakha f	شاخ

سنسکریت	فارسی
vidhura m	مردی که زنش مرده باشد
vinaya m	فروتنی
vina pro	بدون
viyoga n	جدایی
vivaha m	ازدواج ـ زناشویی
viveka n	دانش
viśva pro	همه
viśvasa m	اعتماد
visa n	زهر
Visnu m	ویشنو (نام یکی از خدایان هندی)
vihaga m	پرنده
vihara m	خانقاه بودایی ـ عیش
√ vi v	چیدن ـ انتخاب کردن
vrka m	گرگ
vrksa m	درخت
√ vrt v	شدن ـ بودن
√ verdh	اضافه کردن
vrddha m	پیر
√ vrs v	باریدن
vrsabha m	گاو نر
veda m	«ودا» کتاب مقدس هندیان
vedanta m	فلسفه ودا
vedi f	جایگاه قربانی

سنسکریت	فارسی
śesa m	باقی
śrı f	آقا
śrımat a	آقا
śrımatı f	خانم
śrutı f	ودا
śvah adv	فردا
śvana m	سگ
śveta a	سفید
ṣas num	شش (٦)
ṣastı num	شصت (٦)
ṣastha a	ششم
ṣodaśa num	شانزده (١٦)
sah pro	او
sakhın m	دوست
sakhı f	دوست دختر
sangrama m	جنگ
sajjana m	مرد نجیب
satya n	راستی
satvara adv	زود
√ sad v	نشستن
sada adv	همیشه
sandhyā f	شب ـ عصر
santa m	حکیم

سنسکریت	فارسی
śanti f	آرامس ـ صلح
√ śas v	حکومت کردن
śali m	شالی ـ سلبوک
śala f	حانه ـ مرل
śastra m	کتاب مقدس
√ śiks v	آموحس
śikhara m	قله
śila f	صحره
śiras n	سر
śivira n	لسکر ـ اردو
śiśu m	بحه ـ کودك
śisya m	شاگرد
śighra adv	رود
śita a	سرد
śila m	احلاق
śuka m	طوطی
śubha a	سعادتمند
√ śubh v	حوش آیند بودن
śudra m	طبقه نحس
śura m	دلیر ـ سحاع
śourya n	دلیری
śrgala m	سغال

سنسکریت	فارسی
sarıka f	گنجشک
sahasa n	شجاعت
sahayya n	کمک
sımha m	شیر (درنده)
sındhu m	دریا ـ رودخانه
sıma f	مرز
Sıta prop n f	سیتا (نام زن رام)
sukara n	آسان
sukha n	خوشی
sundara a	زیبا ـ قشنگ
sura f	شراب
suvarna n	خوش‌رنگ ـ طلا ـ زر
suhrd m	دوست
suda m	آشپز
surya m	آفتاب
setu m	پل
sena f	ارتش
sevaka m	پیشخدمت ـ نوکر
√sev v	خدمت کردن
sopana n	نردبان
soma m	سوم (شرابی که درمراسم دینی بکار میبردند) ـ ماه

سنسکریت	فارسی
sapta num	هفت
saptati num	هفتاد
saptama a	هفتم
sabha f	مجلس ـ جلسه
samacara m	خبر
samaja m	اجتماع
samipa a	نزدیک
samudra m	دریا
sarit f	رودخانه
sarpa m	مار
sarva a	همه
sarvatra adv	هرجا
sarvada adv	همیشه
samprati adv	اکنون
۱ sah v	تحمل کردن
saha adv	با
sahasa adv	ناگهان
sahasra n	هزار (۱۰۰۰)
sadhu m	درویش
sayam adv	عصر
sarathin m	ارابه‌ران
sarasa m	کلنگ ـ لک‌لک

فارسی	سنسکریت
دست	hasta m
خندیدن	√ has v
ترک کردن	√ hā v
برف	hima n
دزدیدن ـ بردن	√ hṛ v
آخر زمستان	hemanta m
موبد دینی	hotṛ
جشن ـ قربانی	homa
دیروز	hyaḥ adv

سنسکریت	فارسی
√ stha v	ایستادن
sthana n	مقام ـ مکان ـ محل
√ śna v	استحمام کردن
snana n	حمام گرفتن
√ snih v	محبت کردن ـ پسندیدن
√ smr v	یاد کردن
smrti f	کتاب قانون اجتماعی
sva a	خود
√ svap v	خوابیدن
svapna m	خواب
svayam adv	خود
svarga m	بهشت
svarnakara m	زرگر
svalpa a	کم
svasr f	خواهر
svamin m	مالک

---

hata pt pf	کشته
√ han v	کشتن
hamsa m	قو
harina m	آهو
harit a	سبز

الف

ب

فهرست واژه‌های فارسی

در زیر، واژه‌هایی را که در واژه‌نامهٔ «سنسکریت ـ فارسی» آمده است به‌ترتیب با ذکر شمارهٔ صفحه‌ای که واژه در آن آمده‌است، می‌آوریم

آ

ت

پ

ح

ح

د

ر

س

ل

م

گ

ن

پاسخ تمرین‌ها

صفحهٔ ۴۵ تمرین

۱ـ طوطی‌را - پسربچه‌را- باسب - برای فیل- بوسیله مردم- بوسیله (برای- از) دو کبوتر - مال دو پسربچه - در سایه - با خر - مال دوزور - در گلها - برای سما - بوسیله لشکر - درمنزل

صفحهٔ ۴۸ تمرین

۱ـ او اسب است - تو پسربچه هستی- من مرد هستم- رام شوهر سیتاست - شیرها درجنگل زندگی می کنند - حسن اراسب می‌افتد - اودختر است - میوه می‌افتد - برگ ازدرخت می‌افتد - طوطی‌ها در درخت هستند - گلها در آب هستند - ما ازدرخت درآب می‌افتیم

sah balah astı etah balah santı Kamala kanya Husaınah ca balah astı vıkse phalam astı tvam vrksat patası gajah jale patatı salayam puspanı santı gajah vane astı Sıta Janakasya Kanya astı te salayam santı

صفحهٔ ۵۱ تمرین

۱ـ مردم درخانه زندگی میکنند - کبوتران بردرخت زندگی می کنند ـ فیل آب رودخانه را می‌نوشد - من در آسمان خورشید را می‌بینم - پسر معلم با مرتاض برودخانه میرود - اسب شاه را بشهر می‌برد - کلفت ها برای ملکه میوه‌هارا می‌برند - طوطی‌ها دردرختان میوه‌هارا می‌خورند - احمد گلّه‌را به جنگل می‌برد - پسر بچه‌ها درآسمان خورشیدرا می بینند - مرتاض درخانه نشسته است - رودخانه‌ها آب خودرا نمی‌نوشند ودرختان میوه‌های خود را نمی‌خورند - شیر دشمن خراست - تو بارن خود بشهر میروی

tatra vrksau stah tvam kutra gacchası ? aham pratah phalam khadamı adya nagaram gacchamah adhuna sayam astı dınanı ngacchantı gacchantı ca param vayam atra eva tışthamah balah ... dinam puspani nayantı ? atra chaya astı yadı tvam vanam gacchası aham apı gacchamı balah phalanı khadantı hasantı ca te ... nı santı kıntu kharah santı

صفحهٔ ۶۰ تمرین

۱ــخدمتکاران ارباب خودرا خدمت می کنند. خدمتکاران شاه بوسیلهٔ اسبها به آنگیر میروند ـ دیروز هیچجا نرفتم و درخانهٔ خود نشستم ـ «اقبال» پسر بچهٔ خوبی است ـ هرروز پدر را خدمت می کند ـ شیر گوشت آهو را میخورد. ما در باغچه خود گلها را می کاریم ـ ثروتمندان برای مسافرت سوار اسب میشوند ـ کبوتران از درختی بدرخت دیگر میپرند ـ آنان بوسیله پله‌ها بر بالای منزل رفتند ودر آنجا بانچه‌ها بازی کردند ـ شکوبالا سرمنده شد وهیچ نگفت فقط ساکت ایستاده بود

scvakah kupat jalam anayantı balah pathasalayam krıdantı Rustamah balı vırah ca asıt aham pıtaram (pıtre) patram lıkhamı tasya svasa mama bhratra nagaram gacchatı dhanınah yacake-bhyah annam dadatı tatra ekah jalasayah jalaena purnah astı aham sada tvam tava putran ca smaramı hyah gurh (sıksakah) Ahama-dam atadayat khagah akase utpatantı balah ca gırım arohantı vırah dukkham sukham ca kada apı na ganayatı

صفحهٔ ۶۲ تمرین

۱ــ عروس «رام» به نام «سیتا» دانشمند وزیبا بود ـ بزرك ابرك سیره می کند ـ دختر کوچك احمد در هنگام عصر میرقصد ـ شاه پیشخدمت را به شهر میفرستد ـ شاهی دلیر بنام «نل» پسر ویرس بود ـ شاه هر گونه باشد، مردم نیز همانطوراند ـ ثروتمندان پول میخواهند ولی گدایان فقط غذا میخواهند ـ مردان خوب به حیوانات اطمینان می کنند ـ خدمتکاران شاه مردم را سرشماری می کنند ـ بچه‌ها در باغچه بازی کردند وازدرختان بالا میروند. عروس کوچکتر شاه «داسرت» میخواست که مردم را بجنگل [illegible] وقت بهار است. گلها از باغچه‌ها میچینند

[illegible] vıdvan kavıhcaasıt Soharabasya svasa rupavatı astı te [illegible] dhanıya rajñah samıpam agacchan asya narasya jyeşthah

صفحهٔ ۵۴ تمرین

۱ـ دختر با مادر بشهر میرود ـ تو با پدر کجا میروی؟ ـ فیلها آهسته آهسته بسوی رودخانه میروند ـ مادر برای دختر میوه‌ها و گلها را می‌برد ـ اکنون ما کتاب‌را از استاد فرا می‌گیریم ـ امروز ما با پدر بشهر میرویم آیا توهم میروی؟ ـ مردمان میوه‌های درختان‌را کجا می‌برند ـ هرجا که آتش‌است دود است ـ خورشید در آسمان همه‌جا میرود ومردمان آن‌را می‌بینند ـ پسر با پدر سخن می‌گویند وپدر می‌خندد ـ «مالا» امروز صبح با برادرخود کجا میرود؟ـ زنان می‌خندند ومرد آن می‌بیند

balah pātham pathantı pasavah vanam gacchantı kapotah phalanı khadantı aham jalam pıbamı dasyah puspanı anayantı Paravın bhanum pasyatı asvah chayayam tısthantı yuyam balasu hasatha sımhah kharasya mamsam khadatı jınah nagare vasantı khagah ca vrksesu vasantı

صفحهٔ ۵۶ تمرین

امروز باد سرد می‌وزد ـ دیروز با برادر خود بباغچه رفتیم ـ آنجا درهرسو گلها را دیدم ـ صدا و گفتار زنان شیرین است ـ مرتاضی باسم «وسوامتر» بوسیله ریاضت «ایندرا» (خدای معروف هندوان) را فتح کرد ـ بوسیله آب، گل نیلوفر وبوسیلهٔ گل نیلوفر آب می‌درخشد ـ در تاریکی چیزی‌را بچشم نمی‌بینم ـ من به‌خانه نزدیک می‌روم تو پسر بچه‌را کجا می‌بری؟ ـ اکنون تاریک‌است ـ فیلها واسبها آب رودخانه‌را می‌نوشند ـ ما در آب گلهای زیبائی دیدیم ـ عروس تاجر، میوه‌ها و گلهارا بشهر برده‌است ـ فیلهای‌ساه برگها ومیوه‌های درختان را خوردند

sah vrksat adhah patatı yuyam kutra agacchata? pura Anusırvan nama mahan rajı atra avasat bhınım vak madhurı bhavatı vanık puspanı phalanı ca nagaram nayatı Sımı lama ca rupavatyau (sundaryau) bale stah nadyah jalam madhuram astı yada sitah vatah calatı narah salavam gacchantı adhuna tamah astı srgālah ca āgacchantı

ماهیها درآبگیر وپرندگان درزمین زندگی می کند - آن‌دختران در رودخانه شنا وآب تنی می کنند - این گنجشک سیاه را به احمد خواهم داد - پروین از باغچه میوه‌ها را می‌دزدد

شعر :

۱- قوسفیداست وماهیخوار سفیداست، میان ماهیخوار وقو چه‌فرق‌است؟
برای جدا کردن آب‌ازشیر، قو، قواست وماهیخوار، ماهیخواراست

۲- زاغ سیاه‌است وکوکو‌سیاه است میان کوکو وزاغ چه فرق است؟
وقت بهار میرسد، زاغ، زاغ است وکوکو، کوکو است

yada akaśe meghah garjanti tada mayurah nrtyanti harsanti ca balah varsasu snanti mama jyestha bhagini raktani vasansi icchati yacakasya kanyah dhanaya nrtyanti gayanti ca gavah śvetah param aśvah krsnah santi vasante vrksah latah ca navanti harit-varnani patrani dharayanti śvetah sarasah akaśe utpatanti Husainasya patni annam anesyati aham ca tat khadisyami balah nadyam taranti hrsyanti ca tava aśvasya kim varnam asti ?

putrah Bharatam agacchat, kanıyası kanya ca atra pathaśalayam pathatı guruh vıdusam sabhāyam vacam avadat aham atmanah pācakam tava grhe preşayāmı rajā sevakanam vıśvāsam karoti adhuna vayam na nrtyamah mayurah parvatesu nrtyantı aham svadeśaya, tebhyah vırebhyah ca ye pranan atyajan namamı, tesām adaram ca karomı

صفحهٔ ۶۵ تمرین

۱ـ من فردا به شهر شیراز خواهم رفت ـ امروز در خانهٔ ما جشنی است بنابراین من میوه می‌خرم ـ شب خواهد رفت و صبح خواهد بود ـ آنجا در رودخانه اسب تو آب می‌نوشد ـ من کتاب ترا خواهم برد و فردا خواهم آورد ـ من به پزشک بسیار اعتقاد دارم خوبی‌وی خوب و دانشمند است ـ خدمتکار شما دیروز برای من میوه‌ها را آورد ـ هر سواری که بیاید، ما را بشهر خواهد برد ـ من ترا می‌شناسم و نیز پدر ترا می‌شناسم ـ رودخانه ها آب خود را نمی‌نوشند و درختان میوه‌های خود را نمی‌خورند

nıśayam caurah grham pravıśantı tava pıta mama grhe kada gamısyatı? yatha narah jırnanı vasansı tyajantı navanı ca dharayantı tatha vayam navanı śarıranı dharayamah yuyam pustakanı kada pathısyatha ? yadı yuyam vrksam arohatha patışyatha yat yānam agamışyatı asman neşyatı tava kanıyası svasa adya maya saha agamısyatı yadı yuyam ıcchatha yusmabhyah phalanı kresyamı yad eva karyam kurutha devah sarvam janātı nıcah sada yat karyam arabhante tyajantı kıntu sujanah yat vıcarayantı kurvantı kım yuşmakam rāja asmat aśvam kresyatı?

صفحهٔ ۶۸ تمرین

۱ ـ ابر ها می‌بارند و غرش می‌کنند ـ من برای این خروسها آب خواهم آورد ـ طوطی ماده همیشه با این طوطی نر صحبت می‌کند ـ بوسیله ماه، شب می‌درخشد و بوسیله شب، ماه می‌درخشد و بوسیله شب و ماه، آسمان می‌درخشد

حشمگینی ازحرص پیدا می‌سود ـ مردی که به‌دس علاقه دارد داشمند وسحاع میشود ـ سحاعانی که برای کسور حود کشته شدند به‌بهست رسیده‌اند

2– nadyah tıre ekah mahan vrksah asıt tasmın vrkse trayah khagah, dvau muşıkau, ekah vanarah ca avasat vanarah atı catuıah asıt sada khaganam musıkayoh ca sahayatam akarot ekasmın dıne (ekada) atı varsah avarsan, kah apı aharam anetum bahıh na agacchat tasmın eva samaye ekah phala–vıkreta tatra āgacchat, vrksasya adhah ca atısthat vanarah phalanı drstva kanıcıt anayat paścat tānı phalanı khagebhyah mūsıkabhyam ca dattavan sarve apı ca amodanta ıdam kathyate, yat suhrt sada mıtranam sahayatam karotı

صفحهٔ ۸۰

۱ ـ درحنگلی سیری نام « سگلاك » زندگی می کرد ـ او دوسغال بعنوان وزیر نام کرنك ودمنك داست ـ وقتی تاجری برای تجارت با ارابه‌یی به کسوری رفت درحنگل گاوبر ارابه اولنگ سد ـ تاجر گاورا درهمانجا برك کرد وگاو دیگری را آورد وباآن وسله ارابه حود رفت بس از چندی گاو بر لنگ بیرو یافت وباسیر دوست سد ولی اردوستی سیر و گاو آن دو سغـال بسیار غمگین سدند سدریح آن‌دو میان گاو وسیر را برهم زدند وقتی که سیر حسمگین سد گاورا کشت وآن‌دو ازکسته سدن گاو بسیار حوسحال شدند این داستان در سچانانترا نوسته سده است

2– Hasanah sarpam lagudena hatavan raja Daryusah yuddhe vıjayı abhavat rıpun ca parajıtavan raja Nalah bharyam jangale tyaktavan raksasam raja Ravanah Sıtam Lankam nıtavan maya śıksakaya patram lıkhıtam sah svah agamıśyatı asmın pustake katı pathah yuśmabhı pathıtah asmın patre kena payah pıtam? aham dasebhyah dhanam vasānsı phalanı ca dadamı Parvın dvarı atısthat svasra ca vartam krtavatı vasasam bharanı ustraıh prsthe nıyante vıpattı-kale mata balam aıaksat svayam ca nadyam patıtā

صفحهٔ ۷۳

۱ـ من در مدرسه درسال اول درس می‌خوانم ـ شاه «دشرت» چهار پسر وسه‌زن داشت ـ من‌این‌چنین ۲۱ روز درخارج کشور زندگی کردم ـ شهر از این ده صد یوجن(۱) فاصله دارد ـ بچه‌ها اندك اندك باید بروند ومن نیز خواهم آمد ـ ای‌پروین چرا می‌خندی؟ اگرمعلم ترا ببیند خواهد زد ـ باید ابرها ببارند وبغرند وزمین‌را باآب پر کنند ـ هر کس باید صد دوست داشته باشد بهر گونه که باشد ـ یك‌پسر شایسته بهزار صدپسرنادان است ـ «ویاس» نویسندهٔ ۱۸ پوران است ـ شاهان باید رعیت را نگاهداری کنند وابرها در هنگام مناسب ببارند ـ مهابهارات ودای پنجم‌است

2– yada pathaśalam agaccham bhrataram apaśyam yadi janah enam karyam na karisyanti phalani lapsyante murkhah vidvatsu na śobhante yatha sarasah hamsesu na śobhante lobhāt krodhah jayate (lobhah krodhasya karanam) te kimartham margesu yacante yavat na bhaśate murkhah tavad eva śobhate yavat aham nrtyami tavat sa bala mam paśyati muneh api jangale mitrani śatravah ca jayante yavat śiśyah pathaśalayam vasanti guroh sevam karisyanti dhimantah yat karyam arabhante prayatnena kurvanti, kintu murkhah yat kimcit prarabhante madhye eva tyajanti

صفحهٔ ۷۷

۱ ـ در آسمان ستارگان می‌درخشند ـ بچه‌ها در باغچه ازخوردن میوه‌ها خوشنان می‌آید ـ شاگردها استادرا برای علم خدمت می‌کنند ـ هنگامی که سیتا بارام بجنگل میرفت زیبا بنظرمیرسید ـ مردمان که مشغول خدمت‌بودند از شاه درخواست پول کردند ـ من میوه مثل دارم ولی تو فقط شیرینی می‌خواهی ـ گوهر برای گوهرمناسب است ـ مثل ازحرص بوجود می‌آید و

---

(۱) یوجن برابر ٥ر٢ میل است

2- sujanah sada eva durjanaih pidyante nrpah sada desan raksantu prajayah sahayatam ca kurvantu sahayata upakarah ca yat murkhanam kryate, sarvam vyartham eva vayam patham pathāmah guruh ca asman pathayati naryah nadyah jalena vasansi ksālayanti ye virah upakaraya yuddham kurvanti sada yasah labhante matsyah jalaih badhyante Ramah pituh ajñaya vanam agacchat tatra ca avasat Ramah sad divasebhyah grhe atisthat pascat bharyam puram nitavan sevakah tavat karyam na kurvanti yavat te badhitah na bhavanti

صفحه ۹۲

۱ ـ شاه کشور «هستناپور» بنام «دوشیبنت» روزی برای شکار سوار ارابه شد وقت هنگامی که بدنبال آهویی میرفت بجایگاهی رسید رانندهرا باارابه بیرون گذاشت وخود داخل خانقاه شد در آنجا دختر زیبای مرتاض را دید مرشد خانقاه بنام «کنو» در آنوقت بمسافرت رفته بود بنابراین دختر از شاه پذیرایی کرد از هنگامی که شاه آن دختر زیبای «کنو» رادید شیفته وی شد نام آندختر شکونتلا ودختر فرشته یی بود شکونتلا نیز محبت خودرا بشاه نشانداد پس هردو گرفتار دام محبت شدند وسرانجام باهم عروسی کردند شاه شکونتلارا آنجا نهاد وبشهر خود بازگشت داستان این دو را شاعری بنام کالیداس در درامی بنام شکونتلا بیان کرده است

2- Gautama–Buddhah ekasya nrpasya putrah asit yadā sa yuva abhavat rajña tasya vivahah, kaya api rupavatya susilaya rajakanyaya krtah kanyayah nama asit Yesodhara nrpah aicchat yat Gautamah sada mrgaya-natakesu utsavesu gacchet desasya sundarani drsani ca pasyet kintu Gautamah svabhavena vicitrah asit sah jivane bhogan na aicchat ekada nisayam grham tyaktva rathasya sarathina saha tapase vanam agacchat raja rajñi ca ati akulau duhkhitau ca abhavatam tasya bharya patyuh viyoge bahu krsa abhavat sada eva ca arudat Gautamah vanesu saritam tiresu ca tapasah abhyasam krtavan yada sah jñanam labhavan tada tasya nama Buddhah abhavat

صفحهٔ ۸۴

تمرین

۱- درهرصورت سحص باید صد دوست بگیرد آدمی باید درهنگام سختی صبر را از دست ندهد شحص باید تاهنگامی که زندگی میکند خوشحال باشد. اگرچه وام دار باشد ای پدر گرامیم من برای نگهداری رعیت‌های خود سهر میروم آدمی باید درختی را که دارای میوه وسایه‌است خدمت کند ای پادشاه ارابه بایك چرخ حرکت نمیکند شحص باید همیشه بحشد وآب پاك بنوشد پسری که سال شانزده رسید باید مانند دوست با او رفتار کرد همیشه بعد از استحمام باید مطالعه کرد همیشه بعد از غذا باید سه‌قدم راه رفت (۱)

2- yuyam mıtraıh saha kutra katham va gacchatha? aham upavane sundaranı puṣpanı drastum gacchamı nadyah jalam nırmalam astı aham snatum tatra gacchamı yavat suryah nabhası astı tavat kar- yam samāptam kuru kah apı dustanam vācı vısvasam na karotu mūrkhāya ajñaya va kadā apı upadesah na datavyah jıvema var- sanam satam dhırah sada dhaıryena sva karyam karotı sarve sukhınah bhavantu, bhadranı ca pasyantu yuyam sada vırah sukhınah ca bhavatha

صفحه ۸۸

ماهیها بوسیله تور گرفته شدند آوازها بوسیله ماخوانده شدند کودك بوسیلهٔ مار گزیده شد مار بوسیله مردم و چوب کشته شد غذا بوسیله خدمتکاران خورده شد من پارچه را با آب میشویم ای پادشاه آرزو بسیار نیرومند است و آرزو مردم را زندگی می‌بخشد درباچه بوسیلهٔ آب پرمیشود پادشاه فقط در کشورخود پرستیده میشود ولی دانشمند درهر کشوری مورد پرستش‌است مردمان بدبه‌مملکت آزار میرسانند و مرد نیرومند کشور را نگهداری می کند بوسیله دختر کمربسته میشود اجازه بده من امروز بکشور خارج بروم

(۱) تمام این‌جمله ها در بین هندوان ضرب المثل است

صفحه	سطر	غلط	درست
٥٦	٢٥	anyat	anyat
		vrksanam	vrksanam
		agaccama	agacchama
٥٨	٤	دلو	حاه
٦١	١١	kala	kala
٦٩	٣	catakām	catakam
٦٩	١٦	«سادی کردند»	سادی کردن‌اند
٧٧	٧	rajnah	rajñah
٧٩	١٩	path	path
٧٩	٢٤	katha	katha
٨٤	٤	بادرست	درست
٩١	٨	natakam	nataka
٩٢	١١	vivahah	vivahah
٩٢	١٧-١٨	گوماتا	گوتاما
٩٦	٣	Gautamaranye	Gautam iranye
١ ٤	٣	5	6
١ ٦	١	hiiya	htya
١ ٦	١٤	tranng	training
١٢٢	٢	part	pt pl
		anga	anga
١٢٢	١٣	(ارو-ودای چهارم ودا)	ارو-ودا (بخش چهارم ودا)
١٢٦	١٢	abhusana	abhusana
١٢٧	١٧	Iva	iva
١٢٨	١٤	اوپانساد (کتاب هندیان اسم)	او پانساد (نام کتاب هندیان)
١٣٢	١٧	kuta	kuta
١٣٤	١	khandaśah	khandaśah
١٣٦	١٥	حر دن-حر دن	حر دن
١٤	٧	trayodaśa	trayodaśa
١٤١	١٩	durlabla	durlabha
١٤٥	٢١	panka	panka
١٥١	١٧	bhiksa	bhiksa
١٥٤	٢١	-yatra مسافرت	-yatra حاجی که
١٦	١٨	verdh	vrdh
١٦٨	١١	آوردن سه سطر بالا در آخر کتاب نوشته شود	

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱۳	وجه	وَاحَ
٤	۱۲	sena	sena
۷	۱۷	pancka	pancha
۱	۱۵	Qui	Qoi
۱۳	۱۹	پس از «علم پزشکی» باید (،) باشد	
۱۳	۲۳	هما	هوما
۱٤	۵	کلمه «ان» پس از جمله «در زمان حیات» زائد است	
۱۵	۳	«ـ» پس از کلمه «مکتب» زائد است	
۱۵	۱۲	تواتر	متواتر
۱۵	۲۲	۱۸	۱۲
۱٦	۵	«واژه‌ای در زبان سنسکریت»	«در زبان پارسی و سنسکریت»
۱۸	۲۱	«بر کتاب ادبی و شعر زبان سنسک آراسته»	«بر کتاب ادبی و شعری و سنسکی سکو آراسته»
۲	۲	پس از واژه «برگزیده» افزوده شود «در»	
۲۵	۷	«چهار فصل»	«پنج فصل»
۳۲	۲۳	«ثمر»	«ثمری»
٤۳	۳	موت	حتی
٤۳	۸	gyana	jñana
٤۳	۱٤	jana	nara
٤٦	۱۵	kavıbhıh	kavıbhıh
٤۷	۹	matınım	matınam
٤۷	۱	matısu	matışu
٤۷	۲–۱٤		

Nom Voc & Acc	vari	varıni	varıni
Instr	varına	varıbhyam	varıbhıh
Dat	varıne	«	varıbhyah
Abl	varınah	«	«
Gen	«	varınoh	varınam
Loc	varıni	«	varısu

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۳	۱۹	anyam	nadım

فهرست انتشارات دانشگاه تهران

۱ - وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ - A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ - آراء فلاسفه دربارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ - کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥ - تاریخ بیهقی جلد دوم	تصحیح سعید نفیسی
٦ - بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ - حماسه سرایی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ - مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰- نقشه برداری (جلد دوم)	» مهندس حسن شمسی
۱۱- گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲- اساس‌الاقتباس خواجه نصیر طوسی	تصحیح مدرس رضوی
۱۳- تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد اول)	تألیف دکتر حسن ستوده تهرانی
۱٤- روش تجربه	» » علی اکبر پریمن
۱٥- تاریخ افضل - بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱٦- حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم‌زاده
۱۷- فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸- راهنمای دانشگاه	—
۱۹- مقررات دانشگاه	—
۲۰- درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱- راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲- راهنمای دانشگاه بفرانسه	
۲۳- Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲٤- موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥- حماسه ملی ایران	ترجمه بزرگ علوی
۲٦- زیست شناسی (۲) بحث در طریقه لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷- هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
۲۸- اصول گدازو استخراج فلزات (جلد اول)	تألیف دکتر نکاه جابری
۲۹- اصول گدازو استخراج فلزات (» دوم)	» » »
۳۰- اصول گداز و استخراج فلزات (» سوم)	» » »
۳۱- ریاضیات در شیمی	نگارش دکتر هورفر
۳۲- جنگل شناسی (جلداول)	» مرحوم مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳٤- فیزیولوژی گیاهی (جلداول)	» » اسمعیل زاهدی

۷۴- [illegible]	
۷۵- اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر صدر
۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- زیباشناسی	» علینقی وزیری
۷۸- تئوری سینتیک گازها	» دکتر روشن
۷۹- کارآموزی داروسازی	تألیف دکتر حمیدی
۸۰- قوانین دامپزشکی	» » محمدی نژاد
۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم	» مرحوم مهندس ساعی
۸۲- استقلال آمریکا	» دکتر محمد شیبانی
۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴- ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵- دینامیک گازها	» دکتر عماری
۸۶- آئین دادرسی در اسلام	» محمد سنگلجی
۸۷- ادبیات فرانسه	» دکتر سپهبدی
۸۸- از سربن تا یونسکو - دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار
۹۰- میکروب‌شناسی (جلد اول)	تألیف دکتر سهراب دکتر میردامادی
۹۱- میزراه (جلد اول)	» » حسن گلژ
۹۲- » (جلد دوم)	» » » »
۹۳- کالبدشکافی (تشریح عملی دست و پا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴- ترجمه و شرح تبصره علامه (جلد دوم)	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵- کالبدشناسی توصیفی (۳) - عضله‌شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک‌پی
۹۶- » » (۴) - رگ‌شناسی	» » » »
۹۷- بیماریهای گوش و حلق و بینی (جلد اول)	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸- هندسهٔ تحلیلی	» » کامکار پارسی
۹۹- جبر و آنالیز	» » » »
۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)	» » [illegible]
۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میربابایی
۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
۱۰۳- آزمایش و تصفیهٔ آبها	نگارش » محمد جواد جنیدی
۱۰۴- هشت مقاله تاریخی و ادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵- فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶- جغرافیای اقتصادی (جلد اول)	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷- الکتریسیته و موارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸- مبادلات انرژی در گیاه	» دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹- تلخیص البیان عن مجازات القرآن	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱- شیمی آلی (جلد اول) تئوری و اصول کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲- شیمی آلی «ارگانیک» (جلد اول)	» » شیخ
۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص	» مهدی الهی قمشه
۱۱۴- امراض حلق و بینی و حنجره	» دکتر علم مروستی

۳۵-	جبر و آنالیز	نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
۳۶-	گزارش سفر هند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷-	تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸-	تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	تألیف دکتر مهدی بهرامی
۳۹-	واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰-	تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱-	تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
۴۲-	جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳-	Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴-	کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» » امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینی
۴۵-	روان‌شناسی کودک	نگارش دکتر مهدی جلالی
۴۶-	اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷-	ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه (جلد اول)	» زین العابدین ذوالمجدین
۴۸-	اکوستیک «صوت» (۱) ارتعاشات - سرعت	» » ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹-	انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰-	نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی پور
۵۱-	هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشک
۵۲-	درس اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳-	جانور شناسی سیستماتیک	» » آزرم
۵۴-	پزشکی عملی	» » نجم آبادی
۵۵-	روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶-	مامائی	» » آهی
۵۷-	فیزیولوژی گیاهی (جلد دوم)	» » زاهدی
۵۸-	فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹-	شیمی تجزیه	» » علی اکبر پریمن
۶۰-	شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱-	امیل	ترجمه مرحوم غلامحسین زیرک زاده
۶۲-	اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳-	مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴-	کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵-	آسیب شناسی	» دکتر آرمین
۶۶-	مکانیک فیزیک	تألیف دکتر کمال جناب
۶۷-	کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	» » امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
۶۸-	درمانشناسی (جلد اول)	تألیف دکتر عطائی
۶۹-	درمانشناسی (» دوم)	» » »
۷۰-	گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱-	شیمی آنالیتیک	» دکتر گاگیک
۷۲-	اقتصاد جلد اول	» » علی اصغر پورهمایون
۷۳-	دیوان سید حسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی

۱۵۶- آسیب شناسی (کانگلیوف اسلر)	« « آرمس
۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	« « دبیح‌الله صفا
۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری	مصحح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹- حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰- نشانه‌شناسی (علم‌العلامات) (جلد اول)	« دکتر محمدحسین ممیدی نژاد
۱۶۱- نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶۲- آسیب‌شناسی عملی	« « حسن رحمان
۱۶۳- احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴- الکتریسیته صنعتی	تألیف دکتر محمد مطهری رکنه
۱۶۵- آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷- فیزیك (تابش)	« « روشن
۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)	« علینقی منزوی
۱۶۹- « « « « « (جلد سوم- قسمت اول)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰- رساله نود و نمود	« محمود شهابی
۱۷۱- زندگانی شاه‌عباس اول	« نصرالله فلسفی
۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلد سوم)	مصحح سعید نفیسی
۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی‌سینا در زبان فرانسه	« « «
۱۷۴- تاریخ مصر (جلد اول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵- آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولو آندوتلیال	« دکتر آرمس
۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانتیك	« مرحوم زیرك‌زاده
۱۷۷- فیزیولژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
۱۷۸- خطوط لبه‌های جدبی (اسمه‌ایکس)	« « زندی
۱۷۹- تاریخ مصر (جلد دوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰- سیر فرهنگ در ایران و مغرب‌زمین	« دکتر صدیق‌اعلم
۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم- قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲- اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
۱۸۳- رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸۴- پیوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵- چهار رساله	« محمد سنگلجی
۱۸۶- آسیب‌شناسی (جلد دوم)	« دکتر آرمس
۱۸۷- یادداشت‌های مرحوم قزوینی	فراهم آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸- استخوان شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلد اول)	« « مستوفی
۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلد اول)	« « غلامعلی بینش‌ور
۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول)	« مهندس خلیلی
۱۹۲- حساب جامع و فاصل	نگارش دکتر مجتهدی
۱۹۳- مبدء و معاد	ترجمه آقای محمود شهابی
۱۹۴- تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵- تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم)	« « « «

۱۱۶- هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷- شکسته بندی (جلد دوم)	» » امیر کیا
۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس شیبانی
۱۱۹- اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰- فیزیک پزشکی	» دکتر فرهاد
۱۲۱- اکوستیک «صوت» (۲) مختصات صوت اوله - تار	» » اسمعیل بیگی
۱۲۲- جراحی فوری اطفال	تألیف دکتر مرعشی
۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)	» علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- چشم پزشکی (جلد اول)	» دکتر ضرابی
۱۲۵- شیمی فیزیک	» » بازرگان
۱۲۶- بیماریهای گیاه	» » جزری
۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی	» » سهری
۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق	» زین العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی بهرامی
۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن	» » حکیم و دکتر گنج بخش
۱۳۱- امراض واگیر دام	» » رستگار
۱۳۲- درس اللغة والادب (۲)	» » محمدی
۱۳۳- واژه نامه گرگانی	» » صادق کیا
۱۳۴- تک یاخته شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- حقوق اساسی چاپ سوم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶- عصله وریبالی پلاستیك	» » کیهانی
۱۳۷- طیف جذبی و اشعهٔ ایکس	» » فاضل زندی
۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی	نگارش دکتر مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- روان‌شناسی (ازلحاظ تربیت)	» » علی‌اکبر سیاسی
۱۴۰- ترمودینامیک (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	نگارش دکتر روس
۱۴۲- زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیک عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی (جلد اول)	» » کاتوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی	» » نصرالله نیک‌نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی (جلد اول)	» سعید نفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک‌نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم سلسله اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل بویه
۱۵۱- اندام‌شناسی گیاهان	» » پارسا
۱۵۲- چشم پزشکی (۲)	نگارش دکتر ضرابی
۱۵۳- بهداشت شهری	» » اعتمادیان
۱۵۴- انشاء انگلیسی	» پازارگادی

۲۳۴ـ جغرافیای کشاورزی ایران	دکتر علی تهرانی
۲۳۵ـ ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۱)	« آقای سید محمد سبزواری
۲۳۶ـ احتمالات و آمار ریاضی (۲)	« دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷ـ اصول تشریح چوب	« مهندس رضا حجازی
۲۳۸ـ خونشناسی عملی (جلد اول)	« دکتر رحمان دکتر شمسا
۲۳۹ـ تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	« « بهمنش
۲۴۰ـ شیمی تجزیه	« « سبزواری
۲۴۱ـ دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	« «ضیاءالدین اسمعیل بیگی
۲۴۲ـ پانزده گفتار	« آقای مجتبی مینوی
۲۴۳ـ بیماریهای خون (جلد دوم)	« دکتر یحیی پویا
۲۴۴ـ اقتصاد کشاورزی	نگارش دکتر احمد هومن
۲۴۵ـ علم العلامات (جلد سوم)	« « صمدی پراد
۲۴۶ـ نتس آرمه (۲)	« آقای مهندس جلیلی
۲۴۷ـ هندسهٔ دیفرانسیل	« دکتر بهرور
۲۴۸ـ فیزیولوژی گل ورده بندی تك لپه ایها	تألیف دکتر زاهدی
۲۴۹ـ تاریخ رودیه	« « هادی هدایتی
۲۵۰ـ ترجمه النهایه با تصحیح و مقدمه (۲)	« آقای سبزواری
۲۵۱ـ حقوق مدنی (۲)	« « دکتر امامی
۲۵۲ـ دفتر دانش و ادب (جزء دوم)	—
۲۵۳ـ یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، پ، ث، ج)	« ایرج افشار
۲۵۴ـ تفوق و برتری اسپانیا	« دکتر جاسم انبائی
۲۵۵ـ تیره شناسی (جلد اول)	« « احمد پارسا
۲۵۶ـ کالبد شناسی توصیفی (۸) دستگاه ادرار و تناسل ـ ردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نفس
۲۵۷ـ حل مسائل هندسه تحلیلی	نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲۵۸ـ کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه ای) «	« میر بابائی
۲۵۹ـ اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق	« مهندس احمد رضوی
۲۶ـ بیماریهای خون ولنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی) «	دکتر رحمان
۲۶۱ـ سرطان شناسی (جلد اول)	« « آرمین
۲۶۲ـ شکسته بندی (جلد سوم)	« « امیر کیا
۲۶۳ـ بیماریهای واگیر (جلد دوم)	« « نبی پور
۲۶۴ـ انگل شناسی (بندپایان)	« « عزیز رفیعی
۲۶۵ـ بیماریهای درونی (جلد دوم)	« « صمدی پراد
۲۶۶ـ دامپروری عمومی (جلد اول)	« « بهرامی
۲۶۷ـ فیزیولوژی (جلد دوم)	« « علی کاویان
۲۶۸ـ شعر فارسی (در عهد شاهرخ)	« « یارشاطر
۲۶۹ـ فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)	نگارش ناصرقلی راسخ
۲۷۰ـ منطق التلویحات	« دکتر فیاض
۲۷۱ـ حقوق جنائی	تألیف آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی
۲۷۲ـ سمیولوژی اعصاب	« « « جهرازی

[illegible]	« دکتر پروفسور
۱۹۷- شیمی وفیزیک (جلداول)	« « توسلی
۱۹۸- فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹- داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰- علم‌العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « مسیحی نژاد
۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲- پیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳- علم‌النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰۴- قواعدفقه	« آقای محمودشهابی
۲۰۵- تاریخ‌سیاسی‌و دیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰۶- فهرست مصنفات ابن‌سینا	« مهدوی
۲۰۷- مخارج‌الحروف	تصحیح‌و ترجمه‌دکتر پرویز ناتل‌خانلری
۲۰۸- عیون الحکمه	از ابن‌سینا - چاپ عکسی
۲۰۹- شیمی بیولوژی	تألیف‌دکتر نامی
۲۱۰- میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب- دکتر میردامادی
۲۱۱- حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس‌دواچی
۲۱۲- هواشناسی	« دکتر محمد محیی
۲۱۳- حقوق‌مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴- مآخذقصص وتمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵- مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶- ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۸- گروه بندی وانتقال خون	« دکتر یحیی پویا
۲۱۸- فیزیك، ترمودینامیك(جلداول)	« « روشن
۲۱۹- روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰- بیماریهای درونی (جلداول)	« « مسیحی‌نژاد
۲۲۱- حالات‌عصبانی پاتورر	ترجمه « چهرازی
۲۲۲- کالبدشناسی‌توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم - دکترحکیم دکتر کیهانی-دکترنجم‌آبادی- دکتر نیك‌نفس
۲۲۳- علم‌الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴- الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵- هیدرولیك‌عمومی	« مهندس رياضی
۲۲۶- شیمی عمومی‌معدنی‌فلزات(جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷- آسیب‌شناسی آرردگیهای سورمال « غده فوق‌کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸- اصول‌الصرف	« علی‌اکبرشهابی
۲۲۹- سازمان فرهنگی‌ایران	تألیف دکترعلی کنی
۲۳۰- فیزیك، ترمودینامیك (جلد دوم)	نگارش دکتر روشن
۲۳۱- راهنمای‌دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت شیر)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق

۳۱۰ - سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی	بقلم محمد مدرسی (زنجانی)
۳۱ - فیزیک (پدیده‌های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف) کتاب هفتم	» دکتر روشن
۳۱۱ - رساله جبر و مقابله خواجه نصیر طوسی	بکوشش [illegible]
۳۱۲ - آلرژی بیماریهای ناشی از آن	تألیف دکتر هادوی
۳۱۳ - راهنمای دانشگاه (فرانسه) دوم چاپ	—
۳۱۴ - احوال و آثار محمد بن جریر طبری	تألیف آقای علی اکبر شهابی
۳۱۵ - مکانیک سیماتیک	» دکتر احمد وزیری
۳۱۶ - مقدمه روانشناسی (قسمت اول)	» دکتر مهدی جلالی
۳۱۷ - دامپروری (جلد دوم)	» » تقی بهرامی
۳۱۸ - تمرینات و تجربیات (شیمی آلی)	» » ابوالحسن شیخ
۳۱۹ - جغرافیای اقتصادی (جلد دوم)	» » عزیزی
۳۲۰ - پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترک انسان و دام)	» » محمدی‌نژاد
۳۲۱ - اصول نظریه ریاضی احتمال	تألیف دکتر افضلی‌پور
۳۲۲ - رده‌بندی دولپه‌ای‌ها و بازدانگان	» » زاهدی
۳۲۳ - قوانین مالیه و محاسبات عمومی و مطالعه و بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال	» » جزایری
۳۲۴ - کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن (توصیفی - موضعی - طرز تشریح)	» » منوچهر حکیم و » سید حسین گنج‌بخش
۳۲۵ - ایمنی‌شناسی (جلد اول)	» » میردامادی
۳۲۶ - حکمت الهی عام و خاص (تجدید چاپ)	» آقای مهدی الهی قمشه‌ای
۳۲۷ - اصول بیماری‌های ارثی انسان (۱)	» دکتر محمدعلی مولوی
۳۲۸ - اصول استخراج معادن	» مهندس محمودی
۳۲۹ - مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی و مالی	جمع‌آوری دکتر کی‌نیا
۳۳۰ - شلیمر	دانشکده پزشکی
۳۳۱ - تجزیه ادرار	مرحوم دکتر ابوالقاسم بهرامی
۳۳۲ - جراحی فک و صورت	تألیف دکتر حسن مهدوی
۳۳۳ - فلسفه آموزش و پرورش	» » امیرهوشمند
۳۳۴ - اکوستیک (۲) صوت	» » اسماعیل بیگی
۳۳۵ - الکتریسته صنعتی (جلد اول چاپ دوم)	» مهندس زنگنه
۳۳۶ - سالنامه دانشگاه	—
۳۳۷ - فیزیک جلد هشتم - کارهای آزمایشگاه و مسائل ترمودینامیک	» دکتر روشن
۳۳۸ - تاریخ اسلام (چاپ دوم)	» » فیاض
۳۳۹ - هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم)	» » وحدتی
۳۴۰ - آداب اللغة العربیة و تاریخها (۱)	» » محمد محمدی
۳۴۱ - حل مسائل ریاضیات عمومی	تألیف دکتر کامکار پارسی
۳۴۲ - جوامع الحکایات	» » محمد معین
۳۴۳ - شیمی تحلیلی	» مهندس قاسمی

– کالبدشکافی توصیفی (۶) (دستگاه تولید صوت وتنفس)	تالیف دکتر امیر اعلم – دکتر حکیم – دکتر کیهانی دکتر نجم آبادی – دکتر نیک نفس
۲۷۴– اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی	نگارش دکتر محسن صبا
۲۷۵– گزارش کنفرانس اتمی ژنو	« « جناب – دکتر بازرگان
۲۷۶– امکان آلوده کردن آبهای مشروب	نگارش دکتر حسن سهراب – دکتر محمدی نژاد
۲۷۷– مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸– ویروسها	« « فرج‌الله شفا
۲۷۹– تالمیت‌ها (آلکیها)	« « عزت‌الله خبیری
۲۸۰– گیاه‌شناسی سیستماتیک	« « محمد دروس
۲۸۱– تیره‌شناسی (جلد دوم)	« « پارسا
۲۸۲– احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	« مدرس رضوی
۲۸۳– احادیث مثنوی	« آقای فروزانفر
۲۸۴– قواعد النحو	« قاسم تویسرکانی
۲۸۵– آزمایشهای فیزیک	« دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸۶– پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	« « محمود نجم آبادی
۲۸۷– بیماریهای خون (جلد سوم)	نگارش دکتر یحیی پویا
۲۸۸– جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	« « احمد شفائی
۲۸۹– مکانیک فیزیک (اندازه‌گیری مکانیک نقطه مادی ومرضه سبی) (چاپ دوم)	تألیف دکتر کمال‌الدین جناب
۲۹۰– بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)	« « محمدتقی فواطمیان
۲۹۱– اکوستیک (صوت) چاپ دوم	« « ضیاءالدین اسماعیل بیگی
۲۹۲– چهار مقاله	تصحیح « محمد معین
۲۹۳– داریوش یکم (پادشاه پارسها)	نگارش « منشی‌زاده
۲۹۴– کالبدشکافی سر نخ عملی سر و گردن–سلسله اعصاب مرکزی	« « نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵– درس اللغة والادب (۱) چاپ دوم	« « محمد محمدی
۲۹۶– سه گفتار خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش پژوه
۲۹۷– Sur les espaces de Riemann	نگارش دکتر هشترودی
۲۹۸– فصول خواجه طوسی	بکوشش محمدتقی دانش پژوه
۲۹۹– فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش سوم	نگارش محمدتقی دانش پژوه
۳۰۰– الرسالة المعینیة	« « «
۳۰۱– آغاز و انجام	« ایرج افشار
۳۰۲– رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی	بکوشش محمدتقی دانش پژوه
۳۰۳– فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش چهارم	« « «
۳۰۴– حل مشکلات معینیه خواجه نصیر	« « «
۳۰۵– مقدمه قدیم اخلاق ناصری	« جلال‌الدین همائی
۳۰۶– بیوگرافی خواجه نصیرالدین طوسی (بزبان فرانسه)	نگارش دکتر امشه‌ای
۳۰۷– رساله بیست باب درمعرفت اسطرلاب	« مدرس رضوی
۳۰۸– مجموعهٔ رسائل خواجه نصیرالدین	« « «

۳۸۴ - یادداشتهای قزوینی (۳)	ایرج افشار
۳۸۵ - گویش آشتیان	تألیف دکتر صادق کیا
- کالبد شکافی (تشریح عملی سینه و شکم و لگن)	نگارش دکتر نعمت‌الله کیهانی
۳۸۶ - ایران بعد از اسلام	» عباس خلیلی
۳۸۷ - تاریخ مصر قدیم (جلد اول چاپ دوم)	» دکتر احمد بهمنش
۳۸۸ - آرگلوبیاتها (۱) سرخس‌ها	» » حسری
۳۸۹ - شیمی صنعتی (جلد اول)	» » زادفر
۳۹۰ - فیزیک عمومی الکتریسیته (جلد اول)	» » روشن
۳۹۱ - مبادی علم هوا شناسی	» » احمد سعادت
۳۹۲ - منطق و روش شناسی	» » علی اکبر سیاسی
۳۹۳ - الکترونیک (جلد اول)	» » رحیمی فاخار
۳۹۴ - فرهنگ عماری (جلد دوم)	» مهندس جلال‌الدین عماری
۳۹۵ - حکمت الهی عام و خاص (جلد سوم)	» محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای
۳۹۶ - گنج جواهر دانش (٤)	» حسن آل طه
۳۹۷ - فن کالبد گشائی و آسیب شناسی	» دکتر محمد کار
۳۹۸ - فرهنگ عماری (جلد سوم)	» مهندس جلال‌الدین عماری
۳۹۹ - مزدا پرستی در ایران قدیم	» دکتر ذبیح‌الله صفا
٤۰۰ - اصول روشهای ریاضی آمار	» » افضلی پور
٤۰۱ - تاریخ مصر قدیم (جلد دوم)	» » دکتر احمد بهمنش
٤۰۲ - عددمن بلغاء ایران فی اللغة	» قاسم تویسرکانی
٤۰۳ - علم اخلاق (نظری و عملی)	» دکتر علی اکبر سیاسی
٤۰٤ - ادوار فقه (جلد دوم)	» آقای محمود شهابی
٤۰٥ - جراحی عملی دهان و دندان (جلد دوم)	نگارش دکتر کاظم سیحون
٤۰٦ - فیزیولوژی پاتلوژی	» » گیتی
٤۰۷ - سهم الارث	» نصر اصفهانی
٤۰۸ - جبر آنالیز	» دکتر محمدعلی مجتهدی
٤۰۹ - هوا شناسی (جلد اول)	» » محمد محیی
٤۱۰ - بیماریهای درونی (جلد سوم)	» » ممیدی نژاد
٤۱۱ - مبانی فلسفه	» » علی اکبر سیاسی
٤۱۲ - فرهنگ عماری (جلد چهارم)	» مهندس امیر جلال‌الدین عماری
٤۱۳ - هندسهٔ تحلیلی (چاپ دوم)	» دکتر احمد سادات عقیلی
٤۱٤ - کالبد شناسی (عصله‌شناسی مقایسه‌ای) (جلد ششم)	» » منوچهر بابائی
٤۱٥ - سالنامه دانشگاه ۱۳۳٦-۱۳۳٥	-
٤۱٦ - یادنامهٔ خواجه نصیر طوسی	نگارش دکتر صفا
٤۱۷ - تئوریهای اساسی ژنتیک	» » آذرم
٤۱۸ - فولاد و عملیات حرارتی آن	» مهندس هوشنگ خسرو بابار
٤۱۹ - تأسیسات آبی	» مهندس عبدالله ریاضی
٤۲۰ - بیماریهای اعصاب (جلد نخست)	نگارش دکتر صادق صبا
٤۲۱ - مکانیک عمومی (جلد دوم)	» دکتر محسن ریاضی

۳۴۴ ـ ارادهٔ معطوف بقدرت (از نیچه)	ترجمه دکتر هوشیار
۳۴۵ ـ دفتر دانش و ادب (جلد سوم)	مقاله دکتر مهدوی
۳۴۶ ـ حقوق مدنی (جلد اول تجدید چاپ)	تألیف دکتر امامی
۳۴۷ ـ نمایشنامه لوسید	ترجمه دکتر سپهبدی
۳۴۸ ـ آب شناسی هیدرولوژی	تألیف دکتر حمیدی
۳۴۹ ـ روش شیمی تجزیه (۱)	« « فخرالدین خوشنویسان
۳۵۰ ـ هندسه ترسیمی	« « جمال عصار
۳۵۱ ـ اصول الصرف	« علی اکبر شهابی
۳۵۲ ـ استخراج نفت (جلد اول)	« دکتر جلال الدین واما
۳۵۳ ـ سخنرانیهای پروفسور رنه وسان	ترجمه دکتر سیاسی ـ دکتر سمحور
۳۵۴ ـ کورش کبیر	تألیف دکتر هادی هدایتی
۳۵۵ ـ فرهنگ عماری فارسی و فرانسه (جلد اول)	مهندس امیرجلال الدین غفاری
۳۵۶ ـ اقتصاد اجتماعی	دکتر سید شمس الدین جزایری
۳۵۷ ـ بیولوژی (وراثت) (تجدید چاپ)	« جزیری
۳۵۸ ـ بیماریهای مغز و روان (۳)	« حسین رضاعی
۳۵۹ ـ آئین دادرسی دراسلام (تجدیدچاپ)	آقای محمد سنگلجی
۳۶۰ ـ تقریرات اصول	« محمود شهابی
۳۶۱ ـ کالبد شکافی توصیفی (جلد ٤ ـ عصب شناسی اسب)	تألیف دکتر میربابایی
۳۶۲ ـ الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه	« سبزواری
۳۶۳ ـ بی‌حسی‌های ناحیه‌ای در دندان پزشکی	« دکتر محمود مسعودی
۳۶٤ ـ چشم و بیماریهای آن	تألیف دکتر باستان
۳۶۵ ـ هندسه تحلیلی	« « مصطفی کامکار پارسی
۳۶۶ ـ شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)	« « ابوالحسن شیخ
۳۶۷ ـ پزشکی عملی	« « ابوالقاسم نجم آبادی
۳۶۸ ـ اصول آموزش وپرورش (چاپ سوم)	« « هوشیار
۳۶۹ ـ پرتو اسلام	بقلم عباس خلیلی
۳۷۰ ـ جراحی عملی دهان ودندان (جلد اول)	تألیف دکتر کاظم سمحور
۳۷۱ ـ درد شناسی دندان (۱)	« « محمود سیاسی
۳۷۲ ـ مجموعهٔ اصطلاحات علمی (قسمت دوم)	ـ
۳۷۳ ـ تیره شناسی (جلد سوم)	« « احمد پارسا
۳۷٤ ـ المعجم	تصحیح مدرس رضوی
۳۷۵ ـ جواهر الآثار (ترجمه مثنوی)	بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
۳۷۶ ـ تاریخ دیپلوماسی عمومی	تألیف دکتر محسن عزیزی
۳۷۷ ـ Textes Français	« بانو نفیسی
۳۷۸ ـ شیمی فیزیك (جلد دوم)	« دکتر علی اکبر پوسلی
۳۷۹ ـ زیباشناسی	« آقای علینقی وزیری
۳۸۰ ـ بیماریهای مشترك انسان ودام	« دکتر مهدی نژاد
۳۸۱ ـ فرمان تن وروان	« « نصیر
۳۸۲ ـ بهبود نسل بشر	« « محمد علی مولوی

۴۶۲ ـ کلیات شمس تبریزی (جزوه دوم)	تصحیح فروزانفر
۴۶۳ ـ ارتدنسی (جلد اول)	نگارش دکتر ریاض
۴۶۴ ـ یادداشتهای قزوینی (جلد اول)	بکوشش ایرج افشار
۴۶۵ ـ فهرست پیشنهادی اسامی پرندگان ایران	« ساموئل جروس رند
۴۶۶ ـ تاریخ دیپلوماسی جلد اول	نگارش دکتر سنا
۴۶۷ ـ میوه‌دری ـ باب الجنه	« محمدعلی گلریز
۴۶۸ ـ فلسفه عالی یا حکمت صدرالمتألهین	ترجمه جواد مصلح
۴۶۹ ـ کالبد شناسی انسانی (تنه)	نگارش مسعود حکیم
۴۷۰ ـ شیمی آلی	« دکتر شیخ
۴۷۱ ـ بابا افضل کاشی (جلد دوم)	« « مهدوی
۴۷۲ ـ تجزیه سنگهای معدنی	« مهندس محمدرضا صابرخانی
۴۷۳ ـ اکوستیک	« دکتر اسمعیل بیگی
۴۷۴ ـ تاریخ دیپلوماسی عمومی (جلد دوم)	« « محسن عزیزی
۴۷۵ ـ راهنمای زبان اردو (جلد اول)	« « سید احمد شهریار
۴۷۶ ـ تشخیص جراحی‌های فوری شکم	« « امان‌الله نورزاده
۴۷۷ ـ اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی (تجدید چاپ)	« « محسن صبا
۴۷۸ ـ جواهر الآثار در ترجمه مثنوی (جلد دوم)	« « جواهر کلام
۴۷۹ ـ لغات و اصطلاحات مثنوی (جلد اول)	« « گوهرین
۴۸۰ ـ تاریخ دامپزشکی (جلد اول)	« « میمندی‌نژاد
۴۸۱ ـ بافت شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۴۸۲ ـ حساب عددی ترسیمی	« مهندس ریاضی
۴۸۳ ـ شرح تبصره آیت‌الله علامه حلی جلد دوم (چاپ دوم)	« زین العابدین ذوالمجدین
۴۸۴ ـ ترمودینامیک جلد اول (چاپ دوم)	« دکتر روس
۴۸۵ ـ کتابشناسی فهرستهای نسخه‌های خطی فارسی	« ایرج افشار
۴۸۶ ـ واژه‌نامه فارسی (بخش ۴ معیار جمالی)	« دکتر صادق کیا
۴۸۷ ـ دیوان قصائد ـ هزار غزل ـ مقطعات	« می دانش
۴۸۸ ـ مکانیک عمومی (جلد اول)	« دکتر مجتبی ریاضی
۴۸۹ ـ میکروب‌شناسی و بیماری‌شناسی عمومی	« دکتر کاوه ـ دکتر احمد شمسی
۴۹ ـ حقوق جزائی (۱) (تجدید چاپ)	« « غلامحسین علی‌آبادی
۴۹۱ ـ داروهای جالینوسی (۴) (تجدید چاپ)	« « صادق مقدم
۴۹۱ ـ روش تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان (تجدید چاپ)	« « بازارگادی
۴۹۳ ـ اندام‌شناسی اسب	« « محمود بردی‌زاده
۴۹۴ ـ شیمی آلی (جلد اول)	« « نادر سربی
۴۹۵ ـ بیماریهای دندان	« « محمود سیاسی
۴۹۶ ـ راهنمای مذهب شافعی (جلداول)	« حاج سیدمحمد شیخ‌الاسلام کردستانی
۴۹۷ ـ مفرد و جمع و معرفه و نکره	« دکتر محمد معین
۴۹۸ ـ بافت شناسی	« « ناصرالدین نامشاد (علوی)

[illegible]	مهندس مرتضی [illegible]
۴۲۳ – مکانیك استدلالی	» پرفسور تقی فاطمی
۴۲۴ – تاریخ فرهنگ ایران	» دکتر عیسی صدیق
۴۲۵ – شرح تبصره آیة الله علامهٔ حلی (جلد سوم)	» زین العابدین ذوالمجدین
۴۲۶ – حکیم ارزقی هروی	تصحیح مرحوم علی عبدالرسولی
۴۲۷ – علوم عقلی	نگارش دکتر ذبیح الله صفا
۴۲۸ – شیمی آنالیتیك	» دکتر کاتبك
۴۲۹ – فیزیك الکتریسیته (جلد دوم)	» » روشن
۴۳۰ – کلیات شمس تبریزی	با تصحیحات وحواشی آقای فروزانفر
۴۳۱ – کانی شناسی (تحقیق دربارهٔ معدن ارکانهای جزیره هرمز)	نگارش دکتر عبدالکریم قریب
۴۳۲ – فرهنگ عفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم)	» امیرجلال الدین غفاری
۴۳۳ – ریاضیات درشیمی (جلد دوم)	» دکتر هوروش
۴۳۴ – تحقیق درفهم نثر	ترجمه دکتر رضازاده شفق
۴۳۵ – السعادة والاسعاد	تصحیح مجتبی مینوی
۴۳۶ – تاریخ فرهنگ اروپا	نگارش دکتر عیسی صدیق
۴۳۷ – نقشه برداری (جلددوم)	» مهندس حسن شمسی
۴۳۸ – بیماریهای گیاه (تجدیدچاپ)	» دکتر حسری
۴۳۹ – حقوق مدنی (جلد سوم)	» دکتر سیدحسن امامی
۴۴۰ – سخنرانیهای آقای انیس المقدسی (استاد دانشگاه آمریکایی بیروت)	
۴۴۱ – دردشناسی دندان (جلد دوم)	نگارش دکتر محمودسیاسی
۴۴۲ – حقوق اساسی فرانسه	» » قاسم زاده
۴۴۳ – حقوق عمومی واداری	» » سنجر
۴۴۴ – پاتولوژی مقایسه‌ای (جلد سوم)	» » محمدی نژاد
۴۴۵ – شیمی عمومی معدنی فلزات	» » شروانی
۴۴۶ – فسیل شناسی	» » فرشاد
۴۴۷ – فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد ششم)	نگارش امیرجلال الدین غفاری
۴۴۸ – تحقیق درتاریخ قندسازی ایران	» مهندس ابرهیم رجائی
۴۴۹ – مشخصات جغرافیای طبیعی ایران	» دکتر حسن گل گلاب
۴۵۰ – جراحی فك وصورت (جلد دوم)	» » حسن مهدوی
۴۵۱ – تاریخ هرودت	» » هادی هدایتی
۴۵۲ – تاریخ دیپلماسی عمومی (چاپ دوم)	» » حسن ستوده تهرانی
۴۵۳ – سازمان فرهنگی ایران (تجدید چاپ)	» » علی کنی
۴۵۴ – مسائل گوناگون پزشکی	» » محمدعلی مولوی
۴۵۵ – فیزیك الکتریسته (جلد سوم)	» » روشن
۴۵۶ – جامعه شناسی یاعلم الاجتماع	» » یحیی مهدوی
۴۵۷ – اورمی	» » رفعت
۴۵۸ – بهداشت‌عمومی (پیش گیری بیماریهای واگیر)	نگارش دکتر اعتمادیان
۴۵۹ – تاریخ عقاید اقتصادی (چاپ دوم)	» مرحوم دکتر حسن شهید نورائی
۴۶۰ – تبصره ودورسالهٔ دیگر درمنطق	بکوشش دانش پژوه
۴۶۱ – مسائل گوناگون پزشکی (جلد سوم)	نگارش دکتر مولوی

٤٩٩ - هیدرلیک (تجدید چاپ)	نگارش آقای مهندس ریاضی
٥٠٠ - مولفات ومصنفات رازی	« دکتر محمود نجم‌آبادی
٥٠١ - روشهای نوین سرم شناسی	« « نظری
٥٠٢ - شیمی آنالیتیک	« « حسین رادمرد
٥٠٣ - مکانیک سیالات	« « احمد وزیری
٥٠٤ - فلور ایران (جلد هفتم)	« « احمد پارسا
٥٠٥ - شیمی مختصر آلی	« « پرنس
٥٠٦ - راهنمای دانشگاه (انگلیسی)	- -
٥٠٧ - فرهنگ غفاری (جلد هفتم)	« امیر جلال‌الدین غفاری
٥٠٨ - « « (جلد هشتم)	« « «
٥٠٩ - نام علمی گیاهان - واژه‌نامه گیاهی به انگلیسی - فرانسه - آلمانی - عربی - فارسی	« دکتر اسمعیل زاهدی
٥١٠ - بیوشیمی	« آقای دکتر گاگیک
٥١١ - سرطان شناسی (جلد دوم)	« « کمال آرمین
٥١٢ - مکانیک صنعتی (مقاومت مصالح)	« مهندس محمدی
٥١٣ - فرهنگنامه‌های عربی بفارسی	« علینقی منزوی
٥١٤ - وزن شعر فارسی	« دکتر پرویز ناتل خانلری
٥١٥ - سرزمین هند	« علی اصغر حکمت
٥١٦ - مقدمه روانشناسی (تجدید چاپ با اصلاحات)	« دکتر مهدی جلالی
٥١٧ - یادداشتهای قزوینی (جلد چهارم)	« ایرج افشار
٥١٨ - پزشکی قانونی	« آقای دکتر قاسمی
٥١٩ - کلیات صنعت قندسازی	« « مهندس ابراهیم ناجی
٥٢٠ - وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی	« مرحوم عباس اقبال